

ماهنامه اقتصادی

کارایی

سال هشتم دوره جدید
شماره ۲۸، اسفند ۱۳۹۵
۶۸ صفحه، قیمت: ۵۰۰۰ تومان

تبریز ۲۰۱۸

پرونده‌ی ویژه تبریز و گردشگری



پایان دوره خام فروشی؛ نقطه‌ی عطف
فرشاد مومنی



کارنامه فقر در دولت تدبیر و امید
حسین راغفر



شکست نظام مند در اقتصاد ایران
علی دینی ترکمانی



صندوق‌های بازنشستگی، تهدیدی در راه
میکائیل عظیمی



فقدان دانش و تجربه در شاخص‌های اقتصاد مقاومتی
احسان خاندوزی

گذش ایام؛
سالی که گذشت
«درگفت و گو با صاحب‌نظران»



سازمان مدیریت صنعتی

نمایندگی آذربایجان شرقی



آکادمی زبان سازمان مدیریت صنعتی

دوره های آموزشی آکادمی زبان (ایمیا)

نام دوره	تعداد ترم	مدت دوره
Talk show Academic	۱	۱۰ جلسه
Talk show General	۱	۱۰ جلسه
دوره فوق فشرده	۲	۲۰ جلسه
مکالمه عمومی بزرگسالان	۲۰	۱۷ جلسه
مکالمه عمومی کودکان	۲۸	۱۸ جلسه
انگلیسی برای خانم های خانه دار	۱۲	۱۷ جلسه
Listening Speaking	۱۲	۱۷ جلسه
Reading Writing	۱۲	۱۷ جلسه
TOEFL	۵	۱۰ جلسه
IELTS	۵	۱۰ جلسه
Pre-TOEFL	۲	۲۰ جلسه
Pre-IELTS	۲	۲۰ جلسه
MCHE	۱	۵۰ جلسه
مکالمات تجاری	۱	۱۷ جلسه
مکاتبات تجاری	۱	۱۷ جلسه
مقاله نویسی ISI	۱	۱۷ جلسه
خوش نویسی زبان انگلیسی	۱	۱۰ جلسه
مکالمه فشرده زبان فرانسه	۵	۱۵ جلسه
مکالمه فشرده زبان ایتالیایی	۵	۱۵ جلسه
مکالمه فشرده زبان روسی	۵	۱۵ جلسه
مکالمه فشرده زبان آلمانی	۵	۱۵ جلسه

نمابر: ۳۳۳۷۹۹۵۹

۵۹-۳۳۳۷۹۹۵۵

imi.azar

www.imiazar.ir

<https://telegram.me/imiazar>

آدرس: آبرسان - جنب هتل تبریز - کوی پناهی - دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گمی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی



MS.Project

کنترل پروژه
با نرم افزار



Primavera

کنترل پروژه
با نرم افزار



Comfar

ارزیابی اقتصادی طرح ها
و پروژه ها با نرم افزار



Eviews

مدل سازی ، تخمین و تحلیل
اقتصادی با نرم افزار

زنجان

۰۲۴-۳۳۴۴۰۹۸۷

اردبیل

۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

ارومیه

۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

تبریز

۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۵-۸



خانه مدیران سازمان مدیریت
صنعتی آذربایجان شرقی

imiazar.ir/managershome

"خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی؛

ایجاد امکان پیوستن به شبکه گسترده ای از تجارب و دانش ها"

چه کسانی می توانند به عضویت خانه مدیران در آیند؟

- مدیران عامل، اعضاء هیات مدیره سازمان ها
- معاونین، مدیران کل و مدیران ارشد
- کارآفرینان، نخبگان و صاحب نظران
- اعضاء هیئت علمی دانشگاه ها، مراکز علمی، پژوهشگران و اساتید
- دانشجویان دکتری مدیریت در بخش های دولتی و خصوصی
- دانشجویان و دانش آموزان تحصیلات تکمیلی سازمان مدیریت صنعتی
- دانشجویان دوره های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

هدف از تاسیس خانه مدیران، توسعه و تداوم یادگیری Life Long Learning می باشد که برای دستیابی به آن از روش های ذیل استفاده می شود:

- برگزاری نشست های مختلف با صاحب نظران، استادان و مسئولین اجرایی.
- تشکیل کارگروه های مدیریت منابع انسانی، تشکیلات و مدیریت بازار.
- ایجاد فرصت های لازم جهت گردهمایی، تبادل نظر و تجربه در فرصت های فراغت از کار.
- برگزاری برنامه بازدید از پروژه های استانی و ملی.
- برگزاری برنامه های فرهنگی - هنری برای اعضاء و خانواده های محترم ایشان.

نمابر: ۳۳۳۷۹۹۵۹

۵۹-۳۳۳۷۹۹۵۵

نمابر: ۳۳۲۹۷۶۴۶

۳۳۳۳۳۳۶۰۰

imi.azar

www.imiazar.ir

<https://telegram.me/imiazar>

آدرس: کوی ولیعصر، انتهای خیابان شهریار شمالی، ۲۰ متری صفا، سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی
آدرس: آبرسان، جنب هتل تبریز، کوی پناهی، دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی



ماهنامه اقتصادی

کارايجی

با بیش از ۵۰ هزار مشترک الکترونیکی

فرم اشتراک ماهنامه کارایی

حق اشتراک ۱۲ شماره در سال ۱۳۹۵ با پست سفارشی ۶۰۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک ۶ شماره در سال ۱۳۹۵ با پست سفارشی ۳۰۰۰۰۰ ریال

لطفا مبلغ اشتراک را به حساب جاری ۹۷۱۷۰۷ بانک سپه، شعبه ۲۹ بهمن تبریز به نام سازمان مدیریت صنعتی تام آذربایجان واریز نموده فیش بانکی یا فیش تایید را به همراه فرم تکمیل شده به آدرس نشریه یا به شماره ۳۳۲۹۷۳۷۷-۴۱ فکس نمایید.

به پیوست فیش بانکی به شماره به مبلغ بابت حق اشتراک ماهنامه کارایی ارسال می شود

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

نام

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

نام خانوادگی:

آدرس پست الکترونیک:

نشانی:

کدپستی: تلفن:

آدرس دفتر نشریه: تبریز، کوی پرواز، خیابان شهید بابایی، کوچه شبنم ششم، پلاک ۳۲

فهرست

سالی که گذشت	۶ پرونده
شرایط تحریم اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۵	۷
تاثیر فروش نفت بر روی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵	۸
تورم در سال ۱۳۹۵	۱۰
سیاست مالیاتی دولت در سال ۱۳۹۵	۱۱
عملکرد بانک مرکزی در سال ۱۳۹۵	۱۳
روند خصوصی سازی در سال ۱۳۹۵	۱۴
نگاهی به عملکرد بورس در سال ۱۳۹۵	۱۵
تاثیر انتخاب ترامپ بر روی اقتصاد ایران	۱۶
کارنامه فقر در دولت تدبیر و امید	۱۷
اقتصاد ایران در گرداب	۱۹
فقدان دانش و تجربه دانشگاهیان در شاخص های اقتصاد مقاومتی	۲۱
پایان دوره خام فروشی؛ نقطه ی عطف اقتصاد ایران	۲۳
اقدامات صورت گرفته در راستای اقتصاد مقاومتی	۲۵
صندوق های بازنشستگی، تهدیدی در راه	۲۶
نبردهنجارها	۳۰
تبریز و گردشگری	۳۱ پرونده
تاثیرات توسعه ی گردشگری بر اقتصاد شهر تبریز	۳۲
گردشگری، فرصت ها و تهدیدها	۳۴
به پیشواز تبریز ۲۰۱۸ با لباس فولکلوریک	۳۵
مراکز اقامتی تبریز به دور از دنیای مجازی	۳۶
گردشگری بر پایه ی دانش	۳۸
چراغ ها را من خاموش میکنم	۳۹
فرهنگ گنجینه گردشگری	۴۱
رویکرد استراتژیک در نظام گردشگری	۴۳
نوروز و محیط زیست	۴۸ سبز

ماهنامه کارایی، سال هشتم، دوره جدید، شماره ۲۸، اسفند ماه ۱۳۹۵

دفتر نشریه: تبریز- کوی پرواز- خیابان شهید بابایی- کوچه شبنم ششم- پلاک ۳۲
تلفن: ۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۰۰

دفتر تهران: خیابان ولی عصر- بالاتر از میدان ونک- نبش کوچه نگار- برج نگار- طبقه ۱۰- واحد ۱۰
تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۴۱۴۷۲

وب سایت کارایی: www.karaye.ir
پست الکترونیک: karayi.magazine@gmail.com
کانال رسمی ماهنامه کارایی در تلگرام: [Telegram.me/karayi](https://t.me/karayi)
صفحه رسمی ماهنامه کارایی در اینستاگرام: [karayi.magazine](https://www.instagram.com/karayi.magazine)

۱- کارایی آمادگی دارد تا پذیرای نقطه نظرات همه صاحب نظران باشد.
۲- مطالب منتشر شده لزوماً بیانگر دیدگاه های این نشریه نمی باشد.
۳- کارایی در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی با نظر صاحبان اثر آزاد است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: توفیق رسولی مجارشین
سر دبیر: محمد حسن خیرآور
دبیر تحریریه: الناز علیزاده اشرفی
دبیر اجرایی: سپیده جلالی

شورای سیاستگذاری: دکتر محمد باقر بهشتی، دکتر فرخ مسجدی، دکتر داود بهبودی، غلامعلی حیدر نیافتج آبادی، حمیده علیزاده اشرفی، احد عابدینی بیرنگ، جواد جهانگیر

تحریریه: دکتر علیرضا بافنده زنده، دکتر صمد عالی، دکتر فرزاد ستاری اردبیلی، دکتر اسماعیل مردانی گیوی، محسن افسر قره باغ، امیر کریمزاد شریفی

همکاران این شماره: شهرروز تهامی نسب، صادق پورصادق، آصف حاجی زاده، فهیم مطوری، اصغر فیضی پور، بهنازالسادات واعظ مدنی، طوبی سرمدی، رها بهمنش، کیاناز رستمیان، دریا ریاحی، شبنم رحیم طرقي، پریسا زارغ، محمد ولیلو، کاظم عباسی

با سپاس از همکاری: علی نیکرزم، جواد یعقوبی، حسن ولی لو، سونیا خامنه

دفتر مرکزی: تبریز، خیابان سعدی، کدپستی ۵۱۷۳۹۵۳۸۳۹



اگر ما با همین سبک حرکت و به تعبیر رایج با همین فرمان جلو برویم، قطعاً پیروزی متعلق به ملت ایران است. همه فکر کنند، همه تلاش کنند، همه همت بگذارند، همه آینده را در نظر بگیرند، همه آرمانها را جلوی چشمشان نگه دارند و به سمت آن آرمانها حرکت بکنند، همه این امید مقدس را در دلپاشان گرم نگه دارند. خدا را شکر میکنیم که شعله‌ی امید را در دلپاشی ما زنده نگه داشت که یک لحظه نسبت به آینده‌ی کشور ناامید نشدیم و بحمدالله آنچه را امید داشتیم، به بهتر از آن و بیشتر از آن رسیدیم؛ اما این همه‌ی آرزوهای ما نیست، همه‌ی خواسته‌های ما نیست؛ همه‌ی خواسته‌های خدا هم از ما نیست، ما یک قدم کوتاهی حرکت کردیم؛ باید گامهای بلندتری برداریم و برویم و به آنچه نظام اسلامی وعده داده است که ایجاد یک جامعه‌ی اسلامی عادلانه‌ی پیشرو مقتدر با عزت و با قدرت است ان‌شاءالله برسیم و مطمئناً هم به آن خواهیم رسید.

سرمقاله

سال ۱۳۹۵ در عرصه بین الملل سالی پر از وقایع ناخوشایند و شوک آور بود. از تشدید بحران انسانی در کشورهای درگیر جنگ در خاورمیانه تا غرق شدن چند هزار پناهجو در آب های مدیترانه و خروج بریتانیا از اروپا و انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا. کمتر از سه دهه پیش و در اواخر دهه ۱۹۹۰ دموکراسی و نظم لیبرال که پس از جنگ سرد حاکم شده بود، کمابیش به مثابه سرنوشتی محتوم برای کل جهان تلقی می شد. این تفکر به ویژه با تشکیل اتحادیه‌ی اروپا، به باور بسیاری از اروپائی ها، ترکیب منحصر بفرد نهادهای دموکراتیک، بازارهای منسجم، سیاست پولی واحد، حاکمیت قانون، کم رنگ تر کردن مرزها و تسهیل مسافرت و تغییر مکان، چنان قدرت نرمی به اتحادیه‌ی اروپا می داد که هم سطح با قدرت سخت ایالات متحده آمریکا ارزیابی می شد.

در این مقطع زمانی «تعهد و التزام به افزودن بر قلمرو حکومت دموکراتیک جهانی» در قالب مصادیق متعددی همچون تلاش برای تغییر رژیم های به اصطلاح خودکامه، خود را نشان می داد. همه چیز حکایت از برآمدن آفتاب یک نظم جهانی پایدار و خیرخواهانه و مصلحانه داشت. اما طولی نکشید که آن نظم لیبرال به واسطه‌ی نیروها و عوامل متعددی به چالش کشیده شد. این چالش خود را در هیات «فروپاشی ۲۷ دموکراسی در فاصله سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵» نشان داد و حتی بسیاری از رژیم های اقتدارگرا به حکومت های بسته تر، غیرشفاف تر و غیرپاسخگو تر تبدیل شدند. ایده مرکزی گستراندن دامنه‌ی نظم و سامان لیبرالیستی این بود که می بایست روند فروپاشی به اصطلاح دیکتاتوری ها به طور فزاینده‌ای تسریع شود، تعداد بیشتری از حکومت ها به انتخابات آزاد روی بیاورند، آزادی بیان به عنوان یک ارزش بلامنازع مورد حمایت جدی قرار گیرد و البته هر چه می توانیم بازارها را رقابتی تر و اقتصاد را به معنای لیبرالیستی آن آزادتر نماییم. همچنین در این مقطع گرایش های پررنگ به سازمان های چندجانبه بین المللی و عضویت در آن ها به ویژه اتحادیه اروپا و ناتو از جمله نموده‌های بارز گستراندن قلمرو ارزش های مرتبط با نظم نوین مبتنی بر لیبرالیسم بود. از دیگر سو، بر مبنای این نظم نوین، اختلافات سیاسی هم به راحتی و با تاسی از اصول موضوعه این طرز تفکر قابل رفع و رجوع تلقی می شد. تلاش برای تحمیل این نظم به سایر نقاط، مخالفت

ها و مقاومت هایی را برانگیخت که مقاومت های گروه های جهادی مردمی و در سطح دولت ها، اتحاد استراتژیک روسیه و چین را می توان نام برد. به نظر می رسد در این نظم نوین جهانی، صرفاً این که حکومت قانون برقرار باشد، احزاب سیاسی تشکیل شوند و انتخابات عادلانه و فراگیر تشکیل شود، مورد تاکید قرار می گیرد و این نکته که جامعه دموکراتیک به چیزی فراتر از نهادهای صرفاً دموکراتیک مثلاً به تساهل و تحمل «غیر» نیاز دارند، مورد غفلت واقع می شود. همچنین به نظر می رسد این نظم و نظام نوین به طور غیر واقع بینانه و رمانتیکی از جوامع این انتظار را دارد که به ارزش های لیبرال بیش از مسائل داخلی و ملی خود بپردازند و برای آن ها اهمیت قائل شوند. اما به عنوان مثال خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا و یا حتی انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهوری آمریکا را شاید بتوان نمادهایی از علائق ملی مردم بریتانیا و آمریکا و ارجحیت این علائق بر ملاحظات عقلانی و اقتصادی لیبرالیسم تلقی کرد. در همین راستا، کم اهمیت انگاشته شدن ارزش های ملی گرایانه، قوم گرایانه و هویت طلبانه نیز از دیگر خبط و خطاهایی است که خطر را به بیخ گوش ارزش های لیبرال و نظم نوین مبتنی بر آن رسانده است. در واقع از دیدگاه نگارنده تفسیر لیبرالیستی عاملان نظم نوین جهانی از رقابت آزاد و دموکراسی، رویکردی است که صرفاً موانع سیاسی پیش روی سلطه‌ی سرمایه های استکباری را به کنار می زند و هیچ ارتباط معناداری با مسائل، مشکلات، نیازها، مطالبات و اهداف انسان های به حاشیه رانده شده ندارد انسان ها به خاطر نقش ها و موقعیت هایشان طرد و نفی می شوند و به نوعی «سازمان یافتگی» کشورهای مرکز در برابر «سامان بخشی» کشورهای حاشیه قرار دارد. شاید بتوان گفت کوشش های برخی دولت ها و یا جبهه های مردمی برای ایجاد قطب های متکثر جهانی و ائتلاف های منطقه ای نیز در ردیف آن جمله از حرکت ها و واکنش های سیاسی است که تلاش می کند تا از طریق روش های ائتلاف، توازن و در صورت لزوم تقابل، با خروج از وضعیت هژمونیک، شرایط را با اتکاء به اراده‌ی خویش برای سامان بخشی مسائل و اهداف فراهم نماید.

دبیر تحریریه



سالی که گذشت...

گزارش

تحلیل

- کارنامه فقر در دولت تدبیر و امید
- اقتصاد ایران در گرداب
- فقدان دانش و تجربه دانشگاهیان در شاخص های اقتصاد مقاومتی
- پایان دوره خام فروشی؛ نقطه ی عطف اقتصاد ایران
- اقدامات صورت گرفته در راستای اقتصاد مقاومتی
- صندوق های بازنشستگی، تهدیدی در راه
- نبرد هنجارها

- شرایط تحریم اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۵
- تاثیر فروش نفت بر روی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵
- تورم در سال ۱۳۹۵
- سیاست مالیاتی دولت در سال ۱۳۹۵
- عملکرد بانک مرکزی در سال ۱۳۹۵
- روند خصوصی سازی در سال ۱۳۹۵
- نگاهی به عملکرد بورس در سال ۱۳۹۵
- تاثیر انتخاب ترامپ بر روی اقتصاد ایران

شرایط تحریم اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۵

و شرکت‌های در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته شده را براساس نظام قضایی آمریکا مسدود می‌کند. علاوه بر این، نهادهای مالی خارجی یا اشخاصی که موجب تسهیل در معاملات مهم شوند یا حمایت مادی یا دیگر حمایت‌ها را برای اشخاص و شرکت‌های در فهرست تحریم‌ها فراهم کنند، در خطر تحریم‌های قرار می‌گیرند که ممکن است دسترسی آنها به سیستم مالی آمریکا را قطع کند یا موجب مسدود شدن اموال آنها و منافع آنها در اموال براساس رویه قضایی آمریکا شود. اقدام آمریکایی‌ها در اضافه کردن این افراد و شرکت‌ها در فهرست تحریم‌ها نشان‌دهنده اصرار آمریکا برای مقابله با توسعه موشک بالستیک ایران و حمایت این کشور از تروریسم و همچنین نگه داشتن ایران در شرایط ماقبل برجام است.

نامه غربی‌ها به بان کی مون جهت تشدید فشارها به ایران

آزمایش موشکی ایران در اواخر اسفندماه ۹۴ که با فضاسازی پردامنه رسانه و شخصیت‌های غربی همراه شده بود در ایام نوروز وارد مرحله جدیدی شد غربی‌ها مدعی شدند که آزمایش‌های موشکی بالستیک اخیر ایران «در تقابل» و «ناسازگار» با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. در ادامه با این ادعا که موشک‌های آزمایش شده ایران «ذاتاً قابلیت حمل سلاح هسته‌ای را دارد»، از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته شده است که «پاسخ‌های مناسب» به آزمایش موشکی اخیر ایران را بررسی کند. بر اساس این قطعنامه که در تأیید توافق هسته‌ای ایران و گروه موسوم به ۱+۵ صادر شد، محدودیت‌های موشکی ایران برای هشت سال دیگر پابرجا ماند، با این حال ادبیات قطعنامه در مقایسه با قطعنامه ۱۹۲۹ که پیشتر برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران تصویب شده بود، تفاوت کرده است. در قطعنامه جدید تنها «از ایران خواسته» شده که روی موشک‌هایی که برای داشتن توانایی حمل سلاح هسته‌ای طراحی شده‌اند کار نکند. این در حالی است که در قطعنامه پیشین گفته شده بود که شورای امنیت «تصمیم می‌گیرد که ایران نباید» روی «موشک‌های دارای توان حمل سلاح هسته‌ای» کار کند. همین تغییر ادبیات قطعنامه موجب شده تا آمریکا و متحدانش برای پیشبرد تصویب تحریم‌های تازه علیه برنامه موشکی ایران از مسیر شورای امنیت با مشکل مواجه شوند، چراکه آنطور که مسکو می‌گوید، در قطعنامه تنها از ایران درخواست شده و یک درخواست قابل نقض نیست بلکه یک کشور می‌تواند این درخواست را بپذیرد یا نه.

در حالی غربی‌ها رزمایش موشکی ایران را ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ می‌دانند که شورای امنیت اندکی بعد از این رزمایش - به درخواست آمریکا - برای بررسی این رزمایش تشکیل جلسه داد، اما این نشست بدون نتیجه خاصی به پایان رسید. به نوشته رویترز، دیپلمات‌های شورای امنیت نیز خود اذعان دارند که توجیهات مطرح شده برای اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران به بهانه رزمایش موشکی، ضعیف است چراکه با متن قطعنامه همخوانی ندارد. چهار کشور تدوین‌کننده این نامه نیز آنطور که رویترز نوشته، کاملاً در نگارش این نامه دقت کرده‌اند و در آن مدعی «نقض» قطعنامه نشده‌اند بلکه مدعی شده‌اند که آزمایش موشکی ایران «در تقابل» با قطعنامه است. رویترز به نقل از دیپلمات‌ها نوشته است که اعضای شورای امنیت می‌دانند که درخواست از ایران از لحاظ قانونی الزام‌آور نیست و نمی‌توان از آن برای اعمال تنبیهات فصل هفتمی از جمله تحریم یا به کارگیری نیروی نظامی استفاده کرد. با این حال کشورهای غربی می‌گویند ایران تعهدی سیاسی برای پایبندی به این محدودیت دارد. در این نامه همچنین از اینکه ایران عنوان کرده است که این موشک‌ها تهدیدی مستقیم برای اسرائیل هستند، ابراز نگرانی شده است. با این حال دیپلمات‌های غربی می‌گویند محکومیت از سوی شورای امنیت می‌تواند سکوی پرتاب قانونی‌ای در اختیار کشورهای اروپایی قرار دهد تا تحریم‌های جدید یکجانبه علیه ایران را مورد بررسی قرار دهند.

بعد از اجرای برجام، محدودیت‌هایی برداشته شده است، اما به نظر نمی‌رسد در کوتاه مدت حجم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و یا تامین مالی قابل توجه باشد و بتواند به عنوان محرکی در اقتصاد عمل کند.

دولت در سال جاری با حجم بالای دیون دولت، کمبود تقاضای موثر، حجم بالای نقدینگی و مساله تحقق روبرو بود و این مشکلات، کار را برای دولت سخت نمود.

بخش بزرگ اقتصاد ایران، یعنی دولت به دلیل کاهش درآمدهای نفتی، حجم بالای دیون و همچنین وضع نامناسب شبکه بانکی قادر نیست اهداف خود را محقق کند. تقاضای خانوارها نیز به دلیل کاهش دستمزد حقیقی و به عبارت دیگر کاهش قدرت خرید در طول سال‌های گذشته کاهش یافته و در حال حاضر نیز این کاهش قدرت خرید جبران نشده است. بخش خصوصی نیز به دلیل مشکلات مختلف، از قبیل فقدان تقاضای مناسب، عدم دسترسی به تامین مالی ارزان و بالا بودن هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری قادر نیست تقاضای خود را افزایش دهد.

به طور معمول در این شرایط دولت‌ها در اقتصاد دخالت می‌کنند و دولت قادر نخواهد بود به طور موثر در اقتصاد مداخله کند. علاوه بر این، به دلیل افزایش حجم نقدینگی به خصوص شبه پول، در صورت اعمال سیاست اشتباه می‌بایست منتظر یک شوک ارزی دیگر شد.

یک مساله در سال ۹۵ که می‌تواند قابل است، میزان سرمایه‌گذاری خارجی یا تامین مالی خارجی است. به هر حال بعد از اجرای برجام، محدودیت‌هایی برداشته شده است، اما به نظر نمی‌رسد در کوتاه مدت حجم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و یا تامین مالی قابل توجه باشد و بتواند به عنوان محرکی در اقتصاد عمل کند.

سال ۱۳۹۵ با انبوهی از اظهارات و اقدامات ضدایرانی کشورهای غربی و به ویژه آمریکایی‌ها همراه شده و مقامات این کشورها تلاش می‌کنند تا همانند ماه‌های گذشته جمهوری اسلامی ایران را در شرایط ماقبل از برجام نگه داشته و اجازه ندهند ایران شرایطی عادی و روبه سامان را در عرصه بین‌المللی و به خصوص در حوزه اقتصاد و تجارت تجربه کند.

امریکایی‌ها به بهانه‌های مختلف تلاش می‌کنند تحریم‌های جدیدی را علیه ایران به تصویب رسانند و تلاش می‌کنند محدودیت‌های جدیدی را علیه ایران سروسامان دهند؛ هدفی که تا حدود فراوانی موفقیت‌آمیز بود چراکه بعد از اجرای کامل تعهدات توسط جمهوری اسلامی ایران، امریکایی‌ها حتی حاضر نشدند نسبت به بازگشایی سوئیفت اقدام مؤثری را صورت دهند.

تحریم اشخاص و شرکت‌های جدید؛ هفته نخست سال ۹۵

تنها چند روز پس از هشدار رهبر معظم انقلاب مبنی بر هدف‌گذاری بلندمدت آمریکا برای پیاده‌سازی مدل برجام در موضوعات دیگر محل اختلاف با ایران، وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور بیانیه‌ای جدید، اشخاص و شرکت‌هایی را به خاطر حمایت از برنامه موشکی ایران و حمایت از شرکت هواپیمایی ماهان ایر، در فهرست تحریم‌ها قرار داد. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری دو شرکت در ایران را به خاطر دخالت مستقیم در برنامه موشک بالستیک در فهرست تحریم‌ها قرار داد و فهرست تحریم‌های مخصوص اشخاص و اتباع تحریم شده را به‌روز کرد و یک شرکت را که کنترل عملیاتی بر موشک بالستیک ایران دارد، در این فهرست قرار داد. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری همچنین دو شخص و دو شرکت مستقر در لندن و دو شرکت مستقر در امارات متحده عربی که تلاش‌های هواپیمایی ماهان برای دور زدن تحریم‌ها را تسهیل کرده‌اند، در فهرست تحریم‌ها قرار داد. این اقدامات براساس دستورات اجرایی ۱۳۲۲۴ و ۱۳۳۸۲ اتخاذ شد و هر نوع دارایی و منافع حاصل از دارایی برای اشخاص

تأثیر فروش نفت بر روی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵



نتیجه طبیعی افزایش تولید نفت در آمریکا این است که واردات نفت آمریکا به شدت کاهش پیدا میکند و از حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۸ به حدود ۷ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۴ میرسد

البته در همین مدت یعنی سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ اتفاقاتی افتاد که منجر به کاهش تولید برخی از کشورها از جمله ایران و لیبی و سودان شد ولی افزایش تولید آمریکا کاملاً این کاهش رو می پوشاند حتی بیشتر

در همین مدت کشور عراق هم بشدت بر تولیدات خودش اضافه کرد به طوری که از تولید کمتر از ۲ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۸ به بالای ۲٫۵ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۴ رسیده پس تولید نفت در این مدت رشد داشت.

۲. در کل واردات نفت خام در دنیا به دلیل کاهش رشد اقتصادی حوزه یورو و چین و نیز کاهش واردات آمریکا کاهش داشته

آمریکا	
سال	میانگین تولید روزانه
۲۰۰۸	۵,۰۱۴
۲۰۰۹	۵,۳۵۳
۲۰۱۰	۵,۴۷۷
۲۰۱۱	۵,۶۳۸
۲۰۱۲	۶,۴۹۳
۲۰۱۳	۷,۴۵۵
۲۰۱۴	۸,۷۱۰

همونطور که از آمارهای بالا مشخص هست افزایش تولید نفت در دنیا که بیشتر از ناحیه نفت شیل آمریکا بود و کاهش واردات نفت در دنیا منجر به کاهش شدید قیمت نفت شد بطوریکه

در این تحلیل سعی می شود بر اساس گزارش های مختلف داخلی و خارجی و نیز پیش بینی موسسات و سازمانهای معتبر، علل کاهش شدید قیمت نفت و افق پیش رو بررسی شده و سپس با استفاده از نتایج بخش اول، در بخش دوم وضعیت مالی دولت و متغیرهای کلان اقتصادی تا حد امکان تشریح گردد.

علل کاهش قیمت نفت :

۱. افزایش تولید نفت خام عمدتاً از ناحیه نفت شیل :

نفت شیل که در واقع نفتی است که در میان سنگ های رسوبی دانه ریز وجود دارد و با تکنولوژی خاصی قابل برداشت هستش و بیشترین منابع نفت شیل جهان در ایالت کلرادو آمریکا وجود دارد که بالغ بر ۳٫۳ تریلیون تن تخمین زده شده، البته بحث نفت شیل و مباحث پیرامون آن حدود ۱۰۰ سال در آمریکا مطرح بوده و بحث جدیدی نیست اما پیشرفت تکنولوژی و بالا بودن قیمت نفت باعث شد که به مرور سرمایه گذاری برای استفاده از این منابع نفت نامتعارف بیشتر بشه بطوریکه تولید نفت آمریکا از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ از ۵ میلیون بشکه به حدود ۹ میلیون بشکه رسید

واردات نفت	
جهان	OEDC
۴۷	۳۱
۴۵	۲۸
۴۲	۲۸
۴۲	۲۸
۴۲	۲۷
۴۱	۲۶
۴۱	۲۵



در چنین اقتصادی قابل توجه بوده و ثانیاً درآمدهای حاصل از صادرات نفت نقش مهمی در تامین مالی بودجه دولت ایفا می کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ضمن تحلیل عملکرد ۶ ماهه اول، برآوردی از میزان رشد اقتصادی کشور در سال جاری (۱۳۹۵) گزارش داد: آمار شش ماهه اول بانک مرکزی نشان از رشد ۴/۷ درصدی اقتصاد در این دوره نسبت به دوره مشابه سال قبل دارد. مرکز آمار ایران نیز در آستانه انتشار این گزارش، رشد شش ماهه سال ۱۳۹۵ نسبت به دوره مشابه سال ۱۳۹۴ را ۴/۶ درصد اعلام کرده است.

چنانچه در این گزارش آمده است: عوامل مختلفی بر حصول این میزان رشد موثر بوده که مهم‌ترین آن رشد قابل توجه تولید و صادرات نفت بوده است که در نتیجه اجرای برجام محقق شد. علاوه بر این ممکن است عواملی نظیر ثبات اقتصاد کلان و کاهش هزینه‌های مبادله و تسهیل نسبی مبادلات تجاری و بانکی در این زمینه موثر بوده باشد.

نتایج گزارش با در نظر گرفتن جدیدترین آمار و اطلاعات در دسترس تا پایان شش ماهه سال ۹۵ برآورد وزارت جهاد کشاورزی از تولید محصولات کشاورزی، برآورد هزینه‌های عمرانی و جاری دولت تا انتهای سال ۱۳۹۵، تحولات مورد انتظار از تولید و صادرات نفت تا انتهای سال جاری و برآوردهای شرکت‌ها و تشکلهای مرتبط با صنایع مختلف شامل خودروسازی، محصولات پتروشیمی و... راجع به میزان تولیدات محصولات- نشان می‌دهد که رشد ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی در سال ۱۳۹۵ (۷/۵)، نفت (۹/۵۱)، صنعت (۹/۱)، ساختمان (۹/۱۴-) و خدمات (۷/۳) درصد خواهد بود.

همچنین رشد زیربخش‌های مهم صنعت شامل خودروسازی (۲۵)، پتروشیمی (۸) و سیمان (۱۰-) و زیربخش‌های خدمات شامل خدمات بازرگانی (۱/۱)، خدمات حمل و نقل (۳/۲) و خدمات عمومی (۲/۲) پیش‌بینی می‌شود.

در نهایت رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵ نیز برابر با ۲/۷ درصد پیش‌بینی می‌گردد. نکته حائز اهمیت در مورد رشد ۲/۷ درصدی برآوردی برای سال ۱۳۹۵ مربوط به نقش پررنگ بخش نفت (ناشی از افزایش صادرات نفت) است؛ چرا که ۲/۵ درصد از رشد ۲/۷ درصدی سال ۱۳۹۵ مربوط به بخش نفت بوده و در صورتی که سهم بخش نفت را در نظر نگیریم (رشد صفر درصدی بخش نفت)، رشد اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۲ درصد خواهد بود. (به عبارت دیگر بیش از ۷۲ درصد رشد اقتصادی سال جاری مدیون نفت می‌باشد)



قیمت نفت از میانگین حدود ۱۰۰ دلاری برای ایران به کف کمتر از ۳۰ دلاری رسید و الان حول قیمت‌های ۴۰ تا ۵۰ دلار نوسان میکند

اینکه چه اتفاقی افتاده مهمه ولی مهمتر از اون برای فعالان بازار این است که بدانند در ماه‌های پیش رو و حتی یکی دو سال آینده پیش بینی موسسات معتبر بر چه قیمت‌های دلالت داره

پیش‌بینی سازمان‌های معتبر از قیمت نفت		
	۲۰۱۶	۲۰۱۷
بانک جهانی	۳۷	۴۸
اداره اطلاعات انرژی آمریکا	۳۸	۵۰
صندوق بین‌المللی پول	۴۲	۴۸
بریتیش پترولیوم	۴۰	۵۰
موسسه پیش‌بینی اقتصاد	۲۵	۳۰
نشریه چشم انداز اقتصادی OECD	۵۰	۵۰
گلدمن ساکس	۴۵	۶۰
اکونومیک	۴۳	۶۰

همونطور که مشاهده می‌شود بیشتر پیش‌بینی‌ها بر نفت حدود ۴۵ دلاری برای سال جاری (میلادی) و رشد حدود ۳۰ درصدی و رسیدن قیمت به حدود ۶۰ دلاری در خوشبینانه‌ترین حالت دلالت دارد

البته این را هم باید گفت که بهای تمام شده نفت شیل حدود ۶۰ دلار و حتی کمتر هست برای هر بشکه، این یعنی قیمت ۶۰ دلاری برای نفت مثل یک مقاومت قوی عمل خواهد کرد.

بر اساس برنامه ششم توسعه اقتصاد ایران باید به طور میانگین هشت درصد رشد اقتصادی داشته باشد برخی کارشناسان معتقدند ساختار اقتصاد کشور برای ایجاد رشد پایدار با نرخ‌های بالا نیاز به تغییراتی جدی دارد.

برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که اقتصاد ایران در سال آینده با توجه به رفع تحریم‌ها، ورود برخی سرمایه‌های خارجی و افزایش تولید نفت با رشدی پنج درصد مواجه خواهد شد که این رشد پایدار نخواهد بود در سال ۹۶ به شدت افت کرده و به سطح دو درصد می‌رسد.

برآوردهای صورت گرفته از سوی برخی کارشناسان اقتصادی حاکی از آن است که ساختار کنونی اقتصاد ایران در حال حاضر ظرفیت ایجاد رشدهای بالا و پایدار را ندارد و تا زمانی که مجموعه حکومتی بر سر راه حل برخی مسائل اقتصادی هماهنگ عمل نکنند، رشد اقتصادی بیشتر از سه درصد تا پایان برنامه ششم توسعه افزایش نخواهد یافت.

در این میان کاهش قیمت نفت نیز باعث خواهد شد به سبب کم شدن درآمدهای دولت، خواب پروژه‌های عمرانی عمیق‌تر شود و اجازه ندهد تا رونق به برخی از بخش‌های صنعتی و معدنی کشور بازگردد.

از آنجا که کاهش درآمدهای نفتی کماکان ادامه دارد و پیش‌بینی‌ها نیز نشان می‌دهد قیمت نفت تا چند سال آینده در زیر ۵۰ دلار به ازای هر بشکه جا خوش کند، تاثیر قیمت نفت بر رشد اقتصادی کشور مورد توجه و تحلیل برخی صاحب‌نظران و اقتصاددانان قرار گرفته است.

برخی از کارشناسان معتقدند که چون اقتصاد ایران در ردیف اقتصادهای نفتی طبقه‌بندی می‌شود، اولاً سهم بخش نفت

تورم در سال ۱۳۹۵



می تواند موجب افزایش واردات کالاها شود و بخشی از خدمات و واسطه گری ها را متورم تر کرده و سهم فعالیت های سوداگری و دلالی را افزایش دهد.

در سال ۹۵ برای محصولات پتروشیمی که انبار شده و خودروهایی وارداتی متقاضیان جدیدی داشت که البته آثار سوء محیط زیستی این رشد اقتصادی همچنان نادیده گرفته می شود که توانست بخشی از طبقه متوسط و مرفه جامعه را به خرید خودروهایی جدید تشویق کند و فروش در این بخش مونتاژی افزایش پیدا کند.

با توجه به افزایش وام مسکن و سیاست انبساط پولی و اعتباری دولت برای خروج اقتصاد از رکود احتمالاً نرخ تورم در سال ۹۵ نسبت به سال جاری حدود ۲ درصد افزایش و روند کاهشی آن متوقف شد که اگر این موضوع همراه با نرخ رشد چهار درصدی و خروج اقتصاد از رکود باشد هیچ اشکالی ندارد و نباید نگران افزایش نرخ تورم بود.

مهمترین مشکل اقتصاد ایران رکود شدیدی است که گریبان آن را گرفته و باید خود را از آن رها کند که ارتقای بهره وری عوامل تولید و بهبود کیفیت انباشت سرمایه کمک می کند رکود و تورم کاهش یابد.

نرخ رشد چهار درصدی اقتصاد می تواند به این معنا باشد که اقتصاد از رکود خارج شده است. منتهی باید در نظر داشت که نرخ رشد متوسط اما پیوسته بهتر از نرخ رشد بالا اما پرنوسان است. یعنی اگر نرخ رشد اقتصاد برای ۱۰ سال چهار درصد باشد بهتر از نرخ رشد نوسانی ۱۰ درصد و ۲ درصد در چند سال است.

برای کسانی که حقوق ثابت دارند در سال جاری حدود ۱۲ درصد افزایش حقوق دیده شده و اگرچه از این نظر قدرت خرید آنها تغییر چندانی نکرد اما اگر پرداخت های اضافه کاری گشایش پیدا می کرد می شد گفت در زندگی آنها نیز تاثیر مثبت داشت و قدرت خرید آنها افزایش یافت.

البته طبیعی است که برخی از خانوارها از جمله کارگران و بخش غیررسمی که حقوق پایینی دریافت کردند از این افزایش نرخ رشد به متاثر نشدند اما اگر این نرخ رشد ادامه یابد بر روی آنها هم تاثیر می گذارد هرچند صرف رشد اقتصادی برای رفاه اجتماعی کافی نیست و باید توزیع عادلانه درآمد و ثروت صورت بگیرد.

دولت همچنان بر کنترل تورم اصرار می کند؛ اصراری که بسیاری از کارشناسان اقتصادی را نگران کرده است.

وزیر اقتصاد در روزهای پایانی سال ۹۴ در نشست با اساتید اقتصاد از ۵ چالش اصلی اقتصاد ایران در سال ۹۵ سخن گفته بود که شامل وابستگی به نفت، بیماری هلندی، اقتصاد دولتی، سطح پایین بهره وری و تولید مشکلات ساختاری بود. البته وی چند روز بعد در مصاحبه ای از پیش بینی تورم ۱۱ درصدی و رشد ۵ درصدی اقتصاد در سال ۹۵ گفته بود.

مطالعات اخیر نتایج هشدار دهنده ای از آینده اقتصاد ایران نشان می دهد به طوری که باید گفت اقتصاد ایران اسیر سلطه سرمایه های غیرمولد سفته بازان رباخوار و دلان است و این امر قدمت تقریباً طولانی دارد و به جز دوره های محدود کماکان ادامه دارد. نکاتی که وزیر اقتصاد به عنوان چالش های اقتصاد ایران در سال ۹۵ مطرح کرده در واقع نتایج طبیعی چنین شرایطی در ایران است و البته این انتظار که آنقدر درک و شناخت کافی در سیاست گذاران وجود داشته باشد که این چالش ها یک شبه حل شود غیر منطقی است.

همچنین این انتظار که بدون توجه به اصلاحات نهادی و ساختاری در کشور، اقتصاد مسیر روشن و درستی را پیدا کند غیرمنطقی است. لذا از آنجا که به نظر می رسد در این چارچوب نشانه هایی از اصلاحات نهادی و ساختاری در اقتصاد کشور از سوی دولت مشاهده نمی شود و در بسیاری از موارد شاهد ادامه سیاست های دولت قبلی هستیم انتظار نتایج مشابه دوره های قبل را هم باید داشته باشیم.

به عنوان مثال سیاست دولت در افزایش وام مسکن به ۱۶۰ میلیون تومان بیش از آنکه موجب تولید مسکن ارزان قیمت شود و در اختیار خانواده های جوان قرار بگیرد فقط رانت بسیار بزرگی را به جیب کارتل های مسکن و سوداگران مستغلات وارد و تورم قابل توجهی به مسکن تزریق می کند.

لذا می توان پیش بینی کرد که شروع این سیاست می تواند موجب افزایش قیمت مسکن شود که در شرایط کنونی با حساب بسیار بزرگی روبرو است و عملاً منافع کارتل های بزرگی که در بخش های سیاست گذاری کلان کشور نفوذ دارند تامین شود و مسکن از سید خانوارهای متوسط هم دورتر شود.

سیاست های اقتصادی کنونی ایجاد شغل نخواهد کرد اما رشد اقتصادی بدون خلق شغل هم امکان پذیر خواهد بود که

سیاست مالیاتی دولت در سال ۱۳۹۵

نفت و فرآورده‌های نفتی در حالی در لایحه بودجه سال ۹۵ به ترتیب افزایش ۳۰ و ۲۸ درصدی داشته که همین اعداد در بودجه سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ نه تنها افزایش نداشته بلکه کاهش هم یافته است. در بودجه مصوب سال ۹۴ میزان درآمد دولت از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ۷۳ هزار میلیارد تومان است که نسبت به رقم ۷۹ هزار میلیارد تومانی بودجه سال ۹۳ حدود ۷.۵ درصد کاهش یافته است.

همچنین درآمد ۷۷ هزار میلیارد تومانی ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی در بودجه سال ۹۳ با ۳۱ درصد کاهش به ۵۳ هزار میلیارد تومان در سال ۹۴ رسید. در مقابل دولت کاهش درآمد از محل فروش دارایی‌های سرمایه‌ای و به‌خصوص نفت را از محل افزایش مالیات جبران کرد. چون درآمد ۷۰ هزار میلیارد تومانی مالیات در سال ۹۳ با ۲۵ درصد افزایش به ۸۸ هزار میلیارد تومان در سال ۹۴ رسید. این در حالی است که درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۹۵ قرار است نسبت به سال قبل ۱۴ درصد افزایش یابد و به ۱۰۱ هزار میلیارد تومان برسد. به عبارتی دولت در لایحه بودجه سال ۹۵ میزان افزایش درآمد ناشی از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای را نسبت به سال قبل افزایش داده و میزان درآمدهای مالیاتی را کاهش. در یک کلام دولت درآمد خود از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای را ۳۰ درصد و درآمد خود از افزایش مالیات را ۱۴.۳ درصد افزایش داده است.

منبع: «اقتصادنیوز / مرضیه محمودی»

براساس گزارشی که بانک مرکزی از درآمدهای مالیاتی دولت در دو ماهه ابتدای سال جاری منتشر کرده، درآمد مالیاتی دولت در دو ماهه اول سال ۹۵ حدود ۱۱ هزار و ۸۵۰ میلیارد تومان بوده که ۳۱ درصد بیش از درآمد دوماهه ابتدایی سال ۹۴ است.

در همین راستا، روند درآمد مالیاتی دولت در هشت سال گذشته همواره صعودی بوده است، به طوری که این درآمد در سال ۹۴ معادل ۹ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به سال ۹۳ رشد ۱۴.۹ درصدی داشته است. درآمد مالیاتی دولت در سال ۹۳ نیز ۷ هزار و ۸۳۷ میلیارد تومان بوده است. حال در شرایطی که برخی کارشناسان اقتصادی بر افزایش درآمد مالیاتی و کاهش وابستگی به درآمد نفتی تأکید می‌کنند، از سوی دیگر فعالان اقتصادی بر این باورند که در شرایط کنونی رکود، این سیاست موجب نابودی واحدهای تولیدی شناسنامه دار می‌شود، به ویژه اینکه راه‌های فرار مالیاتی از سوی بسیاری از مودیان باز است. «فرصت امروز» در گفت‌وگو با تعدادی از فعالان اقتصادی چالش‌های رشد درآمد مالیاتی دولت در سال جاری را بررسی کرده است.

درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال ۹۵، حدود ۱۰۱ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده که ۱۴.۷ درصد بیشتر از رقم ۸۸.۳ هزار میلیارد تومانی مصوب در بودجه سال ۹۴ است.

دولت پیش‌بینی کرده درآمدهای مالیاتی سال ۹۵ به ۱۰۱ هزار میلیارد تومان برسد. ۳۲.۹ هزار میلیارد تومان این مالیات، مالیات مستقیمی است که اشخاص حقوقی می‌پردازند که نسبت به مالیات ۲۹.۸ هزار میلیارد تومانی مصوب بودجه سال ۹۴ حدود ۱۰.۴ درصد افزایش داشته است. مالیات بر درآمد هم با ۲۳ درصد افزایش از ۱۱.۵ هزار میلیارد تومان سال ۹۴ به ۱۴.۲ هزار میلیارد تومان رسیده است.

مالیات بر ثروت در لایحه بودجه ۲.۵ هزار میلیارد تومان شده که نسبت به عدد پیش‌بینی شده ۲.۳ هزار میلیارد تومانی سال ۹۴ حدود ۸.۶ درصد افزایش یافته است.

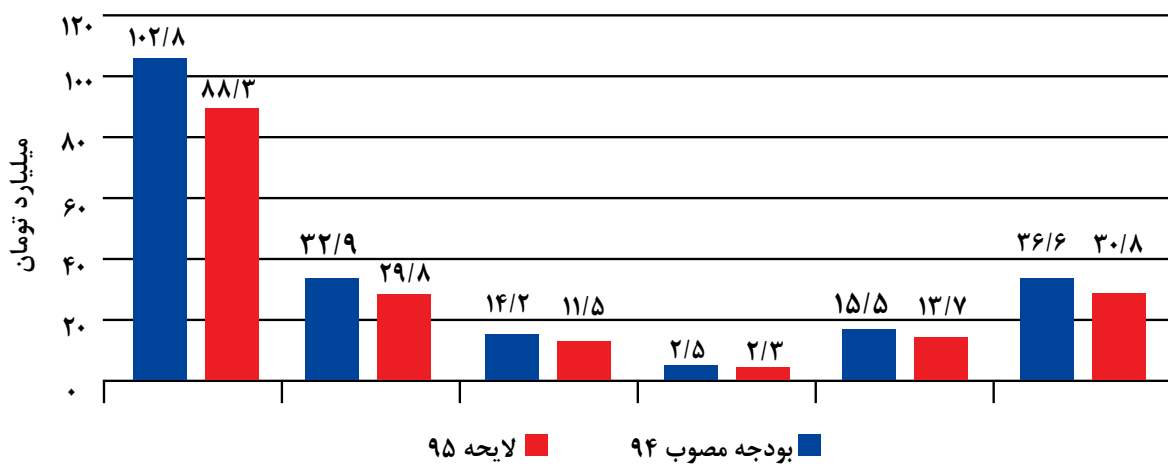
مالیات بر واردات هم با افزایش ۱۳ درصدی از ۱۳.۷ به ۱۵.۵۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. مالیات کالا و خدمات هم با ۲۲ درصد افزایش از ۳۰.۸ به ۳۷.۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

بر اساس تبصره ۶ سقف معافیت مالیاتی قانون مالیات‌های مستقیم ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است. یعنی افرادی که ماهانه دستمزدی کمتر از یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در ماه دریافت می‌کنند معاف از مالیات هستند. همچنین در بند ب این تبصره عنوان شده که مدت اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۷ اردیبهشت ماه سال ۸۷ و اصلاحات بعدی آن تا پایان سال ۱۳۹۵ تمدید می‌شود. درآمد دولت از محل مالیات بر ارزش افزوده هم ۳۰.۱ هزار میلیارد تومان پیشنهاد شده است.

اما نکته دیگری که در خصوص درآمدهای مالیاتی و سرمایه‌ای می‌توان گفت مقایسه میزان افزایش این دو در لایحه ۹۵ و بودجه ۹۴ است. به واسطه کاهش قیمت نفت، افزایش درآمدهای مالیاتی مهمترین وعده لایحه بودجه سال ۹۵ بوده است. اما در حالی درآمدهای بودجه در این لایحه ۱۴.۷ درصد افزایش یافته که دولت درآمد خود از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای را دو برابر این میزان یعنی ۳۰ درصد افزایش داده و تنها در یک قلم میزان فروش نفت و فرآورده‌های نفتی نسبت به سال قبل ۲۸.۳ درصد افزایش یافته است.

مسأله‌ای که نشان می‌دهد اگرچه دولت روحانی اعلام کرده وابستگی بودجه به نفت به کمتر از ۲۵ درصد رسیده، اما دولت امسال در لایحه پیشنهادی درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای را افزایش داده است، چون واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و درآمد ناشی از فروش

مقایسه درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه ۹۵ و قانون بودجه ۹۴



جلوگیری از تبعیض مالیاتی

ماموریت مهم دولت شناسایی افرادی است که باید مالیات بپردازند و این مهم تاکنون به طور جدی در دستور کار قرار نگرفته است.

یکی از عوامل رشد درآمد مالیاتی، از محل مودیانی است که تا به حال شناسایی نشده بودند و در دولت یازدهم شناسایی شده اند و قسمتی هم از محل افزایش مالیات ها است. مهم این است که دولت آن فرار و مفر مالیاتی را شناسایی و راه فرار را مسدود کند تا افرادی که تاکنون از زیر بار مالیات فرار کرده اند، دیگر امکان آن را نداشته باشند.

درواقع اگر دولت از مودیانی که به سهولت به آنها دسترسی دارد، استیفای حقوق خود را می کند، متقابلاً باید مودیانی را نیز احصا و احراز کند که هنوز شناخته نشده اند و باید مالیات بپردازند. در این صورت ضمن رشد درآمد مالیاتی، به قشر عمومی جامعه و کسبه فشار مضاعف وارد نمی شود.

برای نمونه در سال ۹۳ تولیدات داخلی کشور در بخش سیمان، حدود ۷۰ میلیون تن بوده که ۲۰ میلیون تن از آن صادر شد و ۵۰ میلیون تن به مصرف داخلی رسید. حدود ۵ میلیون تن از این میزان برای پروژه های عمرانی دولتی مصرف شد، اما باید دید ۴۵ میلیون تن باقی مانده در کجا مصرف شده و چرا آن افراد شناسایی نمی شوند.

صرف نظر از اینکه آیا رشد درآمد مالیاتی مطلوب است یا به نقطه نهایی باید برسد، موضوع این است که به لحاظ جلوگیری از تبعیض مالیاتی دولت باید حتماً این مهم را در دستور کار قرار دهد و افرادی را که از پرداخت مالیات فرار می کنند، شناسایی کند تا بستر تبعیض در جامعه جمع شود و برخی سودجویان احساس نکنند که مصون از پرداخت مالیاتی هستند.

از سوی دیگر طبیعتاً هر چه درآمد مالیاتی افزایش پیدا کند، در عمران و آبادی کشور مؤثر است و می تواند ابزاری باشد که دولت به قشر ضعیف فشار نیاورد. در برخی از روستاها هزینه ای که سازمان امور مالیاتی برای امور مالیاتی بعضی از مودیان پرداخت می کنند، بیش از مبلغ مالیات پرداختی است. در چنین مواردی در روستاها می توان عفو عمومی اعلام کرد تا دولت مجبور نباشد هزینه ای برای گرفتن آنها صرف کند و همچنین روستاییان هم روستاها را برای مهاجرت به مراکز شهرها ترک نکنند.

یکی از نکات مهم شناسایی افرادی است که باید مالیات بپردازند و این مهم به طور جدی در دستور کار قرار نگرفته است. دستگاه های دولتی اعم از سازمان های و نهادها باید به این قضیه بپردازند و کسانی که به هر نحوی در امور اقتصادی فعالیت دارند و حتی بخش خصوصی باید شناسایی شوند و از آنها مالیات گرفته شود. البته با وضعیت فعلی داخلی در بخش تولید، همین ۹ درصد ارزش افزوده کفایت می کند و بیش از این نباید مبلغ مالیات افزایش یابد.

در شرایط کنونی رکود، فشار دولت برای دریافت مالیات، آنچنان هم که تصور می کنیم تأثیرات مثبتی بر حوزه اقتصادی کشور ندارد، چرا که از این طریق، دولت صرفاً برای تأمین نیاز مالی و بودجه سالانه، به فعالان اقتصادی فشار وارد می کند و عمده این فشار هم روی شرکت های شناسنامه دار و شرکت هایی است که به صورت شفاف عمل می کنند. بنابراین بخشی از اضافه درآمدی که دولت از طریق مالیات دریافت می کند، شاید مرتبط با همین شرکت ها باشد و نوعی اجحاف از سوی ممیزین مالیاتی است که به شدت اصرار دارند درآمدهای مالیاتی را دریافت کنند. بنابراین در شرایط فعلی رکود، به دلیل اینکه شفافیت کاملی در اقتصاد کشور وجود ندارد، این نوع فشارها فقط به یک قسمت از اقتصاد وارد می شود.

عوامل مختلفی به عنوان زیرساخت برای شفافیت اقتصادی لازم است. موضوع اول بحث فرهنگ پرداخت مالیات است. متناظر با بحث فرهنگ مالیاتی که مردم باید پذیرش آن را داشته باشند، پاسخگویی مسئولان را می طلبد. دریافتی مالیاتی یک جاده دوطرفه است و هر چه این ارتباط بهتر و بیشتر شود، قاعدتاً مردم با موضوع پرداخت مالیات بیشتر کنار می آیند و دولت هم به راحتی مالیات را وصول می کند.

لذا پرداختن به جنبه فرهنگی یک موضوع مهم است. نکته دوم این است که باید جلوی اقتصاد غیررسمی گرفته شود. یعنی هرچه فعالیت های اقتصادی ما به صورت شفاف و در کانال های رسمی صورت بگیرد،

قاعدتاً به شناسایی بهتر درآمدها کمک می کند و عدالت بیشتری در موضوع بحث مالیات محقق می شود.

در غیر این صورت بخشی از اقتصاد، به صورت غیررسمی فعالیت و کماکان از پرداخت مالیات فرار می کند و هزینه این بخش را معمولاً باید بخش شفاف یعنی شرکت های شناسنامه دار بپردازند. موضوع بعدی استفاده از نرم افزارهایی است که بتواند حوزه های درآمدی و فروش را به راحتی رصد و از اعمال نفوذ ممیزین مالیاتی یا تعبیر و تفسیر مختلف مجریان قانون جلوگیری کند.

درآمدهای مالیاتی و نفتی هر دو به عنوان پشتوانه مطرح هستند. اما بحث مهم، فرهنگ سازی موضوع یعنی ارتقای ذهنیت مردم برای پرداخت مالیات و پاسخگویی مسئولان برای نحوه هزینه کرد است و تا زمانی که این مسائل تفهیم نشود، اتفاق خاصی در خصوص درآمدهای دولت یا نگاه مردم به این موضوع نمی افتد.

در راستای حمایت از مناطق کمتر توسعه یافته، نیز مشوق هایی همچون بخشودگی ۵۰ درصد مالیات حقوق کارکنان شاغل در مناطق کمتر توسعه یافته، افزایش میزان معافیت مالیاتی واحدهای صنعتی و معدنی مناطق کمتر توسعه یافته تا سقف معافیت های منظور شده در مناطق آزاد تجاری-صنعتی و نیز معافیت مالیاتی درآمد حاصل از تعلیم و تربیت مدارس غیرانتفاعی، آموزشگاه های فنی و حرفه ای آزاد، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی و مهدکودک در مناطق کمتر توسعه یافته و روستاها و درآمد موسسات نگهداری معلولین ذهنی و حرکتی بابت نگهداری اشخاص مذکور و درآمد باشگاه ها و موسسات ورزشی دارای مجوز از سازمان تربیت بدنی حاصل از فعالیت های منحصراً ورزشی پیش بینی شده است. همچنین در مناطق کمتر توسعه یافته، مالیات سالهای بعد از دوره محاسبه مالیات با نرخ صفر موضوع ماده ۱۳۲، تا زمانی که جمع درآمد مشمول مالیات واحد به دو برابر سرمایه ثبت و پرداخت شده برسد، با نرخ صفر محاسبه می شود.

در راستای حمایت از صادرات نیز مشوق های ویژه ای در قانون پیش بینی شده است. در این رابطه می توان به معافیت صادرات کالاو خدمت به خارج از کشور از مالیات بر ارزش افزوده و ممنوعیت وضع مالیات و عوارض بر صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه اشاره کرد. همچنین ۱۰۰ درصد درآمد حاصل از صادرات خدمات و کالاهای غیرنفتی و محصولات بخش کشاورزی و ۲۰ درصد درآمد حاصل از صادرات مواد خام مشمول مالیات با نرخ صفر می گردد.

در راستای حمایت از مناطق آزاد تجاری-صنعتی، دوره برخورداری محاسبه مالیات با نرخ صفر برای واحدهای اقتصادی موضوع ماده ۱۳۲ واقع در شهرک های صنعتی یا مناطق ویژه اقتصادی به مدت دو سال و در صورت استقرار در مناطق کمتر توسعه یافته، به مدت سه سال افزایش می یابد. همچنین معافیت از مالیات و حقوق ورودی برای مبادلات کالابین مناطق آزاد و خارج از کشور و نیز سایر مناطق آزاد از کلیه عوارض و معافیت مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی در مناطق آزاد به مدت ۲۰ سال از جمله مشوق های مالیاتی این بخش به شمار می رود. در قانون مالیات های مستقیم همچنین مشوق هایی در ارتباط با حمایت از بخش تعاون پیش بینی شده است. تخفیف در نرخ مالیاتی شرکت های تعاونی به میزان ۲۵ درصد، معافیت درآمد کارگاه های فرش دستباف، صنایع دستی و شرکت های تعاونی و اتحادیه های تولیدی مربوطه از پرداخت مالیات و معافیت ۱۰۰ درصدی درآمد صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی، شرکت های تعاونی روستایی، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان و دانش آموزان و اتحادیه های آنها از پرداخت مالیات از جمله این مشوق هاست.

یکی از از نقد های اساسی مطرح شده این است که دولت میزان مالیات را براساس درآمدهای هر منطقه و یا هر محل تعیین نمی کند و این بخشی از آن فرایندی می شود که می توان تحت عنوان تبعیض از آن نام برد بدیهی است که درآمد ها در نقاط مختلف فرق می کند و میزان مالیات می بایستی برحسب درآمد همان منطقه احتساب و تعیین گردد حتی میان صنوف هم میزان سود تفاوت وجود دارد یعنی خود درآمد هم نمی تواند معیار تعیین مالیات گردد میزان سود صنوف های مشابه در نقاط مختلف نسبت به درآمدشان متغییر است لذا مکانیزم های موثری برای تشخیص دقیق میزان سود و سطح درآمد، نیازمند است.

عملکرد بانک مرکزی در سال ۱۳۹۵



«قانون بانک مرکزی» و «قانون بانکداری» از سوی این بانک منجر شد. این لایحه در مردامه سال ۱۳۹۵ به دولت ارسال شده است. بانک مرکزی در طول سه سال گذشته، اقدامات خود را در جهت حفظ ثبات اقتصاد کلان کشور از طریق کنترل نرخ تورم، ثبات بخشی به بازار ارز و تامین مالی سالم اقتصاد در راستای کمک به رشد اقتصادی متمرکز کرده که همگی در راستای تحقق اهداف کلی اقتصاد مقاومتی قرار دارند. پس از تشکیل ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، با توجه به اهمیت نظام پولی و بانکی در اقتصاد کشور، اقدامات مقتضی در زمینه تصویب و ابلاغ «برنامه ملی سیاست‌های پولی و ارزی کشور» از سوی این بانک انجام پذیرفت. ساختار این برنامه به‌عنوان نقشه راه بانک مرکزی در سال‌های آتی، مشتمل بر دو طرح و هشت پروژه است. علاوه بر پروژه‌های ۸ گانه مزبور، پروژه «جذب ۱۰ میلیارد دلار منابع خارجی» نیز از برنامه پیشبرد برون‌گرایی به بانک مرکزی واگذار شد. لازم به ذکر است ۵ پروژه از ۹ پروژه واگذار شده به بانک مرکزی در زمره پروژه‌های اولویت‌دار سال ۱۳۹۵ تعریف شده‌اند.

بانک مرکزی در طول سال‌های گذشته در زمینه فراهم‌سازی شرایط یکسان‌سازی نرخ ارز اقداماتی انجام داده که از آن جمله می‌توان به کاهش شکاف نسبی نرخ ارز رسمی و بازار آزاد و همچنین بازنگری در قوانین و مقررات ارزی اشاره کرد. این بانک اجرای کامل برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز را در دستور کار خود دارد که پس از فراهم‌شدن پیش‌شرط‌های اجرایی آن از جمله برقراری سطح مطلوبی از روابط بانکی بین‌الملل، نسبت به اجرای آن اقدام می‌کند.

بانک مرکزی سومین گزارش متوالی خود را درباره عملکرد این نهاد در دولت یازدهم منتشر کرد. گزارش اخیر بر ۴ محور اصلی تاکید دارد و به عملکرد این نهاد در سال پایانی دولت پرداخته است. «حمایت از تولید»، «تدوین لایحه بانکداری و بانک مرکزی»، «سیاست‌گذاری در جهت اقتصاد مقاومتی» و «فراهم کردن زمینه یکسان‌سازی نرخ ارز» از جمله اقدامات برجسته بانک مرکزی در چند سال اخیر نامبرده شده است.

در سال‌های اخیر و با هدف بهره‌برداری از ظرفیت‌های خالی اقتصاد، در تنظیم سیاست‌های اعتباری بر تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی تاکید شده است. حجم تسهیلات پرداختی شبکه بانکی در سال ۱۳۹۴، با رشد ۲۲ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۳ به ۴۱۷۳ هزار میلیارد ریال بالغ شد که ۶۳/۱ درصد از تسهیلات مزبور به تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی اختصاص داشت. سهم سرمایه در گردش از کل تسهیلات پرداختی شبکه بانکی به بخش صنعت و معدن در سال ۱۳۹۴ معادل ۸۲/۲ درصد بود. بر اساس آخرین اطلاعات موجود، طی ۹ ماهه سال ۱۳۹۵ به ۲۸۲۴/۵ هزار میلیارد ریال رسید که در مقایسه با رقم دوره مشابه سال قبل معادل ۴۳/۵ درصد رشد داشته است.

با توجه به ضرورت یکپارچه‌سازی قوانین پولی و بانکی و هماهنگ‌سازی آن با نیازها و روابط جدید حاکم بر اقتصاد و کارکردهای بانکی، بازبینی در قوانین پولی و بانکی کشور از اوایل دهه ۱۳۸۰ در دستور کار مطالعاتی بانک مرکزی قرار گرفته بود. اهمیت تفکیک وظایف و کارکردهای نهادی بانک مرکزی از سایر اجزای نظام بانکی، به تبیین و ارائه مجزای پیش‌نویس لایحه

روند خصوصی سازی در سال ۱۳۹۵

با توجه به اینکه در خیلی از موارد اقتصاد دولتی ایران منشأ فساد و رانت بود برای همین تصمیم گرفته شده دولت کوچک و چابک شود و از اوایل دهه ۷۰ توقیت بخش خصوصی و واگذاری امور و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی آغاز شد، البته در سال ۸۴ قانون اصل ۴۴ قانون اساسی در مجلس تصویب شد و قرار بر این بود تا پایان برنامه پنجم تمامی شرکت‌های گروه یک یا دو که حدود ۱۱۰۰ شرکت است، واگذار شود؛

اما در این خصوصی سازی ایراداتی وجود داشت که باعث شد به هدف اصلی از واگذاری شرکت‌های دولتی نرسیم و بسیاری به اجرای قانون اصل ۴۴ انتقاد کنند

میزان واگذاری شرکت‌های دولتی از ابتدای سال جاری تاکنون، منهای واگذاری و مزایده یک صد جایگاه سوخت حدود ۱۷۰۰ میلیارد ریال است که از این میزان بیش از ۱۶۰۰ میلیارد ریال از طریق بورس، ۶۴ میلیارد ریال از طریق فرابورس و ۱۴ میلیارد ریال هم از طریق مزایده بوده که حدود چند شرکت و بنگاه واگذار شد.

مزایده عرضه ۱۰۰ جایگاه سوخت که هفته قبل برگزار شده و خریداران آن هم مشخص شدند ولی براساس قانون سازمان خصوصی سازی دو هفته مهلت دارد تا نتایج مزایده را اعلام و وضعیت خریداران را بررسی کند که بدهی نداشته باشند. این دو هفته هنوز به پایان نرسیده است، البته این واگذاری که به صورت مزایده انجام شد، در طول تاریخ سازمان خصوصی سازی بی سابقه بوده است و حدود یک صد جایگاه سوخت عرضه شد که ۷۰ مورد آن به فروش رفت و یکی از اتفاقات خوب خصوصی سازی در سال ۹۵ بود زیرا به لحاظ وسعت ریالی و برگزاری این تعداد مزایده مهم ترین و بزرگ ترین بود که حتی نسبت به واگذاری جایگاه‌های سوخت در سال ۹۴ هم به بهترین شکل برگزار شد. میزان حجم ریالی این واگذاری حدود ۲۵۰ میلیارد تومان بود که نهایی شده در حالی که میزان قیمت پایه این ۱۰۰ جایگاه در حدود ۲۴۰ میلیارد تومان بود که قیمت پیشنهادی برای اکثر جایگاه‌ها خیلی بیشتر از قیمت پایه و حتی چند برابر بود که برخی جایگاه‌ها به ۳ و حتی ۴ برابر قیمت پایه فروش رفت ولی میانگین قیمت پیشنهادی حدود ۵۰ درصد بیشتر از قیمت پایه بود.

همچنین کل این واگذاری ۳۵۰ میلیارد تومان است که از ابتدای سال تاکنون که ۱۷۰۰ میلیارد تومان واگذاری انجام شده بود، نشان می دهد که دو برابر همه واگذاری در سال ۹۵ بوده که بزرگ ترین واگذاری این سال از نظر ارزش ریالی است.

از لحاظ تعداد مزایده و بازگشایی پاکت پیشنهادی در یک روز شاید نه تنها در سال ۹۵ بلکه در تاریخ سازمان خصوصی سازی نمونه و مشابه آن را نداشته ایم و واگذاری‌های معمولاً با یک یا چند ده بنگاه به صورت همزمان به روش مزایده برگزار و واگذار شده ولی برای جایگاه‌های سوخت یک صد مزایده برگزار کردیم که ۷۰ جایگاه به فروش رفت و به طور میانگین برای هر جایگاه ۵ پیشنهاد ارائه شده بود

سال جاری، سال پایانی عمر سازمان خصوصی سازی از لحاظ قانونی است و باید تمامی شرکت‌های باقی مانده، تا پایان سال واگذار شوند؛ البته اینکه واگذاری شرکت‌های دولتی به اتمام می رسد یا نه؛ مشخص نیست و بستگی به بازار سرمایه دارد. فراهم نمودن شرایط عرضه بنگاه‌های دولتی جزو تعهدات سازمان خصوصی سازی است و حتماً در سال جاری کلیه شرکت‌هایی که باقی مانده اصل ۴۴ قانون اساسی عرضه خواهد شد.

یک هزار و ۱۱۱ شرکت دولتی در لیست واگذاری به بخش خصوصی بود که در این ۱۴ سال که حضور سازمان خصوصی سازی حدود ۹۰۰ شرکت واگذار شده و حدود ۲۰۱ شرکت همچنان باقی مانده که باید تا پایان سال واگذار شوند، البته ممکن است از ۹۰۰ شرکت واگذار شده، شرکت‌هایی باشند که واگذار نشده‌اند اما از لیست گروه یک یا دو خارج یا منحل شده باشند یا اینکه به گروه سه رفته‌اند یا ورشکسته شده باشند به

هر حال این ۹۰۰ شرکت وضعیت‌شان روشن است. از ابتدای تاسیس سازمان خصوصی سازی در خرداد ماه سال ۸۰ تا به امروز ۱۱ درصد از کل شرکت‌های مشمول واگذاری از فهرست واگذاری‌ها کار گذاشته شده است. حدود ۱۱ درصد از شرکت‌ها نیز تعطیل و یا ورشکسته شده‌اند که در مجموع می توان گفت، حدود ۷۱ درصد شرکت‌ها از فهرست واگذاری خارج شده است.

رئیس سازمان خصوصی سازی، با بیان این که تا پایان سال ۹۵ امکان آزاد سازی سهام عدالت وجود ندارد، می گوید: ارزش روز سهام عدالت حدود ۵۵ هزار میلیارد تومان است.

همچنین باید در نظر داشت که سازمان خصوصی سازی در مورد سهام کنترلی که واگذار شده، در دوره نظارت ۵ ساله مسؤول است بر اساس آمار اعلامی سازمان خصوصی سازی، تنها ۱۸ درصد از بنگاه‌های دولتی قابل واگذاری شامل ۲۰۰ شرکت مختلف در فهرست واگذاری سازمان خصوصی سازی باقی مانده از مجموع ۲۹ درصد شرکت های قابل واگذاری، حدود ۱۱ درصد از کل آن قابلیت واگذاری ندارد.

طی ۱۵ سال گذشته حدود ۱۴۲ هزار میلیارد تومان سهام از مجموع دارایی‌های دولتی به بخش خصوصی واگذار شده است که از این رقم حدود ۸۲ هزار میلیارد تومان به عموم مردم، ۳۰ هزار میلیارد تومان در قالب رد دیون و ۳۰ هزار میلیارد تومان مابقی به عنوان سهام عدالت اختصاص یافته است.

از محل سود تقسیمی شرکت‌های حاضر در سبد سهام عدالت، تاکنون حدود ۱۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان درآمد به خزانه کشور واریز شده است. این در حالی است که آنچه که به عنوان درآمد از شرکت‌ها سازمان خصوصی سازی دریافت کرده، رقم بیشتری بوده است که به دلایلی از جمله تعلل شرکت‌ها برای واریز سود نقدی مجامع دریافت نشده است.

تا امروز رقمی در حدود ۶ هزار میلیارد تومان سود نقدی در مجامع شرکت‌های حاضر در سبد سهام عدالت تقسیم شده که در این زمینه رقمی در حدود ۲ هزار میلیارد تومان نیز از موعد آن گذشته و سازمان خصوصی سازی نتوانسته آن را در موعد ۸ ماهه دریافت کند. در عین حال برخی شرکت‌ها از جمله گروه مینا که به سهام عدالت سود نقدی ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد تومان بدهکار است همواره تقاضا می کند که به دلیل کمبود نقدینگی این رقم از شرکت دریافت نشود و با مطالبات دولتی تهاوت شود. همچنین پالایش نفت بندرعباس نیز که به عنوان یکی از بدهکاران درشت سهام عدالت به شمار می رود با وجود آنکه مشمول قانون ۴۸ قانون تجارت شده از تسویه مطالبات سهامداران سهام عدالت سرباز می نرند.

آنچه که برای آزادسازی سهام عدالت عنوان می شد، وجود یک واسط تحت عنوان شرکت‌های سرمایه گذاری استانی بود که توزیع مجدد سهام آنها به مردم تسهیل می کرد.

اما برخی این اقدام را غیر ممکن دانسته و پیشنهادهایشان این است که بجای سرمایه گذاری‌های استانی، صندوق‌های قابل معامله در بورس ایجاد شود

براساس معیارهایی از سوی سازمان خصوصی سازی وجود دارد وقتی شرکتی واگذار می شود تعهدی که از خریدار گرفته شده به گونه ای است که تا پایان دوره پرداخت اقساط باید خریدار به سازمان خصوصی سازی گزارش‌های لازم را ارائه دهد و بدون اجازه سازمان خصوصی سازی نمی تواند حتی اساسنامه خود را تغییر دهد و یا مجامع و یا دیگر اقدام‌های مورد نظر خود را بدون هماهنگی انجام دهد.

به طور مثال اینکه در شرکت بنیان دیزل تبریز چه اتفاقی افتاده به دلیل آنکه واگذاری سهام میان بخش خصوصی بوده و از فهرست شرکت‌های اصل چهل و چهاری خارج نشده ارتباطی به نظارت سازمان خصوصی سازی ندارد. سازمان خصوصی سازی متولی خصوصی سازی در کشور است و نه متولی بخش خصوصی.

نگاهی به عملکرد بورس در سال ۱۳۹۵



ایمان طاهریان
دانش آموخته اقتصاد

و مسائلی از قبیل رفت و آمد هیات‌های دیپلماتیک و انعقاد قراردادهای رنگین در زمینه‌های خودرو، فولاد، پتروشیمی و خرید تاریخی هواپیما از ایرباس و ابراز تمایل خارجی‌ها برای ورود به بازار ایران، سبب رشد بازار بورس می‌شود و افراد حقیقی که با بازار بورس قهر کرده‌اند دوباره به سهام خریدن روی می‌آورند اما اینگونه نشد و درست برعکس بورس در سال ۹۵ با نوسانات شاخص پی در پی و نوسانات جو سیاسی و اقتصادی کشور همراه بود و به هیچ عنوان نتوانست به دوران رونق خود بازگردد. همچنین گفته می‌شد که با ورود سرمایه‌گذاران خارجی بتوان کشور را که تاکنون تجاری بوده به سرمایه‌گذاری بر اساس جذب منابع در بازار بورس تبدیل کرد اما هیچ یک از این اتفاقات نیفتاد تا پیش بینی‌ها از بورس ۹۵ دچار اشتباه گردد. در همین راستا حدود دو دهه است که مسئولان سعی دارند این نظریه را اثبات کنند که بورس با وجود حضور نمایندگان ۴۰ صنعت ویرین اقتصادی کشور است، اما هیچگاه عموم مردم و حتی بازیگران بازار سهام نتوانستند این نظریه را بپذیرند ولی حالا که بورس هیچ واکنشی به خبرهای اعلام شده در خصوص رشد اقتصادی ۶ درصدی، کاهش نرخ سود سپرده به ۱۵ درصد، بازگشت ۱۰ هزار واحد صنعتی به چرخه تولید و... ندارد می‌توان ادعا کرد بورس ما واقع‌گرا شده و تنها عاملی که می‌تواند موجب رشد با ثبات آن شود، رشد بخش واقعی اقتصاد ایران است و نه چیز دیگری. دوران رشد‌های اساسی در بورس به پایان رسیده و دیگر نمی‌توان انتظار بالایی از بورس داشت به ویژه آن که اراده لازم برای جذاب سازی بورس به عنوان مقبول ترین بازار سرمایه‌گذاری که تزریق نقدینگی در آن سبب رونق تولید و صنعت می‌شود هم وجود ندارد و در این دولت بورس از تابلویی که سهام‌بنگه‌های اقتصادی در آن معامله می‌شود به بازاری برای تسویه بدهی‌های دولتی تبدیل شده که بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد.

بررسی وضعیت بورس در سال ۹۵ نشان می‌دهد که بورس تهران معاملات خود را در حالی آغاز کرد که سه ماه پایانی سال ۹۴، رشد حدود ۳۰ درصدی در کارنامه شاخص کل به ثبت رسیده بود. پس از توافق هسته‌ای موج جدیدی از خوشبینی‌ها به شرایط اقتصادی کشور رقم خورد و انعکاس آن در بورس باعث شد بازار با رونق قابل توجهی مواجه شود. در ادامه همین روند بازار سهام چند روز معاملاتی ابتدای فروردین ماه را با رشد سپری و حتی سطح ۸۱ هزار واحدی را نیز تجربه کرد. با این حال روند رشد قیمت‌ها نتوانست پایدار باشد و افزایش فشار فروش، به افت عمومی قیمت سهام دامن زد؛ به طوری که در آخرین روز فروردین شاخص با چهار کانال شکنی به سمت پایین در سطح ۷۷ هزار واحدی به کار خود پایان داد. با ادامه این روند تا پایان بهار در نهایت زیان ۹/۵ درصدی در کارنامه بهاری بورس تهران به ثبت رسید.

با شروع فصل تابستان دو عامل کاهش نرخ سود بانکی و همچنین نوسانات مثبت در بازارهای جهانی به ویژه نفت به کمک رشد قیمت‌ها در بازار سهام آمدند و در نهایت تیر ماه با ثبت رشد ۲/۶ درصدی به پایان رساند. در مرداد ماه نیز بورس تهران همزمان با تغییر سکاندار بورس تهران نقدینگی قابل توجهی از سوی حقوقی‌ها وارد بازار شد و تحت تاثیر حمایت این معامله‌گران شاخص با ۴ کانال شکنی و رشد ۴/۸ درصدی بهترین عملکرد در بازه ماهانه را در شش ماه نخست سال به نام خود ثبت کرد و این در حالی بود که کارشناسان به کرات به رشد بدون پشتوانه قیمت‌ها در آن بازه زمانی هشدار داده بودند. در همین راستا از روزهای پایانی مرداد تحت تاثیر فشار فروش معامله‌گران و کاهش شدت ورود نقدینگی حقوقی‌ها معاملات رو به ضعف حرکت کرد و بازار با افت ۲/۱ درصدی معاملات شهریور ماه خود را به پایان رساند تا افت حدود ۴/۷ درصدی در کارنامه نیمه اول سال ۹۵ برای بورس تهران ثبت شود.

در سال ۹۵ با وجود اینکه به اعتقاد بسیاری از افراد برجام

تاثیر انتخاب ترامپ بر روی اقتصاد ایران



فارسی نیز می تواند اثار بلند مدتی بر اقتصاد ایران داشته باشد.

بنابراین می توان گفت انتخابات امریکا اولاً به دلیل شوکی که بر اقتصاد جهانی وارد می کند بر اقتصاد ایران تأثیرات مقطعی و کوتاه مدت منفی دارد. دوماً با توجه به سیاست های اقتصادی دولت جدید میتواند اقتصاد جهانی و در نتیجه رشد اقتصادی کشورهای مختلف و نیز قیمت کالاهای اساسی را تحت تأثیر قرار دهد و از این طریق بر اقتصاد جهانی و نیز اقتصاد ایران تأثیر منفی بگذارد. سوماً سیاست خارجی امریکا و نیز برخورد آن با برجام و تحریم های ظالمانه میتواند تأثیر مستقیمی بر اقتصاد ایران داشته باشد.

چهارماً به دلیل آنکه سیاستها و برنامه های اقتصادی ترامپ به صراحت بیان نشده است در کوتاه مدت نااطمینانی برای اقتصاد جهان در پی خواهد داشت. از آنجا که نحوه برخورد وی با برجام نیز مشخص نیست نااطمینانی را بر اقتصاد ایران نیز تحمیل خواهد کرد.

گرچه ترامپ مواضع ضد و نقیضی در مورد برجام داشته و از گذر همین مواضع متفاوتش جایی حرف از لغو برجام زده است، ولی با این همه باید دید که رئیس جمهوری جدید امریکا که حتی حمایت بسیاری از هم حزبی های خود را به همراه نداشت و البته با دشمنان کشورش اعلام دوستی و با هم پیمانان به سردی برخورد می کرد، چقدر انگیزه و قدرت زدن به زیر میز توافق هسته ای با ایران را خواهد داشت.

به نظر می رسد برخی فشارهای سلیقه ای علیه ایران و ایرانی، تا حدودی نسبت به هشت سال گذشته بیشتر خواهد شد. فشارهایی همانند سختگیری در صدور ویزا، اعمال تحریمهای جدید، جلوگیری از نزدیکی کمپانی های امریکایی به بازار ایران و ... غیره. اما با توجه به اینکه دولت روحانی اکثر تخم های عملکرد خود را طی حدود چهار سال گذشته در سبب برجام و نزدیکی به امریکا گذاشته است، متأسفانه با بر سر کار آمدن ترامپ، موانع بیشتری بر سر اجرای برجام پیش خواهد آمد و با عنایت به اینکه از این تاریخ به بعد جمهوری خواهان کنگره و قوه مجریه را همزمان در اختیار خواهند گرفت در نتیجه اعمال تحریمها و محدودیتهای متفاوت جدید در علیه ایران دور از انتظار نخواهد بود و در کوتاه مدت دست دولت روحانی بسته تر خواهد شد و از نظر روحی و روانی تأثیرات منفی بر روحیه فعالان اقتصادی ایران و حتی خارجی های مشتاق به همکاری با ایران رخ خواهد داد و تأثیری بدی بر بازار ارز ایران خواهد گذاشت و نرخ ارز تا حدودی بالاتر از نرخهای جاری خواهد رفت. افزایش نرخ ارز نیز بر واردات کالاهای مصرفی تأثیر خواهد گذاشت و قیمتها کالاهای وارداتی گرانتر تمام خواهد شد که خود بر مصرف کننده فشار خواهد آورد و نرخ تورم را نیز افزایش خواهد داد.

اگر دولت تدبیر درستی را اتخاذ کرد و تخمهای خود را رفته رفته از سبد قبلی خارج و در سبدهای دیگر بگذارد و از تیم قوی تر و سیاستها درست تر بهره ببرد و همچنین اجرای اقتصاد مقاومتی و قدرتمند کردن اقتصاد ایران را در دستور کار قرار دهد، قطعاً اثرات منفی انتخاب ترامپ و فشارهای آتی امریکا بر علیه ایران تا حدودی خنثی خواهد شد، زیرا ایران اسلامی حدود ۴۰ سال است که با این فشارها درگیر بوده و غالب آنها را به خوبی از سر گذرانده است. پس با مدیریت و تصمیمات درست دولت، تأثیر منفی انتخاب ترامپ بر اقتصاد ایران کوتاه مدت خواهد بود؛ در غیر این صورت باید مجدداً منتظر جنگ اقتصادی جدیدی باشیم.

مواضع اصلی ترامپ در دوره تبلیغات انتخاباتی علیه قدرت های اقتصادی جهان بوده است. ظاهراً او به دنبال احیای اقتصادی امریکا و افزایش رشد اقتصادی این کشور است و اگر به وعده هایش پایبند باشد، توجه خود را بر این مسائل معطوف می کند. یکی از برنامه های او مقابله با اقتصادهای چین، ژاپن، جنوب شرق آسیا، اروپا و ... است؛ به گونه ای که برای خروج سرمایه از امریکا به این کشورها محدودیتهایی را وضع می کند. بنابراین مقابله اصلی او با گروهی از کمپانی های بین المللی، قدرت های اقتصادی بزرگ و همچنین قدرت های اقتصادی در حال ظهور خواهد بود. بعضی ها بر این باورند که موضع گیری اصلی ترامپ اقتصادی است و این موضع گیری ممکن است فشار بر ایران را کمتر کند؛ و این طور نگاه می کنند که انرژی ترامپ در مقایسه با کلینتون بیشتر به مقابله با قدرت های اقتصادی چین، ژاپن و اتحادیه اروپا معطوف خواهد شد و این مسأله فرصت تنفسی برای ایران به وجود می آورد. بنابراین واکنش بازارهای سرمایه در اتحادیه اروپا به انتخاب ترامپ معنادار است، اما واکنش بازار سرمایه در ایران براساس یک ارزیابی غلط صورت گرفته و شاخص این بازار به زودی به حال تعادل بازمی گردد. اگر ترامپ برجام را نقض کند، در عمل فرصتی منطقی به ایران می دهد تا از این توافق خارج شود. از طرفی تصمیم یک جانبه امریکا به بهبود بیش از پیش روابط ایران با اتحادیه اروپا منجر می شود؛ آن هم در شرایطی که سیاست ادامه تحریمها به دلیل فقدان اجماع جهانی امکان پذیر نیست، بنابراین بعید است او به چنین کاری دست بزند.

البته منافع امریکا در جنگ افزوری در دنیا است، تا جایی که حفظ ارزش دلار در گرو این جنگ افزوری هاست، بنابراین سیاست های جنگ افزورانه امریکا به خصوص در قبال خاورمیانه با ریاست جمهوری ترامپ متوقف نمی شود. انتخابات امریکا مانند بسیاری از شوک های برونزای دیگر دارای دو اثر کوتاه مدت و بلند مدت بر اقتصاد جهانی و نیز اقتصاد ایران است.

در مقابل سیاست های اقتصادی دولت جدید امریکا که میتواند بر اقتصاد جهانی و به تبع آن بر اقتصاد ایران اثر بگذارد و نیز سیاست خارجی جدید آن میتواند اثر بلندمدتی بر اقتصاد ایران داشته باشد. به عنوان مثال برخی کارشناسان بر این باورند که که سیاست های اقتصادی ترامپ میتواند به کاهش رشد اقتصادی امریکا منجر شود و این کشور را وارد رکود اقتصادی کند. اگر این تحلیل به واقعیت بپیوندد میتواند باعث ادامه رکود کشورهای حوزه یورو شود و به کاهش قیمت مواد اولیه از جمله نفت منجر شود. اینگونه اقتصاد ایران نیز از انتخابات امریکا تأثیر بلند مدت خواهد گرفت و حتی با کاهش قیمت جهانی نفت، خروج اقتصاد ایران از رکود اقتصادی نیز دشوار خواهد شد.

اما اثرات بلند مدت این انتخابات میتواند از دو کانال بر اقتصاد ایران تأثیر بگذارد. اولین کانال همان است که در بالا به آن اشاره شد. سیاست های اقتصادی دولت جدید ایالات متحده میتواند بر رونق یا رکود این کشور به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان اثر بگذارد و از این طریق اقتصاد کشورهای دیگر همچون کشورهای حوزه یورو را دستخوش تغییر کند. این اتفاق منجر به تغییر در وضعیت اقتصادی شرکای تجاری ایران می شود و از این طریق بر اقتصاد ما تأثیرگذار خواهد بود. از سوی دیگر بر قیمت کالاهای اساسی و مواد اولیه که بخش عمده ای از صادرات ما را شامل میشوند تأثیر میگذارند و از این طریق میتواند بر مخارج دولت ایران به عنوان یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد. البته از آنجا که ترامپ به صراحت به بیان دیدگاه های اقتصادی خود نپرداخته است و سیاستهای و برنامه های اقتصادی آن دقیقاً مشخص نیست نمی توان در مورد میزان تأثیر گذاری آن نظر قطعی داد ولی به نظر میرسد با توجه به مسائل کلی که بیان کرده است و با توجه به تجارت قبلی دولت های جمهوری خواه امریکا انتظار می رود این تأثیر مثبت نباشد. در واقع انتظار می رود بهبود اوضاع اقتصادی در انتظار امریکا نباشد و از این طریق اقتصاد جهانی نیز دچار مشکلاتی شود.

اما کانال دومی که میتواند بر اقتصاد ایران اثرات بلند مدت داشته باشد سیاست خارجی ترامپ است. اینکه در قبال برجام و تحریم های ظالمانه علیه ایران چه سیاستی در پیش میگیرد میتواند اثرات مهمی بر اقتصاد ایران داشته باشد. اگر مواضع خود را تغییر ندهد و به وعده های خود در دوران تبلیغات عمل نکند باید منتظر تغییر شرایط برجام و یا حتی افزایش تحریمها و در نتیجه از بین رفتن برجام باشیم. اتفاقی که میتواند آثار مختلف و زیادی بر اقتصاد ایران داشته باشد. البته فعلاً مشخص نیست که به چه میزان به وعده های انتخاباتی خود عمل میکند. علاوه بر این سیاست خارجی امریکا و رابطه آن با کشورهای همسایه و عرب های حوزه خلیج

گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با حسین راغفر استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا

کارنامه فقر در دولت تدبیر و امید

دکتر حسین راغفر پژوهشگر حوزه فقر و عدالت اقتصادی در گفتگو با کارایی درباره فقر و نابرابری در سال ۹۵ گفت: فقر و نابرابری در ایران در طی سال ۹۵ بیشتر شده است. متأسفانه طی این ۲ سال گذشته شاهد افزایش فقر هستیم. علت آن هم کاملاً مشخص است مسئله به رکود اقتصادی بازمی‌گردد. رکود خود به معنی کاهش ظرفیت اشتغال در کشور است. و شغل کمتر شده و بنابراین فقر به طور طبیعی بیشتر می‌شود.



بوده است. رکود به معنی کاهش ظرفیت اشتغال در کشور است. بدین ترتیب شغل کمتر شده و فقر به عنوان نتیجه طبیعی کاهش اشتغال بیشتر می‌شود.

کارایی: آیا راهکارهای مشخصی در زمینهی کاهش فقر آموزش، سلامت وجود دارد؟

راغفر: برای فقر زدایی در کشورهای دنیا بهترین و موثرترین روش ایجاد اشتغال و به خصوص اشتغال پایدار است. بنابراین مسئله این است که چگونه باید بتوانیم شغل ایجاد کنیم. اما متأسفانه مساله این است که اقتصاد ایران در شرایط کنونی به دلایل مختلف قادر به خلق شغل با ساختارهای موجود برای جمعیت متقاضی ورود به بازار کار نیست. به همین دلیل ما شاهد افزایش بیکاری خواهیم بود. این البته در سال آینده و حتی سال‌های آینده نیز اتفاق خواهد افتاد مگر این‌که تغییری جدی در چند حوزه صورت بگیرد.

اولین آن‌ها مسئله‌ی تغییر در نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی در کشور است به خصوص در حوزه اقتصادی که مسئول بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی است. در این فرایند می‌بینیم که تصمیمات اقتصادی که اتخاذ می‌شود، عمدتاً برای حفظ منافع گروه‌های خاصی است و این نه برای عموم مردم و متقاضیان بازار کار بلکه برای تأمین صنایع بزرگ و منابع بزرگی از کشور تأمین نیازهای آن‌ها صورت می‌گیرد. در حالی که عمده

کارایی: وضعیت فقر و نابرابری را در اقتصاد ۹۵ به طور کلی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

راغفر: فقر و نابرابری در ایران در طی سال ۹۵ بیشتر شده به گونه‌ای که نابرابری اندکی بیشتر از فقر شده است. شاهد روند کاهشی نابرابری بوده‌ایم اما این به معنای بهبود توزیع درآمد در ایران نبوده و نیست. متأسفانه در برنامه ششم هم مسئله‌ی شاخص کاهش ضریب جینی به ۰.۳۴ است. این مساله ضرورتاً به معنای بهبود توزیع درآمد در کشور نیست. از سال ۱۳۸۴ به این طرف، شاهد افزایش تدریجی فقر و از سال ۱۳۸۶ شاهد کاهش ضریب جینی هستیم که کاهش این شاخص به معنای بهبود توزیع درآمد نیست. نابرابری عملاً به معنای پراکندگی توزیع درآمد است، هر چقدر این دو به هم نزدیک‌تر شوند، فراوانی گروهی از صاحبان درآمد پایین بیشتر می‌شود و وزن این گروه‌ها نیز بیشتر می‌شود. بنابراین ممکن است این امر باعث تغییر ضریب جینی در کشور شود. به همین دلیل ضریب جینی در ایران از سال ۸۶ کاهش پیدا کرده ولی این کاهش به معنای بهبود نبوده بلکه به معنای فقیرتر شدن طبقه متوسط در جامعه بوده است، معنای دیگر این امر این است که جمعیت فقیر ما بیشتر شده به گونه‌ای که سایر شاخص‌های مرتبط با فقر و درآمد سرانه بیانگر همین موضوع بوده‌اند. متأسفانه طی دو سال گذشته شاهد افزایش فقر بوده‌ایم. علت آن هم به طور مشخص مسئله رکود اقتصادی

این منابع از ناکارآمدی بسیار جدی و عمیقی رنج می‌برند و قادر به رقابت در سطح جهانی هم نیستند. اما از منابع یارانه‌ای گسترده‌ای در دولت بهره‌مند هستند. منابعی که در جهت حفظ منافع عمومی باشد می‌تواند به شکل بهتری مورد استفاده قرار گیرد این امر امکان‌پذیر نشده است. به عنوان مثال خود نظام برنامه‌ریزی در کشور ما متأسفانه یکی از این نظام‌های تصمیم‌گیری اساسی است که منابع را به سمت و سوی سوق می‌دهد که منافع عمومی و ملی تامین نمی‌شود. به عنوان مثال اقدامات اصلی که در دولت یازدهم عنوان شد. مانند برنامه خروج از رکود که عمدتاً در پی تامین نیازهای منابع خودروسازان، منابع بانکی و صنایع فولادی بود. در حالی که منابع بزرگی از بخش عمومی و بانک مرکزی به این صنایع تزریق شد و فقط گروه قلبی از این تغییرات منتفع شدند. در واقع خودروهایی فاقد بهره‌وری لازم به مردم فروخته شد در حالی که این منابع می‌توانست با هدف قراردادن ایجاد اشتغال، جمعیت بسیار قابل توجهی را منتفع نماید. سیاست‌های اقتصادی عمدتاً با هدف تامین منافع گروه‌های خاص و پرنفوذ تدوین شده است بدون اینکه منافع عمومی و منافع گروه‌های گسترده را تامین کند از این رو این برنامه‌ها خود یکی از علل اصلی وضع موجود هستند.

عامل دوم که باز بی ارتباط به مسئله اول نیست، ناکارآمدی نظام بانکی است. ناکارآمدی نظام بانکی

باعث شده است. هزینه‌های فعالیت‌های بانکی و تامین منابع فعالیت‌های اقتصادی به شدت کلان باشد. این هزینه‌ها اصلاً قابل رقابت با کشورهای همسایه نیست و همین امر سبب می‌شود که بسیاری از بنگاه‌های داخلی قادر به ادامه حیات نباشند و ورشکست شوند. این مسأله، زمینه را برای حضور کالاهای خارجی در بازارهای ایران فراهم می‌کند. نکته دوم هم این است که سیاست‌های نظام بانکی در ایران به شدت به نفع فعالیت‌های غیر مولد و یا واردات و یا تجارت است. به دلیل اینکه این موارد فعالیت‌های پرسودی هستند و سرعت بازدهی در آن‌ها بالاست. بنابراین سعی بر این است که منابع را به طرف فعالیت‌های این چنینی سمت سوق بدهند و این یکی دیگر از مشکل‌های نظام بانکی است.

نکته دیگری که موجب کج کارکردی‌های اقتصاد ایران می‌شود مسئله نظام مالیاتی است که در آن مالیات‌ها عمدتاً متوجه بخش تولید و بخش مولد جامعه است و بخش‌های نامولد که در آن‌ها سفته بازی جریان دارد، مالیات به مراتب کمتری می‌پردازند و بیشترین منابع مولد مالیات‌ها هم از بنگاه‌های بخش صنعتی است. این در حالی است که بنگاه‌های تولیدی در شرایط رکود با مشکلات متعددی روبرو هستند و بیشترین فشار متوجه این بخش از تولید کشور است در عین حال این بخش، اصلی‌ترین، ایجاد کننده‌ی شغل در کشور است. و این مشکل دیگری است که ما با آن روبه‌رو هستیم. مادامی که این موارد از بین نروند، امکان خلق شغل وجود ندارد. شغل که ایجاد نشود نظام‌های بیمه‌ای در کشور، بیمه‌های تامین اجتماعی، بازنشستگی، نمی‌توانند به طور مناسب کار کنند. این صندوق‌ها هم اکنون با مشکلات جدی روبرو هستند وقتی اشتغال نیست درآمد دولت به شدت کاهش پیدا می‌کند درآمد مالیاتی که دولت می‌تواند بدست بیاورد کاهش پیدا می‌کند همین هم سبب می‌شود خدمات بخش عمومی با مشکل مواجه شوند. از این رو خدمات بخش عمومی مانند خدمات بخش سلامت، آموزش پرورش، آموزش عالی و حوزه سلامت با مخاطره مواجه می‌شوند به دلیل اینکه این دسته از خدمات توسط بخش عمومی یا با کیفیت نازل ارائه می‌شود و یا اصلاً در بعضی موارد ارائه نمی‌شود. فقر در میان گروه‌های پایین بیشتر می‌شود.

کارایی: آیا در بودجه ۹۶ ملاحظات مربوط به فقر و نابرابری در نظر گرفته شده است؟

راغفر: الزاماتی در کل برنامه ششم وجود دارد که قرار است به صورت

لایحه در طی سال‌های برنامه در بودجه دیده شود دولت عملاً این موضوع را دیده است؛ ولی واقعیت این است که بدون اصلاحات اساسی که به آن اشاره کردم، عملاً ما شاهد افزایش فقر، نابرابری در کشور خواهیم بود. چون اقتصاد به طور کلی توانایی خلق شغل ندارد. از این جهت مادامی که این مسئله مرتفع نشود و ظرفیتهای اشتغال در کشور افزایش پیدا نکند، کمک‌هایی که امروزه به صورت یارانه نقدی پرداخت می‌شود می‌تواند به نقض غرض بدل شوند. برخلاف آنچه که تصور می‌شود، این‌ها باعث افزایش تورم می‌شود و تورم یکی از اصلی‌ترین عوامل کاهش قدرت خرید گروه‌های پایین درآمدی است. این گروه‌ها به شدت از این موضوع آسیب می‌بینند. بنابراین برای اینکه

وضعیت مردم بهبود پیدا کند همین منابع یارانه‌ای نقدی که به جمعیت قابل توجهی که استحقاق لازم را هم ندارند، پرداخت می‌شود بایستی به سمت سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال سوق یابد. تا برای گروه‌های پایین درآمدی شغل ایجاد شود. نه این‌که در صنایع سرمایه‌بر مثل پتروشیمی ها، سرمایه‌گذاری صورت گیرد که اشتغال چندانی هم ایجاد نمی‌کند.

کارایی: در فضای جهانی در رابطه با شاخص فقر و نابرابری در چه رتبه‌ای قرار داریم؟

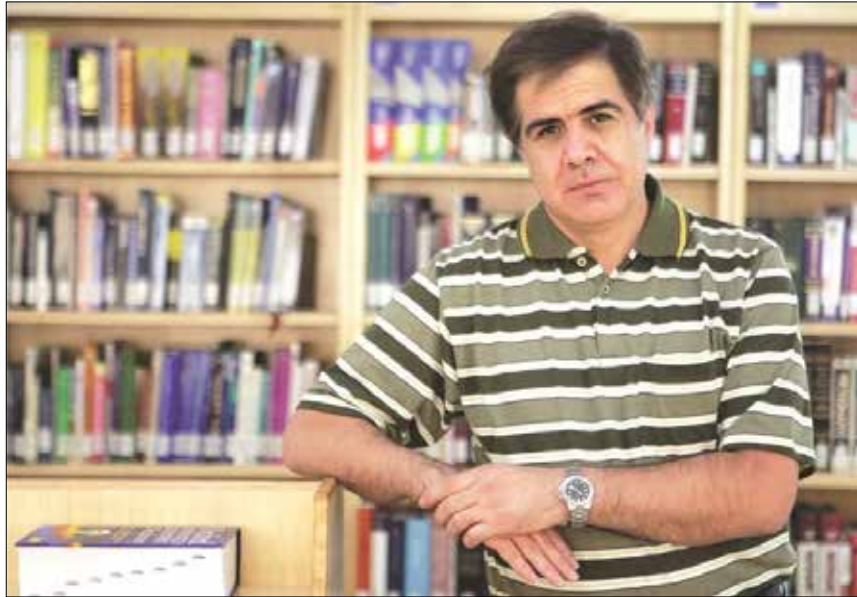
راغفر: شاخص‌های چند بعدی در مقایسه‌های بین‌المللی مشکلات بسیار جدی دارند. علت این است که بسیاری از مفاهیم و متغیرها، از یک

کشور به کشور دیگر فرق می‌کند و اصلاً مقایسه‌های بین‌المللی خیلی قابل اتکا نیستند به خصوص این‌که با یک سری مفاهیم مبهم مثل فقر چند بعدی و شاخص‌های فقر چند بعدی روبه‌رو هستیم. بنابراین نمی‌شود به آن‌ها اتکا کرد و چنین شاخص‌هایی را منشاء مقایسه قرار داد. به عنوان مثال، نابرابری در کشورهای صنعتی از این دست مفاهیم است که بر مبنای شاخص‌ها وضعیتی بدتر از وضعیت ما دارند. در آمریکا شاخص ضریب جینی بالاتر از شاخص ضریب جینی در ایران است. اما این امر ضرورتاً این به معنای این نیست که وضع مردم در آمریکا بدتر از وضع مردم ماست.

بنابراین به نظرم این‌گونه شاخص‌ها قابلیت اتکا ندارند. مثلاً شاخص ضریب جینی در افغانستان پایین‌ترین میزان در بین کشورهای منطقه است ولی این امر ضرورتاً به معنای این نیست که وضع مردم در افغانستان بهتر از همه‌ی کشورهای منطقه از جمله ایران، عربستان، ترکیه و کشورهای خلیج فارس مثل دبی، ابوظبی و قطر هست. و احتمالاً مردمان افغانستان از همه‌ی مردمان این کشورها فقیرتر هم هستند و وضع مردم بدتر است. اما شاخص‌های بین‌المللی آدرس دیگری می‌دهند. بنابراین این شاخص‌های بین‌المللی خیلی قابل اتکا نیستند. با توجه به ظرفیتهای اقتصادی کشور، وضع فقر در ایران نسبتاً بالاست و نابرابری هم به شدت بالاست حتی اگر ضریب جینی هم این مسأله را نشان ندهد. ما برای اندازه‌گیری نابرابری به بسیاری از شاخص‌های متعدد دیگر هم نیاز داریم که می‌توانیم آن شاخص‌ها را در بطن جامعه‌ی خود و براساس مسائل موجود مورد شناسایی قرار دهیم. از جمله این مسائل به عنوان مثال رژه اشرافیتی است که در خیابان‌ها شاهد آن هستیم. همچنین فقر گسترده‌ای که در کلان‌شهرها وجود دارد. مجموعه‌ای از عوامل موجب می‌شود، تصویری که از شاخص‌های ملی ارائه می‌شود نیز از جمله‌ی این موارد است مخدوش باشد. از طرف دیگر شاخص‌هایی که در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند، کیفیت مقایسه و مورد استفاده قرار گرفتن در هر کشور و تحت هر شرایطی را ندارند. از این جهت ما می‌بایست بیشتر نگاه معطوف به مسائل داخلی خود را داشته باشیم. متأسفانه در وضعیت داخلی هم در مقایسه با ظرفیتهای داخلی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو هستیم و وضع مطلوبی نداریم.

اقتصاد ایران در گرداب

در همایش بزرگ اصلی ترین مشکلات اقتصاد ایران که در بیست و ششم بهمن ماه در محل مصلى امام خمینی برگزار شد دکتر علی دینی ترکمانی با اشاره به مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران گفت: نظام حکمرانی ما کج کار کردی های جدی دارد که باید اصلاح شود.



باید کرد که شکاف عملکرد در این ابعاد شکل نگیرد؟ مسئله ی مهمی است که باید به آن پاسخ داد.

بحث نظام مالیاتی، کاهش فرار مالیاتی، انضباط مالی و پولی، توسعه ی گردشگری و غیره. به عنوان مثال در بحث گردشگری، ترکیه در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، ۴۵ میلیون گردشگر خارجی داشته است با ۳۲ میلیون دلار درآمد ارزی گردشگری. این نیاز به زیرساخت های قابل توجه و یک وحدت بانک داری متصل به بانک های جهانی و سیستم هندلاری و خدمات دهی قوی دارد. و اگر بخش گردشگری رونق بگیرد چون منبع درآمدی اشتغال زایی آن بالاتر از فعالیت های دیگر است میتواند یک موتور محرکه ی قوی برای به حرکت درآوردن اقتصاد باشد.

اما نکته ای که میخوایم عرض کنیم این است که اینها همه اجزای یک کلیت واحد هستند، و حکایت آن مسئله هایی است که میتوانیم هر کدام را به صورت جزئی بررسی کنیم و موانع و راهکارهای مواجهه با آنها را طرح نماییم. داستان، مثل داستان فیل در تاریکی مولاناست؟ مثلاً قسمتی از بدنش را لمس می کند و فکر می کند یک ستون یا دیوار بزرگ است.

راز اصلی اقتصاد ما این است که درگیر پدیده ای به نام «شکست نظام مند» شدیم که با شکست های بازاری متفاوت است. شکست بازاری در واقع جزئی از یک موتور اقتصاد دچار مشکل می شود و می توان با راهکارهایی مثل اعمال مالیات و پرداخت یارانه آن را رفع کرد. ولی شکست نظام مند مثل موتوری است که گیرپاچ می کند مثل خانه ای کلنگی که هر روز برای آن مشکلی پیش می آید مثل قطع آب، فروریختن شیشه و ... و ما درگیر این هستیم که با تعمیراتی جزئی این مشکل را حل کنیم در حالیکه نیاز به یک اصلاح اساسی و ساختاری داریم و واقعیت امر این است که اقتصاد ما درگیر چنین موقعیتی است و برای حل آن ابتدا باید بپذیریم که ما درگیر چنین پدیده ای هستیم و مادامی که حل نشود، مشکلات ادامه خواهد داشت. به عنوان مثال، ممکن است به جای بحران توسعه نابرابری منطقه ای، با تزریق پول به صنعت بانکداری کمک کنیم که نجات یابد اما مشکل توسعه نابرابری منطقه ای، شهر بدون حقوق شهروندی، ترس ها و نگرانی های نسبت به آینده در جای خود باقی می ماند.

بنابراین کلیت سیستم باید اصلاح شود و لازمه ی آن ابتدا پذیرش مشکل است و سپس انجام اقدامات لازم برای حل آن است. به نظر م، یک راهکار برای پذیرش مشکل این است که ببینیم اگر این وضعیت در بلند مدت ادامه پیدا کند، در ساختار

سوال این است که آیا الان قطار اقتصاد و سیاست ما روی ریل صحیحی قرار دارد که وقتی سال های آینده حرکت میکند سر از کجا آباد در بیاورد؟ یا اینکه مسیری که در آن حرکت میکنیم یا ریلی که روی آن هستیم، ریل رو به ناکجا آباد است؟ و اگر رو به ناکجا آباد است سال آینده چه باید بکنیم؟ و از منظر رویکرد مبانی اقتصاد مالی تکاملی یک مقدار بحث کوتاه مدت و بلند مدت را هم ضمن اینکه بدان توجه داریم میتوانیم کمی از کنارش هم عبور کنیم. اگر در هر لحظه ای از زمان در مسیر صحیح قرار داشته باشیم ضمن اینکه سیاست های کوتاه مدتی داریم که درست در طول هم قرار می گیرند و عملکرد بلند مدت را شکل می دهند، بنابراین بلند مدت چیزی نیست جز اقداماتی که از فردا شروع به انجام دادنشان می کنیم.

الویت های ما سال بعد چه چیزهایی باید باشد؟ اگر از هر کدام از ما این سوال را بپرسند هر کس یک چیز را الویت قرار میدهد، بسته به این است که در چه حوزه ای کار می کنیم. اگر در بخش مسکن کار میکنیم تامین مسکن اجتماعی الویت اصلی ما خواهد بود، اگر در بازار کار کار میکنیم، رفع مشکل بیکاری الویت اول تعریف خواهد شد. اگر در بازار پول و بانک کار میکنیم بحث مواجهه با ورشکستگی بانک ها مسئله ی اصلی ما خواهد بود، اگر ساختمان پلاسکو را در نظر بگیریم بحث استاندارد ها و زیرساخت های شهری الویت خواهد بود. اگر اعتراض مردم اهواز یا مردم اصفهان را در نظر بگیریم بایستی بگوییم که مواجهه با بحران زیست محیطی، چالش اساسی ما است. و چنانچه از فردی که در وزارت صنعت کار می کند سوال شود، متفاوت کردن ساختار تولید، دانش بنیان کردن ساختار صادرات غیر نفتی، یک مسئله اصلی است. وقتی رشد اقتصادی امسال ملاحظه می شود در نیمه ای اول سال حدود ۴-۵ درصد بوده و در نیمه دوم کمتر شده است. بنابراین سال بعد هم که اگر مثبت باشد کیفیتش چگونه خواهد بود؟ آیا رشدی هست که بتوان آن را رشد با کیفیت نام گذاری کرد؟ و گرنه که رشد با کیفیت، الویت ما میشود. باکیفیت کردن رشد یعنی از اتکا به درآمدهای نفتی تا جایی که ممکن است خارجش شویم.

همین طور بحث کاهش شکاف در عملکرد برنامه ی توسعه که از سال ۸۴ شروع شد و ۱۱ سال میگذرد طبق عملکردی که وجود دارد ۵۰ درصد از اهداف عقب تر است. این یک چالش بزرگ است. برنامه ی توسعه ی ما روی کاغذ خوب تعریف میشود ولی خوب اجرا نمی شود بنابراین مصداقی میشود از صحبت اقتصاد دان نوبلیست برجسته و یکی از بنیان گذاران نظام فرهنگی اقتصادی، یان تینبرگن، که برنامه های توسعه در کشورهای در حال توسعه مشتی مرکب بر روی کاغذ است. چه

نظام اقتصاد منطقه و نیز جهانی در کجا قرار خواهیم گرفت؟ در چارچوب سند چشم انداز ۲۰ ساله ایران، از مهم ترین اهدافی که تعریف کردیم این است که به قدرت اول منطقه ای تبدیل شویم. بسیاری از چالش هایی که عرض کردم می تواند رفع شود یعنی آن قدر سطح اقتصاد در حوزه های مختلف ارتقا پیدا می کند که لافلا بخش عمده ای از این چالش ها رفع شود. در سال ۲۰۱۴ تولید ناخالص داخلی به روش برابری قدرت خرید، ایران در رده ۱۸ دنیا است با ۱۲۸۴ میلیارد دلار، ترکیه در رده ۱۷ با ۱۵۱۲ میلیارد دلار و این جا عربستان در رده ی ۱۴ با ۱۶۵۲ میلیارد دلار است. به روش برابری قدرت خرید، نرخ ارزی که استفاده می شود برای تبدیل GDP ریالی به دلار، نرخ اش کمتر است. بنابراین موجب می شود GDP بیشتر دیده شود. ما اگر به روش معمول هم حساب کنیم، برای ایران ۶۰۰،۵۰۰ میلیارد دلار و برای ترکیه ۱۱۰،۱۰۰ میلیارد دلار در طول برآوردهای مختلف است و به هر حال ترکیه از ما جلوتر است. حال در افاق ۲۰۳۰ ترکیه در رده ی ۱۶ با ۲۷۱۴ میلیارد دلار، ایران در رده ی ۱۸ با ۱۹۱۴ میلیارد دلار، عربستان رده ۱۱ با ۳۲۱۲ میلیارد دلار و پاکستان در رده ۲۱ قرار می گیرد. در افاق ۲۰۵۰ پاکستان در رده ی ۱۵، ترکیه با ۵۰۰۰ در رده ۱۴، عربستان در رده ی ۱۲ و ما در رده ی ۲۵ قرار می گیریم. در واقع این تصویر از آینده بر مبنای نرخ رشد ۴ درصدی برای ایران در این دوران بلند مدت که نرخ خوش بینانه ای است، می باشد.

راز اصلی اقتصاد ما این است که درگیر پدیده ای به نام «شکست نظام مند» شدیم که با شکست های بازاری متفاوت است. شکست بازاری در واقع جزئی از یک موتور اقتصاد دچار مشکل می شود و می توان با راهکارهایی مثل اعمال مالیات و پرداخت یارانه آن را رفع کرد. ولی شکست نظام مند مثل موتوری است که گیر پاچ می کند مثل خانه ای کلنگی که هر روز برای آن مشکلی پیش می آید مثل قطع آب، فروریختن شیشه و ... و ما درگیر این هستیم که با تعمیراتی جزئی این مشکل را حل کنیم در حالی که نیاز به یک اصلاح اساسی و ساختاری داریم و واقعیت امر این است که اقتصاد ما درگیر چنین پدیده ای هستیم و مادامی که حل نشود، مشکلات ادامه خواهد داشت.

ها تا حدی حل شود. ضمن اینکه مشکل مدیریتی و حضور این بانک ها در عرصه ی بانکداری جهانی هم می تواند مقداری حل شود. این ها فرصت هایی است که در اختیار ماست.

بحث ساختارها از نظر من مهم و خیلی فوری است چون اگر ساختارها اصلاح نشود، ما درگیر طرح مسئله های جزئی، ارائه راهکار برای این مشغله های جزئی و غافل از ساختارهای کلی می شویم. نه این که آن اصلا اهمیتی ندارد بلکه مادامی که ساختارهای کلی که بازدارنده هستند اصلاح نشوند، راهکارهایی که ارائه می شوند، حداقل اثرگذاری را پیدا می کنند البته که به عنوان یک متخصص باید در هر مسئله ای شناخت خوب داشته و راهکارهای خوب ارائه کنیم ولو اینکه به اندازه ناچیزی شرایط را بهتر کند. به دلیل ساختارهای کلی بازدارنده، ایران در حال درگیر شدن با یک شکاف تاریخی و تمدنی است در واقع به زبان اولیه اقتصاد خرد، بین منحنی امکانات تولید بالقوه و بالفعل فاصله هست و صحبت از پر کردن این شکاف بین دو منحنی است. یعنی بر مبنای جمع امکانات تولیدی که داریم، می توانیم ترکیه ی دیگری باشیم. به روش معمول، GDP ترکیه ۱۲۰۰ میلیارد دلار است، ما ۵۰۰ تا ۶۰۰ یعنی نصف ترکیه هستیم و ما می توانیم در عرض چند سال، خود را به ترکیه برسانیم.

خیلی هم نباید شتاب زده عمل بکنیم. ماحصل شتاب زدگی را در بنگاه هایی زود

بازده مشاهده کردیم.

مهم این است که ما درک درستی داشته باشیم و قطار را که روی ریل نادرستی است، تغییر ریل دهیم تا روی مسیر صحیح قرار بگیریم و برای اینکه این اتفاق بیفتد، باید نظام نهادی و حکم رانی داشته باشیم. نظام حکمرانی ما کج کار کردی های جدی دارد که باید اصلاح شود. یکی از آن کج کار کردی های جدی اش پدیده ای است که من اسمش را «تو در توی نهادی» که مصداق مثالش در بخش بانکی است. بانک مرکزی نمی داند که بازار پول را چگونه باید مدیریت بکند و یا حداقل آن این است که اطلاعات خیلی دقیقی ندارد اما مصداقش فقط در یک جا نیست، مصداقش در همه جا دیده می شود. شما در بحث مالیات ها مشاهده میکنید که بیست تا سی درصد برآورد می شود که ارزش افزوده صنعت متعلق به بنیادها و نهادهای مختلف هستند و مالیاتی هم نمی پردازند.

در استان خراسان رضوی ما دو نهاد مهم برای پیشبرد مسائل شهری داریم. یک نهاد استانداری و دیگری آستان قدس رضوی است. این باعث می شود که ائتلاف منابع بسیار شدید باشد مسئولیت پذیری و پاسخگویی بسیار ضعیف باشد، دور زدن قوانین بسیار بالا باشد همچنین در ساختارهای سازمانی بی ثباتی های شدید وجود داشته باشد. در تحلیل نهایی این به معنای افزایش ناهماهنگی سیاستی است و در تحلیل نهایی تر یعنی شکست برنامه، ما شاهد این موضوع بر روی کاغذ برای همه موضوعات برنامه های خیلی خوبی تنظیم می کنیم اما بررسی عملکردها نشان می دهد که ما چهل تا پنجاه درصد از اهداف برنامه ها عقب هستیم. دلیل اصلی این مسئله این است که نظام حکمرانی ما ضعیف است و نیاز به اصلاحات اساسی دارد.

ما زمانی می توانیم به حل شدن چالش های توسعه امیدوار باشیم که ما نگاهمان به تخصص گرایی به صورت نهادی تغییر پیدا کند. یعنی خانم میرزاخانی که ریاضیدان برجسته ای است و پروفیسور نادری که در ناسا هستند، این افراد ایرانی هستند و ما به آن می بالیم. ما باید بتوانیم این افراد را حفظ کنیم و حداقل ارتباط بین آنها و موسسات و مراکز علمی خود را برقرار کنیم. این کار باعث رشد ظرفیت می شود که باعث رشد فناورانه در تمام زمینه ها می شود. ما باید نظام انگیزشی ایجاد بکنیم که اگر خانمی مانند خانم میرزاخانی به آن طرف مرزها می رود جوری نباشد که دیگر به فکر بازگشت نباشد. در همه جای دنیا افراد ممکن است از کشورشون خارج بشوند اما باید دید که ارتباط آنها قطع می شود یا خیر. در ایران این ارتباط قطع می شود و ما باید فرار مغزها را به گردش مغزها تبدیل کنیم نه اینکه ارتباط با افراد نخبه قطع شود. تمام این اصلاحات بیان شده مستلزم اجرای شعار «جهانی فکر کن، ملی عمل کن» است. یعنی الزامات دنیای مدرن در قرن بیست و یکم را باید درک کرد اگر درک نکنیم به شما قول می دهم که رفته رفته شدت مشکلات بیشتر و بیشتر می شود و باید هر بار بگوییم «سال تا سال دروغ از پارسل».

اگر از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۹۶ نگاه کنیم نرخ رشد اقتصادی عملا صفر بوده است. در واقع این بیانگر این است که ما به دلیل آن پدیده ی شکست نظام مند درگیر از دست دادن فرصت های تاریخی هستیم. ما به لحاظ تاریخی و تمدنی دچار عقب ماندگی شده ایم که متأسفانه رفته رفته در حال شدت گرفتن است و اگر وضعیت به این صورت ادامه پیدا کند، از فرصت هایی که در آینده، تغییرات احتمالی که در ساختار اقتصاد سیاسی جهان رخ خواهد داد، نخواهیم توانست استفاده کنیم. این تغییرات مثل جابه جایی در عرصه ی قدرت های بزرگ اقتصادی دنیا که در حال رخ دادن است. کشور دوم امریکاست و کشور سوم چین است در سال ۲۰۱۵ و در ۲۰۲۵ چین به آمریکا می رسد و در ۲۰۵۰ آمریکا جلو می زند. یعنی چین به ابر قدرت اول دنیا تبدیل خواهد شد و همچنین هند تقریباً نزدیک به آمریکا می شود یعنی شاهد این جابه جایی در قدرت های بزرگ دنیا هستیم. نظم سیاسی جهان در حال تغییر و تحول است. این فرصت هایی را در اختیار ما خواهد گذاشت و ما هم می توانیم از آن استفاده کنیم. ولی اگر همین طور ادامه دهیم، از این فرصت ها نمی توانیم استفاده کنیم و عرض می کنم که چه اتفاقاتی می افتد.

نظم امنیت سیاسی جهان احتمال دارد روی حالت چند قطبی حرکت کند. یک اقتصاد جهانی در حال شکل گیری است که شامل قدرت های منطقه ای مثل ترکیه، ایران، آفریقای جنوبی، برزیل، کره ی جنوبی است و این جابه جایی در قدرت های بزرگ موجب رخ دادن اتفاق مهمی در آینده نه چندان دور مثل ۴، ۵ سال دیگر می شود. یعنی این اولین تصویری است که به ذهن ما می رسد و آن این است که ترکیب شورای امنیت سازمان ملل به احتمال زیاد از ۵ عضو دائمی به ۱۵ عضو دائمی افزایش می یابد. ما شاهد بوده ایم که ۴ سال پیش اوپاما گفت هند شایستگی این را دارد که به عضو دائمی تبدیل شود و اتفاق دیگری که می تواند رخ دهد تغییراتی است که به دنبال بحران ۲۰۰۸ در نظام حکمرانی اقتصاد جهانی در حال شکل گیری است. یکی از آن ها که به احتمال زیاد رخ می دهد، این است که دلار به عنوان واحد اصلی تسویه حساب های بین المللی و ذخیره ی جهانی جای خود را به حق برداشت مخصوص صندوق بین المللی پول بدهد و همین طور تغییراتی که در ساختار صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و بحث بازارهای مالی، به عینه می توانیم شاهد باشیم. سوالی که پیش می آید این است که اگر این تغییر رخ دهد چه فرصت هایی در اختیار ما یا رقبای ما در منطقه قرار می گیرد؟ اگر توانایی رقیب بیشتر باشد، وضعیت مسایلی که ذکر کردیم، در آینده چه خواهد شد؟ چالش هایی که در حوزه های مستمر با آن رو به رو هستیم قابل حل است یا شدت بیشتری می گیرد؟ خب این فرصت در اختیار ما هست، ولی اگر روندی که پیش می رویم تغییر کند که تبدیل به یک قدرت مهم منطقه ای شویم و موقعیت سرزمینی خود را حفظ کنیم و به یکی از مکان های جذب سرمایه ی خارجی تبدیل شویم و بخشی از مشکل سرمایه ای بانکها از طریق خرید سهام بخشی از بانک های ما توسط بانک های جهانی و در واقع سهام دار شدن آن

گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با احسان خاندوزی
معاون دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس

فقدان دانش و تجربه دانشگاهیان در شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

دکتر سید احسان خاندوزی مدرس دانشگاه و معاون دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس در گفتگو با کارایی درباره «هم‌راستایی اقتصاد مقاومتی» و «سیاست‌های اقتصادی» گفت: دولت در راه پیمودن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با دشواری‌های خاصی مواجه است که لازم است این تنگناها را مورد شناسایی قرار داد. و آن تنگنا این است که اقتصاد ایران سال‌هاست که اقتصاد را بر مبنای یک استراتژی به پیش نمی‌برد، به همین جهت تقریباً در طول بیست سال گذشته دستگاه‌های سیاست‌گذاری اقتصاد ما به مجمع‌الجزایرهای منفکی تبدیل شده‌اند که هر کدام، اهداف بخشی و مقطعی خود را پیش می‌برند و در طول این بیست سال نتوانسته‌ایم یک راهبرد یکدست و منسجم را بر همه‌ی دستگاه‌های ذی‌ربط حاکم کنیم.



کارایی: سیاست‌هایی که در سال ۹۵ اتخاذ شد چقدر با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم‌راستایی داشته است؟ اقتصاد مقاومتی در سال ۹۵ چقدر تحقق پیدا کرده است؟

خاندوزی: جواب دادن به این سوال از یک منظر کار دشواریست. متأسفانه در فضای سیاست‌گذاری کشور ارزیابی مستند بسیار ضعیف است. به این معنا که گزارش‌های رسمی اندکی از طرف دستگاه‌های رسمی حکومتی به دست ما می‌رسد. این گزارش‌ها می‌بایست حاوی شاخص‌های قابل سنجشی از وضعیت موفقیت یا عدم موفقیت دولت‌ها باشد. اهمیت بحث بیش‌تر آن‌جا روشن می‌شود که ما به نحو پیشینی نیازمند این شاخص‌های ارزیابی هستیم، به عبارت دیگر رویه‌ی جاری در اقتصاد ایران این است که دولت‌ها به نحو پسینی گزارش می‌دهند یعنی منتظر می‌مانند تا یک دوره‌ی یک ساله یا چهار ساله زمامداری‌شان تمام شود و بعد متغیرهایی که به صورت پسینی موفق بوده و در آن‌ها عملکرد خوبی داشته‌اند، را به عنوان نقاط قوت خود ذکر کنند و آن‌هایی که وضعیت مطلوبی نداشته‌اند را اساساً مسکوت باقی می‌گذارند.

بدین ترتیب مسأله ارائه گزارش‌های جدی و قابل اعتنا به نمایش دادن نقاط قوت و کامیابی یک دولت در یک عرصه خاص فروگاشته می‌شود از این منظر ما نه بعد از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شاهد یک پیوست سیاستی که حاوی شاخص‌ها باشد بودیم، و نه حتی بعد از اینکه دولت شروع به ایجاد ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، ذیل نظر معاون اول و سازمان برنامه و بودجه کرد، شاهد ارائه شاخص‌های مربوطه بودیم؛ شاخص‌هایی که را به صورت عمومی منتشر شود و قرائت و تفسیر دولت از اقتصاد مقاومتی روشن شده باشد. به بیان دیگر آن مرجعی که سیاست‌گذار اقتصاد مقاومتی بوده است، به پیوست سیاست‌های خود و بر اساس شاخص‌های ارزیابی ارائه داده است. مفهوم اقتصاد مقاومتی مفهوم نو ظهوری است و در معرض قرائت‌های متفاوتی است، دولت هم قرائت خود را تبدیل به شاخص نکرده است. شاخص‌هایی که فهم اقتصاد مقاومتی را تسهیل کند. چون شاخصی وجود ندارد پاسخ سوال کاملاً کیفی خواهد بود و بستگی به پاسخ‌گو دارد.

کارایی: پس به زعم شما شاخص‌هایی برای اقتصاد مقاومتی تعریف نشده است که براساس آن شاخص‌ها بخواهیم ارزیابی کنیم؟

خاندوزی: بله، البته در سازمان برنامه و بودجه، کارهایی در زمینه‌ی نظارت و شاخص‌سازی برای اقتصاد مقاومتی انجام شده است. آخرین گزارشی که من در آبان ۹۵ در مورد شاخص‌های اقتصاد مقاومتی از معاون سازمان برنامه شنیدم، حاوی صد شاخص بود که البته مشتمل بر شاخص‌های ضعیفی تهیه و ارائه شده بود. شاخص‌هایی که در ویرایش آبان ۹۵ ارائه شد، نه از لحاظ درونی با هم سازگاری داشتند و نه نسبت آنها با سیاست‌های ابلاغی مشخص بود. به طور مثال «میزان افزایش صادرات نفت خام کشور» یکی از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی ذکر شده بود. البته افزایش صادرات نفتی یکی از اهتمام‌های دولت و یکی از برنامه‌های جدی وزیر نفت در طول این سال‌ها بوده است. اما با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی سازگاری ندارد. یعنی اگر قرار بود این شاخص را به عنوان یکی از شاخص‌ها در نظر بگیریم سال ۹۰ وضعیت‌مان بسیار خوب بود یا در همین زمانی که من و شما صحبت می‌کنیم، خبر این می‌رسد که ما روزانه بیش از سه میلیون و نهصد هزار بشکه نفت تولید و نصف آنرا صادر می‌کنیم، به نظر من این به این مفهوم است که ما به سقف فنی صادرات نفت خود دسترسی پیدا کرده‌ایم، در حالی که از منظر اقتصاد توسعه این، نشانه‌ی

پیمودن سیر قهقرایی در سیاست‌گذاری است چون سیاست‌گذار با اتکا به صادرات نفت کشور را اداره می‌کند.

منظورم این بود که ویرایش آبان ۹۵ گزارش ویرایش بسیار ضعیفی بود، حتی سطوح شاخص‌ها با یکدیگر بسیار متعارض بود، به این معنا که در یک شاخص منفرد در کنار یک شاخص چند بعدی و ترکیبی قرار گرفته و هیچگونه وزن دهی و الویتی، هم صورت نگرفته است یعنی مشخص نیست که بین این صد شاخص آیا می‌خواهیم همه را در نهایت با وزن برابر محاسبه کنیم و یا نه؟ بعضی شاخص‌ها که در نگاه دولت به اقتصاد مقاومتی کلیدی‌ترند و اگر آنها بهبود پیدا کنند، اوضاع متفاوت خواهد شد و بعضی شاخص‌ها در چه دو هستند.

بنابراین می‌خواهم بگویم که اگرچه کارهایی انجام شده، اما اگر آن ویرایش‌هایی باشد که من مشاهده کرده‌ام، به نظر می‌رسد که کار دور از انباشت تجربه و دانشی صورت گرفته است ولی بایستی به مراکز دانشگاهی و پژوهشگاهی کشور مراجعه می‌شد. کار به هیچ وجه نمایانگر و مصداق انباشت دانش ما نبود.

قاعدۀ انصاف حکم می‌کند بگویم که دولت با یک دشواری‌های خاصی نیز در پیمودن مسیر اقتصاد مقاومتی مواجه بوده است اقتصاد ایران سال‌هاست که تمرین راه بردن اقتصاد بر مبنای یک استراتژی مشخص را نداشته است، به همین جهت تقریباً در طول بیست سال گذشته دستگاه‌های سیاست‌گذاری اقتصاد ما به مجمع‌الجزایر منفکی تبدیل شده‌اند که هر کدام اهداف بخشی و مقطعی خودشان را پیش می‌برند و در طول این بیست سال نتوانسته‌ایم یک راهبرد یکدست را بر همه‌ی این‌ها حاکم کنیم.

چه وزرای دولت و چه کمیسیون‌های مجلس؛ هر دو تعدادی از برنامه‌ها و پروژه‌های ویژه‌ای را مدنظر دارند که در طول چهار سال دوره‌ی مسئولیت خود می‌خواهند

این دو یا سه پروژه را به یک جایی برسانند و بابت آن تلاش می کنند که مشکلات را بر طرف کنند و بودجه‌ی لازم را بگیرند تا در نهایت هم به عنوان کارنامه مورد قبول خود در پایان چهار سال بتوانند ارائه بدهند.

اما این که الویت های وزارت اقتصاد با الویت های بانک مرکزی، وزارت نفت و وزارت کشور چه نسبتی دارد، چنین حلقه‌ی همگرایی در اقتصاد ایران مفقود است. به بیان دیگر ما نتوانسته ایم این دستگاه ها را همگرا کنیم که مبتنی بر یک راهبرد واحد حرکت بکنند.

اقتصاد مقاومتی جزو مواردی است که نیازمند به راهبرد عمومی اقتصادی دولت است؛ یعنی اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی را به مجموعه‌ای از دو یا سه پروژه‌ی صادراتی وزیر یک یا دو پروژه مالیاتی وزیر اقتصاد فرو بکاهیم، این به معنای دست یافتن به اهداف اقتصاد مقاومتی نیست این نقطه‌ی ضعف تمام برنامه‌های توسعه‌ای بوده است که در طول شش برنامه‌ی گذشته بوده است.

چون برنامه‌های توسعه این قابلیت را دارند که روح مشترکی به فعالیت‌ها بدمند و یک جهت‌گیری مشخصی برای بازه‌ی پنج ساله به عنوان الویت اقتصادی کشور بگذارد.

محورهای یک، دو و سه در این پنج سال الویت تمام کشور می شود، باید کل فعالیت‌های بودجه ای، مدیریتی، دانشی و تکنولوژیک خودمان را صرف این الویت ها بکنیم

کارایی: به نظر تان هم راستایی بودجه و برنامه ششم با اقتصاد مقاومتی چگونه بوده است؟

خاندوزی: ما نتوانستیم اقتصاد را مبتنی بر یک راهبرد منسجم اداره کنیم و بودجه و برنامه ما هم جدا از این قاعده نیست. ما صرفا مجموعه‌ای از تطبیق های جزئی و موضعی را در برنامه ششم مشاهده کرده‌ایم؛ یعنی یک

کلمه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی وجود داشته و برای آن کلمه یک متناظر در بعضی از احکام برنامه شش ام لحاظ کرده‌ایم و کلمات دیگری هم گنجانده‌ایم تا اگر منتقدین گفتند که چرا برنامه ششم هم راستا با اقتصاد مقاومتی نیست؟ ما آن کلمات را نشان دهیم و از اینکه محورهایی وجود دارد و ما هم ما به ازای این‌ها چند حکم در برنامه تدوین کرده‌ایم و بنابراین برنامه مقاومتی است. دفاع کنیم. وضعیت در خصوص بودجه ریزی به مراتب بدتر است که اصلا هم ارتباطی به دولت یازدهم ندارد. به طور سنتی، در طول دو یا سه دهه ی گذشته یا بیست و یا بیست و پنج سال گذشته، بودجه‌ریزی ضد مقاومتی بوده نه اینکه مقاومتی نباشد بلکه ضد مقاومتی است؛ بلکه یکی از علل شکنندگی اقتصاد ایران، سیاست مالی دولتی است که در دل بودجه ها مندرج است و اگر این شیوهی بودجه‌ریزی تغییر پیدا می کرد در طول دو دهه‌ی گذشته یک روشی دیگر و بهتر را می توانستیم دنبال کنیم، شاخص مقاومت اقتصاد ایران وضعیت بهتری نسبت به وضع کنونی داشت.

در اقتصاد ایران در طرف درآمدی بودجه وابستگی به درآمدهای نفتی مشهود است و همچنین ناکارآمدی نظام مالیاتی و بی عدالتی در اخذ مالیات از مؤدیان بالقوه‌ای که در اقتصاد ایران وجود دارد نیز به شدت مشهود است. از طرفی مشکلاتی که در طرف هزینه ای بودجه وجود دارد، که بیش از ۸۵٪ و گاهی ۹۰٪ بودجه را مصارف جاری می بلعد و چیزی برای بودجه های عمرانی باقی نمی گذارد.

در کنار این مسائل عدم شفافیت در دل بودجه موج می‌زند، دولت‌ها تعهدات خود را نسبت به آینده جدی نمی‌گیرند. چون بودجه‌ریزی یک برنامه‌ریزی غیر تعهدی است و نمی دانیم که دولت جمهوری اسلامی دقیقا به چه کسانی چه میزان بدهکار است و به چه کسانی باید بدهی‌های خود را پرداخت کند.

به این جهت خود نظام بودجه ریزی کشور، خود می‌بایست به یکی از محورهای اصلاح در زمینه‌ی اقتصاد مقاومتی تبدیل شود. یعنی به جای اینکه راجع به این صحبت کنیم که بودجه ۹۶ چه قدر به اقتصاد مقاومتی دور یا نزدیک است، باید به سراغ اصلاح قانون برنامه و بودجه برویم و به تبع آن در واقع خود فرایند بودجه ریزی در کشور با هدف این باشد که بیش از این بودجه به اقتصاد مقاومتی ضربه نزند.

کارایی: پیشنهادتان در کل برای بهتر اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی در سال آتی غیر از زمینه برنامه و بودجه چیست؟

خاندوزی: سال آتی خوبی برای به ثمر نشستن سیاست های اقتصاد مقاومتی نیست؛ به این جهت که ما در آستانه‌ی انتخابات قرار داریم. و به جهت اینکه نظام

انتخاباتی و حزبی ما آنچنان بلند مدت‌نگر نیست، در چنین مواردی به فکر مصالح بلند مدت ملی نمی‌افتد و در این کشاکش‌های حزبی و جناحی نزدیک انتخابات، مصالح بلند مدت کشور فدا می‌شود.

مصالح بلندمدت از طریق وعده‌ها و یا هدف گذاری‌ها و یا برنامه‌هایی که در شب انتخابات به اطلاع مردم می‌رسد، زیرپا گذاشته می‌شود. و بخش زیادی از سال هم به تغییر کابینه و اخذ رای اعتماد و شروع کار وزرای جدید خواهد گذشت و فرصت خیلی زیادی از دست می‌رود. اما از طرفی دیگر می شود نگاهی کاملا فرصت طلبانه به سال ۹۶ داشت بدین ترتیب که چون دستور کار ۴ سال بعدی دولت جدید در سال ۹۶ رقم خواهد خورد، اگر بتوان دولت را فارغ از این که چه کسی انتخاب می‌شود، به سمت برنامه بلندمدتی پیش برد، فرصت خوبی پیش رو خواهد بود. برنامه‌ای که حتی با وجود اجرا شدن برجام و ایجاد گشایش در تجارت خارجی و مرادفات ارزی، دولت همچنان به آن ایده‌ی اصلی یعنی مقاوم سازی اقتصادی ایران پایبند بماند و از فرصت

درآمدهای نفتی که در اختیار دارد، به نحو احسن استفاده کند نه این که دوباره به ورطه‌ی غفلت و روزمرگی و گذران امور جاری دولت بیفتد. این سال از این منظر می‌تواند فرصتی باشد که دولت دوازدهم با برنامه‌ای که نسبت بهتری با اقتصاد مقاومتی دارد، شروع به کار کند. به طور مشخص هر چقدر بتوان بحران‌های خفته‌ی کنونی اقتصاد ایران را بر جسته کرد و توجه دولت آینده را به این بحران‌های خفته معطوف نمود، بهتر است. بایستی تا زمانی که این گسل فعال نشده، تدبیری صورت بگیرد. می‌دانید ما در حوزه بخش مالی اقتصاد در آستانه خطیری قرار داریم که اگر دیر اقدام شود باید با هزینه هنگفتی بحران بانکی در کشور را رفع و رجوع کنیم. خوب این

اقتصاد مقاومتی جزو مواردی است که نیازمند به راهبرد عمومی اقتصادی دولت است؛ یعنی اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی را به مجموعه‌ای از دو یا سه پروژه‌ی صادراتی وزیر یک یا دو پروژه مالیاتی وزیر اقتصاد فرو بکاهیم، این به معنای دست یافتن به اهداف اقتصاد مقاومتی نیست این نقطه‌ی ضعف تمام برنامه‌های توسعه‌ای بوده است که در طول شش برنامه‌ی گذشته بوده است. چون برنامه‌های توسعه این قابلیت را دارند که روح مشترکی به فعالیت‌ها بدمند و یک جهت‌گیری مشخصی برای بازه‌ی پنج ساله به عنوان الویت اقتصادی کشور بگذارند

می‌تواند یک دستور کار خیلی مهم باشد همانطور که اشاره کردم نظام مالی دولت و بدهی‌های آن و اساسا این نحوه بودجه ریزی به وضعیت غیرقابل استمراری رسیده است به این معنا که پیش‌بینی می‌شود تا چهار، پنج سال آینده صد در صد درآمد دولت صرفا خرج بودجه‌ی جاری کشور شود و اداره کردن یک عائله بزرگ پرهزینه ی ناکارآمد خود تبدیل به یک معضل جدی برای کشور خواهد شد. این را هم در نظر بگیرید که غیر از کارکنان فعلی دولت بسیاری از کارکنان پیشین و صندوق‌های بازنشستگی کشور هم در موقعیتی هستند که اگر بحرانی به لحاظ مالی برای دولت پیش بیاید، یا یک بار دیگر در معرض تحریم‌ها قرار بگیریم و دولت نتواند از آن‌ها حمایت بکند، وضعیت آن‌ها هم خطیر خواهد بود. این‌ها می‌توانند مبنای پیشنهادهاتی برای دولت آینده در خصوص اقتصاد باشد.

کارایی: آیا اقتصاد مقاومتی در سال ۹۵ عملکرد موفقی داشته است؟

خاندوزی: خوب ما موفقیت‌هایی در سال ۹۵ داشتیم یعنی مجموعا بهبود وضعیت امنیت غذایی کشور در حوزه کشاورزی گام مثبتی بود که امسال برداشته شد. فقط این نگرانی وجود دارد که این دستاورد ناپایدار باشد و ما بعد از یکی دو سال آن را از دست بدهیم. در حوزه مفاسد اقتصادی که در واقع همان بند ۱۹ سیاست های اقتصاد مقاومتی است نیز که مجموع شاخص‌ها نشان دهنده نابسامانی بود. اقداماتی نیز در حوزه امور گمرکی کشور انجام شده در حوزه نظام مالیاتی بستر قانونی خوبی ایجاد شد با این که هنوز آنچنان موفقیتی حاصل نشده است اما این‌ها در واقع نقاط مثبتی است که می‌شود به عنوان پیشرفت های کاملا مرتبط با اقتصاد مقاومتی ذکر کرد. اما متاسفانه هر چقدر به اواخر سال ۹۵ نزدیک شدیم. شاید به جهت همان نگرانی سیاسی که برای انتخابات وجود دارد، رفتارهای مغایر با اقتصاد مقاومتی بیشتر به چشم خورد. از جمله خود لایحه‌ی بودجه ای که در دولت تصویب و به مجلس رسید. اگر قرار باشد دولت دوباره و به محض مواجهه با وفور درآمد نفتی در کشور همان کاری را بکند که دهه ی ۸۰ با حساب ذخیره ارزی انجام شد، این به این معناست که ما هیچ آموزندگی و عبرت‌گیری سیاسی نداریم به هر حال در جهان امروز آموزندگی سیاسی یک مسئله است؛ این که کیفیت سیاست‌گذاری‌های ما متأثر از تجارب گذشته باشد به نظر من یکی از مولفه‌های خیلی مهم توسعه است. اگر کشوری علی‌رغم تمام پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک نتواند در سیاست‌گذاری، از گذشته درس بیاموزد و نتواند نسبت به خطر های آینده فعال و پیش نگر عمل کند، نمی‌توانیم اسم آن دولت را دولت توسعه گذاریم.

پایان دوره خام فروشی؛ نقطه ی عطف اقتصاد ایران



دکتر فرهاد مومنی در سمینار چشم انداز اقتصاد ایران که در بیست و هشتم بهمن ماه در موسسه پرسش برگزار شد، به بررسی «نسبت تحولات سال ۱۳۹۶ با اهداف دورمدت اقتصاد ملی» پرداخت. وی به نقش رفتار مالی دولت در بهبود عملکرد اقتصادی اشاره کرد و گفت: مالیه دولت خود دولت است و از این رو دولت باید نظاممند عمل کند. آنچه در پی می آید مشروح سخنان وی در این نشست است.

به نظر می‌رسید، بتواند این بخش را به تحرک وادار، مورد استفاده قرار گرفت اما خبری نشد. از همه تکان‌دهنده‌تر این است که این مطالعه نشان می‌دهد در دوره سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، خالص فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش‌های عمده فروشی و خرده فروشی هم منفی ۱۱۵ هزار نفر بوده است. اگرچه از سال‌های میانی قرن نوزدهم تا امروز فعالیت واسطه‌گری و دلالی به عنوان یک پدیده مذموم و یک عنصر غیر توسعه‌ای و ضد توسعه‌ای در نظر گرفته می‌شد اما بحث بر سر این است که در این حیطه هم ما بر اساس داده‌های سرشماری به مرز اشباع رسیده‌ایم و این نشان می‌دهد که روندهای پیشین دیگر قابل تداوم نیستند. این پیام، از ۱۳۹۰ تا امروز درک نشده و به اندازه کافی با توجه به اهمیتی که دارد، نه در ساختار رسمی تصمیم‌گیری و تخصیص منابع و همچنین در سطح نخبگان نیز توجه بایسته‌ای به این مساله نشده است. من اشتغال را به دلیل اینکه اشتغال یک متغیر سیستمی است، انتخاب کرده‌ام. سیستمی بودن متغیر یعنی تحولات ساختاری در اشتغال، که نشان‌دهنده طرز عمل کل سیستم است و به همین خاطر گفته می‌شود اگر قرار است تغییری در این ساختار اتفاق بیفتد، باز هم باید آگاهی، اراده و سازمان به صورت سیستمی برانگیخته شود و این مساله با کارهای وصله‌پینه‌ای و جزئی‌نگرانه حل و فصل شدنی نیست.

برداشت من این است که وقتی ما آن پیام را به دلیل دل‌مشغولی‌های ظاهراً بااهمیت‌تری نسبت به اصل بقای سیستم در زمان خود دریافت نکردیم و جدی نگرفتیم، بحران‌های کوچک و بزرگ دیگری سر باز کردند. به طوری که مثلاً هم‌اکنون همه از بحران ورشکستگی بانک‌ها صحبت می‌کنند. وقتی این بحران را بینیم، دقیقاً همان مولفه‌هایی که آن تحول را در ساختار اشتغال ایجاد کرد. در یک دوره ای موجب ورم کردن ضدتوسعه‌ای بانک‌های ما نیز شد که الان آن هم دیگر درحال نزدیک شدن به مرحله‌ی بن بست است. عین این مساله در بحران صندوق‌های بیمه‌ای هم مشاهده می‌شود، در مورد آب هم مشاهده می‌شود، در مورد بحران محیط زیست هم مشاهده می‌شود، چون این‌ها همه به هم مربوط هستند. از نظر من کلید اصلی بحث در این ماجرا تحولی است که در رفتارهای مالی دولت اتفاق افتاده و من عنوان کلی آن تحول را با شما در میان گذاشتم. از نظر من نقطه عطف این ماجرا برای بر ملا شدن سند لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ بود.

ماجرا به نحوه آرایش در ساختار قدرت، ثروت و منزلت مربوط می‌شود. برای اینکه آن را نشان دهم، به داده‌های سند لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ استناد کرده‌ام، حسن آن سند این بود که چون در سال ۱۳۹۰ تهیه شد هنوز آن بحران‌های حد پیش نیامده بود که بگوییم آن‌ها چه سهمی در این ماجرا داشتند و حسن دیگر این سند این بود که وقتی که به سند لایحه استناد می‌کنیم، دولت نمی‌تواند بگوید که من یک سند قابل دفاع ارائه کرده‌ام و مجلس انسجام آن را به هم زد.

بر اساس تجربه ای که به شخصه کسب کرده‌ام، نبایستی موضوعات بی‌شمار مطرح کنیم و بهتر است بر روی گزینه‌های محدود متمرکز شویم. بر این اساس، بحث را این‌گونه سازماندهی کرده‌ام که از کل مباحث نظری صرف نظر می‌کنم و به صورت مستقیم وارد شرایط کنونی ایران می‌شوم البته ضمن اعلام وفاداری به عنوان بحث که در پی یافتن وضعیت اکنون ایران با مصالح بلندمدت است. برداشت من این است که اقتصاد و جامعه‌ی ایران چند سالی است که در معرض یک نقطه عطف قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این نقطه‌ی عطف باید به اندازه اهمیتی که دارد مورد توجه و شناسایی قرار گیرد و جدی گرفته شود. آن نقطه عطف مربوط به این واقعیت است که ما در یک دوره‌ی تقریباً صدساله صرفاً از طریق خام فروشی امرار معاش کرده‌ایم. اما هم‌اکنون این پدیده به نقطه‌ی اشباع خود رسیده و حدود پنج سال است که وارد یک مدار جدید در اقتصاد ایران شده است که من اسم آن را آینده فروشی گذاشتم. این آینده فروشی اگر جدی گرفته نشود، می‌تواند عواقب و پیامدها و هزینه‌های بسیار سنگین تری از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیت به همراه داشته باشد. در سال ۱۳۹۴ به عنوان یک انجام وظیفه ملی کتابی منتشر کردم و در مقدمه آن کتاب این اشباع و وضعیت بحرانی را از یک زاویه خاص شرح دادم. فکر می‌کردم چون آن مباحث را بارها در صحبت‌های عمومی هم مطرح کرده بودم، شاید گوشه‌ی شنیدن و چشیدن برای دیدن آن وجود داشته باشد. اما با کمال تأسف تا این لحظه از آن نظر من در خطا بودم. در آن مقدمه، من براساس کار تطبیقی یک محقق به نام آقای بحرینیان، تحولات ساختار اشتغال ایران در فاصله سرشماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ را بررسی کرده‌ام. به خاطر دارم که آمارهایی که آن زمان ارائه می‌شد، آمارهای به شدت غیرقابل اعتمادی بود و آمارهای سرشماری به طور نسبی از اعتبار بیشتری برخوردار بود. آن مقایسه‌ی تطبیقی بر محور تحولات ساختار اشتغال ایران صورت گرفته و نشان می‌داد که در آن دوره‌ی شش ساله با این که چیزی بالغ بر ۶۰۰ میلیارد دلار از محل صادرات نفت، گاز و غیر نفت وارد اقتصاد ایران شده، اما خالص فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش صنعت، منفی چهارصد و پانزده هزار بوده است. این دوره بی سابقه ترین صنعت زدایی در تاریخ اقتصادی ایران محسوب می‌شود. اما ماجرای نگران‌کننده به این مساله ختم نمی‌شود. در آن مقایسه‌ی تطبیقی معلوم شده بود که خالص فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش مسکن و ساختمان هم حدود ۱۹۵ هزار منفی است. به ویژه طی هفتاد سال گذشته، هر بار که اقتصاد ما دچار بن بست می‌شد، دامن زدن به تب سوداگری در مستغلات و مسکن به صورت مسکن موضعی و موقتی، ماجرا را حل و فصل می‌کرد تا در دوره بعدی باز ماجرای دیگری پدید بیاید. اما این مطالعه نشان می‌دهد خاصیت بخش مسکن در خصوص تسکین آلام اقتصادی-اجتماعی ایران به پایان رسیده است. در دولت جدید هم از ابزاری که

استدلال من این بوده که تمام طرفداران افراطی و غیرافراطی دولت قبلی به گواهی استنادی که خود آن دولت منتشر کرده، این مسئله را قبول دارند که آن دولت، میزان وابستگی بودجه دولت و میزان وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای ناشی از صادرات نفت خام را به طرز نامتعارفی افزایش داد اما آن سند نشان می‌دهد که این دولت کارهای دیگری انجام داد که در برابر وابستگی بودجه و اقتصاد ایران به نفت به مراتب اهمیت بیشتری دارد. در آن سند برای این که دولت بتواند ترازوی بین مصارف و مخارج خود برقرار کند بایستی دقت شود. مجموع منابعی که برای اداره یک سال کشور در نظر گرفته شده بود از محل وام‌گیری خارجی، وام‌گیری داخلی و انتشار اوراق مشارکت. که هر سه اینها مضمون آینده‌فروشانه دارد و چون برای سال ۱۳۹۱ در نظر گرفته می‌شد، مضمون گروگانگیری دولت بعدی را هم دارد. یعنی دولتی در

یک سال معین قرض می‌گیرد و خرج می‌کند اما زمان بازپرداخت آن قرض در دولت جدیدتر فراخواهد رسید و به این گروگان‌گیری دولت بعدی می‌گویند و البته این تنها مصداق گروگانگیری دولت بعدی تا ربع قرن آینده نخواهد بود. و این یک موضوع پژوهشی بسیار مهم است ما حتی تصویری از گروگان‌گیری دولت قبلی چه به لحاظ ابعاد و چه به لحاظ طول دوره زمانی نداریم. وقتی که من سه منبعی که در سند لایحه آورده بودند، را جمع زدم، متوجه شدم مجموع این سه معادل ۲/۴ برابر سهم نفت در بودجه عمومی آن سال است.

این یعنی خام‌فروشی و توزیع رانت دیگر در ایران قابل تداوم نیست. اگر بخواهیم جزئیات بیشتری را در نظر بگیریم، مسائل دیگری هم مطرح می‌شود. به عنوان مثال از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ که قله درآمدهای نفتی ما بوده، ارزش کل دارایی‌هایی که دولت‌ها در این دوره‌ی شانزده ساله واگذار کرده‌اند، کمتر از ۳۰۰۰ میلیارد تومان است. در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، ۱۱۰ هزار میلیارد تومان هم دارایی‌های بین نسلی کشور واگذار شد. در کنار آن نیز نبایستی بدهی‌هایی که خود دولت ایجاد کرده بود را فراموش کرد دولت بدهی‌های خود را به تأمین اجتماعی را نمی‌پرداخت و همچنین به پیمانکاران و سایرین نیز بدهکار بود وقتی دولت فعلی بر سر کار آمد، یکی از اقدامات اولیه، ایجاد اداره مستقلمی بود که فقط از بدهی‌های دولت گزارش تهیه نماید. و براساس آخرین گزارشی که ارائه شده، مجموع بدهی‌های دولت قبلی به اضافه بدهی‌های دولت فعلی نشان می‌دهد که بدهی‌های دولت از مرز ۷۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. این درحالی است که دولت به عنوان یک «نهاد» نه دولت حسن روحانی، بلکه نهاد دولت اگر بخواهد فقط تعهدات معوقه خود در طرح‌های عمرانی ناتمام و نیمه‌کاره را به قیمت‌های سال ۱۳۹۲ به سرانجام برساند، چیزی حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان لازم خواهد داشت. شواهد نشان می‌دهد که ما در مواجهه با بحران‌های متنوع و زیاد دچار پدیده «ازکارکردافتادگی سیستمی» نیز شده‌ایم. و در اینجا دولت و ملت در هماهنگی کامل به سر می‌برند. مثلاً الان بیش از پنج سال است که تقریباً همگان فهمیدند، بحران آب که به صورت مستقیم بقاء ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بحرانی بسیار جدی و شوخی‌نابردار است. بر اساس مطالعاتی که هدف آن پی بردن به این بود که آیا در پنج ساله گذشته، رفتارهای مالی دولت در قبال بحران آب تغییر کرده است یا خیر؟ دیدیم که پاسخ منفی است؛ یعنی رفتارهای مالی دولت، هم در زمینه تصمیم‌گیری و هم در زمینه تخصیص منابع دقیقاً شبیه به آن چیزی است که قبل از پنج سال گذشته وجود داشته است. اما رفتارهای تک‌تک ما در این زمینه چطور بوده است؟ برداشت من این است که تقریباً هیچ تفاوتی در رفتار اکثریت قاطع جمعیت، حتی حالا که می‌دانند این بحران «حاد و جدی است» نسبت به زمانی که در این مورد چیزی نمی‌دانستند وجود ندارد که من اسم این را «ازکارکردافتادگی سیستمی» می‌نامم. شواهد بیشمار در این زمینه وجود دارد. فرض کنید با بررسی لوائح بودجه سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ براساس گزارش‌های رسمی که خود دولت انتشار داده، به طور هم‌زمان در بی‌سابقه‌ترین رکودهای عمیق‌یافته گرفتار هستیم. همچنین در این سه سال، تقریباً نسبت به زمانی که دولت بر سر کار آمد، قیمت نفت در هر بشکه هم حدود ۷۰ دلار کاهش یافته است. حال سوال این است که در لوائح بودجه‌ی سه گانه‌ای که عرض کردم (که البته می‌توانیم بودجه ۹۶ را هم در آن اضافه کنیم)، آیا رفتار دولت پس از این کاهش قیمت نفت تغییر کرده است؟

جواب این است که نه تنها رفتار دولت تغییر نکرده، بلکه حتی در حد دوران

درآمدهای بالای درآمدی برای خود تعهدات هزینه‌ای ایجاد کرده است. مشابه این امر درباره سیاست‌های وارداتی دولت نیز، مصداق دارد. نکته مهم‌تر این است که مهم‌ترین کارکرد سیاستی بودجه به عنوان ابزار پیش برد اهداف اقتصاد کلان این است که وقتی اقتصاد با یک رکود عمیق روبرو است، دولت درباب هزینه‌های تولیدکنندگان به نرمی رفتار کند اما شواهد نشان می‌دهد که بی‌سابقه‌ترین چشم‌ها در درآمد‌های مالیاتی دولت در همین دوره اتفاق افتاده است. بحث‌هایی قبلاً طرح کرده‌ام در این خصوص که چرا نقش رفتار مالی دولت تعیین‌کننده است. گفته می‌شود مالیه دولت خود دولت است و حتی شومپیتر مساله را گسترده‌تر در نظر می‌گیرد و مطرح می‌کند که روح ملت و چشم‌انداز عملکردها در حیطه‌های فرهنگ و اجتماع و سیاست، جلوه‌ی خود را در رفتار مالیه دولت نشان می‌دهند.

بنابراین اگر ما بپذیریم که این ناهنجاری‌ها در بالاترین سطح، ریشه در رفتارهای مالیه دولت داشته، پس مسیر برون رفت هم از این جا است. این مسیر برون رفت در فاصله سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ در دولت جنگ در غالب یک پروژه مطالعاتی ملی که تعدادی از بزرگترین اندیشه‌ورزان تاریخ اقتصادی ایران در ۵۰ سال اخیر در آن حضور داشته‌اند این صورت بندی شده است. تقریباً دو سال پیش، ما در غالب یک رساله دانشگاهی این صورت‌بندی را مورد آزمون قرار دادیم که آیا آن روش‌هایی که امکانات نرم‌افزاری آن با دقت صورت بندی شده، وجود دارد، با حدود گذشت ربع قرن هنوز برای ایران پاسخ‌گو است یا خیر؟

پاسخ آن مطالعه مثبت بود. در عین حال که اوضاع بیش از حد نامناسب است، نقطه عزیمت که می‌تواند ما را نجات دهد مشخص است ولی در این فضای از «کارکردافتادگی سیستمی»، به نظر می‌رسد که بایستی بیشتر بحث و گفت و شنود کرد، بحث‌ها هم می‌بایست از سنخ بحث‌های اقبالی باشد که تصور دیگری هم در ساختار قدرت ایجاد نکنند. چون ما قویاً اعتقاد داریم که اول باید کشور باقی بماند تا ما بتوانیم درباره مسایل دیگرمان صحبت کنیم.

یک حوزه دیگر این که در حیطه بازاریابی و اصلاح سیستمی مالیه دولت قرار دارد نظارت‌های مدنی است. نظارت‌هایی که به مثابه متر برای اندازه‌گیری به کار بیاید. من اسم آن متر را اشتغال مولد گذاشته‌ام. در مطالعات ما در باب اشتغال مولد، این نتیجه به دست آمده که مسیر توسعه‌ی ملی، به عنوان کلی‌ترین صورت بندی اهداف دورمدت کشور، بر محور مولفه‌هایی مثل «توان رقابت اقتصادی ملی»، «توان مقاومت اقتصادی ملی»، «پایداری نظام ملی» و «عدالت اجتماعی» همگی به اشتغال مولد ارتباطی می‌یابند. اشتغال یک متغیر سیستمی است و اگر بتوانیم این مساله را درست به سامان برسانیم که البته بسیار کار خطیری است، آرایش کنونی قدرت، ثروت و منزلت به این مسئله بستگی دارد. وقتی نگاهی به تحولات در بودجه‌ی خانوارها می‌اندازیم، می‌بینیم که الان حدود ۱۰ سال است که صرفه‌جویی‌های خانوارهای ایرانی به مواد پروتئینی، مواد لبنی و بخشی از مواد نشاسته‌ای هم تسری پیدا کرده است. زمانی که خانوارها صرفه‌جویی‌های خود را نسبت به مواردی که بقاء و سلامتی با آن ربط دارد، تسری می‌دهند این همان شرایطی است که به استخوان رسیدن است. مشکلاتی که اگر ما زودتر آن را می‌دیدیم و مورد شناسایی قرار می‌دادیم، می‌توانستیم با سر پنجه خرد و مشارکت و به صورت کم‌هزینه‌تر و پر دستاوردتر آن را حل و فصل کنیم. اما اگر زمان بگذرد ممکن است شرایط بسیار وخیم شود. بحث من این است بازگرداندن این اقتصاد به ریل اصلی خود می‌تواند با یک تمرکز سیستمی روی آن به جریان بیافتد، اما جزئیات بیشتری وجود دارد که روند تحولات در ایران، را نشان می‌دهند و امکان پیگیری از روند گسترده و عمق فساد مالی و از همه مهم‌تر گسترده و عمق نابرابری که در حال رسیدن به استانه انفجار را به دست می‌دهد. در سطح نظری میان نابرابری و وابستگی یک در هم تنیدگی تمام عیار وجود دارد که یک صورت بندی نظری بی‌ظنری دارد که ما به اندازه‌ای که اهمیت دارد به آن توجه نداشته‌ایم، اما این یک مسئله پژوهشی جدی و نیازمند واکاوی اساسی است. محال است جامعه‌ای که در زمینه توزیع قدرت، ثروت و منزلت بیش از حد شرایط نابرابر دارد، وابسته نباشد. حال اینکه وابستگی پیچیده‌تر و غیرشفاف‌تر شده به آن اندازه که نتوان آن را با چشم غیر مسلح رصد کرد، مشکلی است که بایستی در حوزه معرفتی حل و فصل گردد.

مطالعه نشان می‌دهد که در دوره سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، خالص فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش‌های عمده فروشی و خرده‌فروشی هم منفی ۱۱۵ هزار نفر بوده است. اگرچه از سال‌های میانی قرن نوزدهم تا امروز فعالیت واسطه‌گری و دلالی به عنوان یک پدیده مذموم و یک عنصر غیر توسعه‌ای و ضد توسعه‌ای در نظر گرفته می‌شود. بحث بر سر این است که در این حیطه هم ما بر اساس داده‌های سرشماری به اشباع رسیده‌ایم و این نشان می‌دهد که روندهای پیشین دیگر قابل تداوم نیستند.

اقدامات صورت گرفته در راستای اقتصاد مقاومتی

رامتین ایمانی
علی افلاکی خسروشاهی

مدیریت، پس از تحلیل محتوای ۲۴ بند سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، به این ۱۲ برنامه ملی دست یافته اند. ذیل هر یک از برنامه های ملی، چند طرح و ذیل هر طرح چندین پروژه تعریف شده است. مستندات اجرایی سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی در ۴ مجلد تدوین و در دسترس عموم قرار گرفت. مجلد اول شامل مقدمات، متن ابلاغیه های مربوط به راه اندازی و اختیارات ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و همچنین طرحهای ذیل هر یک از برنامه های ملی اقتصاد مقاومتی می باشد. در مجلد دوم، مجموعه پروژه های دارای اولویت برای سال ۱۳۹۵ بیان شده است؛ با توجه به محدودیت منابع مالی و به تشخیص ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی برای هر یک از وزارتخانه ها و دستگاهها، چندپروژه دارای اولویت، گزینش و ابلاغ شده است. در مجلد سوم، شاخصهای ارزیابی برنامه های اقتصاد مقاومتی در دو بخش شاخصهای حوزه اقتصاد کلان و شاخصهای مصوب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی به تفکیک هر یک از برنامه های اقتصاد مقاومتی ارائه شده است. در مجلد چهارم نیز، سازوکار نظارتی و اجرایی مربوط به مصوبات ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی تبیین شده است. نظارت بر نحوه اجرای مصوبات، با استفاده از نظام یکپارچه پیشبرد و پایش اقتصاد مقاومتی (نیپا) محقق خواهد شد. در ارزیابی کلیت برنامه و نگاه حاکم بر برنامه ریزی در حوزه اقتصاد مقاومتی به این مورد می رسیم که نگرش حداکثری نسبت به اقتصاد مقاومتی مستلزم حاکمیت نگاه مقاوم سازی اقتصاد بر برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت است؛ لذا مهمترین ویژگی این رویکرد، یکپارچگی نظام برنامه ریزی براساس مفهوم و شاکله اقتصاد مقاومتی است. ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی و تأکیدات مقام معظم رهبری راجع به این مفهوم، دال بر این است که حالت مطلوب در نگاه سیاستگذاران کل، اتخاذ رویکرد حداکثری نسبت به اقتصاد مقاومتی است. با توجه به توضیحات ارائه شده، اتخاذ رویکرد حداکثری، یک نشانه مهم میتواند داشته باشد؛ اینکه برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت در چارچوب مفهوم اقتصاد مقاومتی طراحی و تدوین میشوند و برنامه اقتصاد مقاومتی چیزی جدای از برنامه های دیگر نیست. در ارزیابی عملکرد دولت براساس نشانه فوق الذکر باید گفت که اگرچه ادعا میشود برنامه کوتاه مدت و برنامه میان مدت براساس بایسته ها و الزامات اقتصاد مقاومتی نگاشته شده است، اما بررسی ها چنین ادعایی را تأیید نمیکند. ارزیابی برنامه دولت در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی تحت عنوان ۱۲ برنامه اقتصاد مقاومتی حاوی نکات زیر است:

رویکرد حداکثری نسبت به مفهوم اقتصاد مقاومتی در نظامات برنامه ریزی (برنامه های کوتاه مدت و میان مدت) مشاهده نمیشود. حل معضلات ساختاری اقتصاد ایران، با ارائه راه حل های جزیره ای و دستگاهی امکانپذیر نیست؛ برنامه جدید دولت در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی اگرچه گامهای مناسبی در جهت برنامه ریزی تعاملی برداشته است، اما همچنان از این نقیصه رنج میبرد چرا که در مورد بسیاری از طرح های مهم و زیربنایی که به طور خاص تحت شمول مفهوم اقتصاد مقاومتی قرار میگیرد، فکر اساسی نشده است.

همکاری بین قوا در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی غیرقابل اجتناب است که این مهم در حدود مورد انتظار محقق نشده است.

تحلیل کلی محتوای پروژه ها حاکی از این است که مؤلف مقاومت و رفع آسیب پذیری اقتصاد به معنای دقیق کلمه، در بسیاری از پروژه ها دیده نشده است. به عبارت دیگر، سؤال مشخص این است که چنانچه اقتصاد مقاومتی مطرح نبود، کدام یک از موارد از فهرست پروژه های مصوب کنار گذاشته میشد؟

درج یک بند کلی در بودجه سال ۱۳۹۵ جهت تأمین منابع مالی پروژههای اقتصاد مقاومتی مصوب ستاد فرماندهی و عدم تفکیک بین منابع مورد نیاز برای هر پروژه، رویکردی جدید بوده که تا حد زیادی برای صاحب نظران حوزه بودجه ریزی غیرقابل قبول و غیرکارشناسی تلقی میشود.

علم اقتصاد «دانش چگونگی انتخاب مردم و جامعه است برای به کارگیری و استخدام منابع کمیاب جهت تولید کالاها و خدمات گوناگون و توزیع آنها میان افراد و گروه های مختلف جامعه برای مصرف» است. مسایل اقتصاد چپانی و چالش های متعدد اقتصادی کشور باعث شد رهبر معظم انقلاب شخصا وارد این موضوع شده تا به عنوان عالیترین مقام کشور، راهنمایی ها و تدابیر لازم را با طرح «اقتصاد مقاومتی» ارائه نماید. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد در اقتصادی مطرح می شود، که باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و از الزامات چنین موضوعی است. مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۵ را سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل نام گذاری فرموده اند و در سخنرانی اول فروردین در حرم رضوی این راهبرد کلان ملی در سال جاری را تبیین و تشریح نموده اند. وقتی نامگذاری سالهای گذشته مرور میگردد، معلوم میشود موضوع اقتصاد در آنها برجستگی زیادی دارد و رهبر انقلاب از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ همه ساله بر موضوع اقتصاد تأکید داشته اند که نشان دهنده دوراندیشی و اشراف ایشان نسبت به توطئه های دشمنان است. واژه اقتصاد مقاومتی را مقام معظم رهبری برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ در جمع گروهی از کارآفرینان به کار بردند و تأکید کردند که ما باید یک الگوی اقتصادی مقاومتی را اجرا کنیم. در سالهای بعد یعنی در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مقام معظم رهبری، مبانی اقتصاد مقاومتی را در مقاطع گوناگون تشریح و تبیین نموده اند. آنچه که از مبانی اندیشه اقتصادی رهبری در دوران کنونی از انقلاب اسلامی برداشت میشود، این است که اهداف این راهبرد کلان ملی، مقابله با تهدیدات پیشروی انقلاب اسلامی و کاهش سطح آسیب ها از طریق مقاوم سازی و توانمندسازی اقتصاد کشور است. هدف سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی تأمین رشد پویا، بهبود شاخص های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز می باشد. این سیاست ها در اواخر بهمن ماه سال ۱۳۹۲ توسط رهبر معظم انقلاب به قوه مجریه، مقننه و قضائیه ابلاغ گردید پس از ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، اولین سندی که مرتبط با این سیاستها بود، تحت عنوان مجموعه اهداف، سیاستها و برنامه های اقتصاد مقاومتی در تابستان ۱۳۹۳ منتشر شد. این برنامه جامع که توسط دبیرخانه شورای اقتصاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی تدوین و طراحی شد، هیچگاه وارد فاز اجرایی نشد؛ چراکه کارسپاری هر یک از بندهای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی به یک دستگاه یا وزارتخانه خاص مطابق آنچه در برنامه اولیه اقتصاد مقاومتی انجام شده بود، کافی نبوده و ضروری بود سند دیگری با رویکرد برنامه ریزی تعاملی در دستور کار قرار گیرد. حال با گذشت نزدیک به ۳ سال از زمان ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، به دلایل مختلف، اولین گام اجرایی مدون و مبتنی بر برنامه در زمینه اقتصاد مقاومتی، با یک وقفه زمانی طولانی، در آغاز سال ۱۳۹۵ برداشته شد و دولت محترم علاوه بر تدوین سند، در حوزه اجرایی نیز اقدام به راه اندازی ستادی تحت عنوان ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی به ریاست معاون اول رئیس جمهور و با عضویت وزرای کابینه به علاوه رؤسای سازمانهای اصلی کرد. این ستاد به تبع تأکیدات مقام معظم رهبری به عنوان ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی تغییر نام داد. برنامه جدید دولت در شهریور ماه همین سال تحت عنوان ۱۲ برنامه ملی اقتصاد مقاومتی طی عنوانین زیر به تهادها و وزارتخانه ها ابلاغ گردید. برنامه ملی ارتقای بهره وری، برنامه ملی پیشبرد برونرایی اقتصاد (توسعه صادرات غیرنفتی)، برنامه ملی ارتقای توان تولید ملی (درونرایی اقتصاد)، برنامه ملی عدالت بنیان کردن اقتصاد و توسعه عدالت اجتماعی، برنامه ملی برقراری انضباط مالی در بخش عمومی و قطع وابستگی بودجه به نفت، برنامه ملی توسعه اقتصاد دانش بنیان، برنامه ملی گفتمان سازی و فرهنگسازی اقتصاد مقاومتی، برنامه ملی شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد، برنامه ملی توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز و تکمیل زنجیره پایین دستی و توسعه بازار، برنامه ملی هدفمندسازی یارانه ها، برنامه ملی مردمی کردن اقتصاد، برنامه ملی سیاستهای پولی و ارزی گروه کارشناسان سازمان

گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با میکایل عظیمی، پژوهشگر حوزه رفاه اجتماعی

صندوق‌های بازنشستگی، تهدیدی در راه

ماهیت کار صندوق‌های بیمه‌ای دریافت حق بیمه به عنوان منابع لازم برای اجرای تعهدات پیش‌بینی شده صندوق‌هاست. از ویژگی‌های مهم این صندوق‌ها حفظ و حراست از منابع و اندوخته‌های بیمه‌شدگان برای پاسخگویی به تعهدات آتی صندوق است. در این راستا با دکتر میکایل عظیمی پژوهشگر حوزه رفاه اجتماعی گفتگو کرده‌ایم.



کارایی: عملکرد صندوق‌های بازنشستگی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عظیمی: درباره‌ی عملکرد صندوق‌های بازنشستگی در این فرصت کوتاه و با توجه به محدودیت‌ها نمی‌توان به صورت مبسوط صحبت کرد. چون عملکرد این صندوق مثل هر سیستم دیگری پیچیدگی‌های خود را دارد ضمن این‌که وقتی صحبت از صندوق‌ها می‌کنیم، باید درباره‌ی ۱۸ صندوق صحبت کنیم که هر کدام از این صندوق‌ها مشخصات خاص خود را دارند که علی‌رغم وجود شباهت‌ها بین آنها گاهی تفاوت‌های بزرگی نیز وجود دارد. که این تفاوت‌ها باعث می‌شود که نتوانیم به صراحت و با اطمینان عملکرد آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنیم. به عنوان مثال صندوق بازنشستگی کشوری مسئولیتی درباره ارائه خدمات درمانی ندارد اما در مقابل، سازمان تأمین اجتماعی بخش عمده‌ای از انرژی پرسنل، منابع مالی و امکانات فیزیکی خود را صرف ارائه خدمات درمانی می‌کنند. بنابراین زمانی که درباره‌ی عملکرد یک صندوق صحبت می‌کنیم، بستگی دارد که این سازمان و صندوق چه وظایفی را بر عهده دارند. در حوزه ارزیابی عملکرد، بر اساس ادبیات برنامه‌ریزی، حداقل چهار معیار مورد نظر قرار می‌گیرد. معیار اول قانون و مقررات است که به آن معیار خام نیز گفته می‌شود. بر این اساس بررسی می‌شود که آیا کارنامه‌ی یک صندوق مطابق با قوانین و مقررات موجود بوده است یا خیر. به جرات می‌توانیم بگوییم بخش عمده‌ای از فعالیت صندوق‌ها منطبق با قوانین است و خارج از آن نمی‌توانند کار کنند. مفاسدی که رخ داده هم معمولاً هم در بخش‌های حاشیه‌ای صندوق رخ می‌دهد نه در خود متن صندوق. منظورم از متن صندوق، قیمت‌گذاری حق بیمه و ارائه خدمات است این خدمات مخصوصاً در صندوق‌های بازنشستگی به مستمری بازنشستگی مربوط می‌شود. در گردآوری حق بیمه و ارائه مستمری نمی‌توان چشم را بر روی واقعیت بست و گفت هیچ فساد و وجود ندارد. پرونده‌هایی وجود دارند که مربوط به زد و بند و رشوه و سندسازی برای کم کردن حق بیمه و یا سندسازی و دادن رشوه برای برقرار شدن مستمری برخی افراد می‌باشد.

کارایی: از گفته‌های شما این طور برمی‌آید که این مسائل جنبه عمومی ندارد و در موارد محدودی اتفاق افتاده است.

عظیمی: بله، این مسائل، هم از لحاظ حجم و هم از لحاظ تعداد و بار مالی، قابل توجه نیست. هرچند وجود حتی یک مورد هم مسئله است اما این فسادهای بیش‌تر در حوزه‌های املاک و مستغلات و شرکت‌های بی‌مجموعه رخ داده است.

معیار دوم، بحث زمان است مثلاً قرار است که یک شرکت، خدمتی را در یک بازه زمانی مشخص عرضه کند، حال برای تشخیص عملکرد یک مجموعه می‌توانیم بررسی کنیم که آیا این خدمت که مثلاً قرار بوده تا هیجده بهمن ارائه شود، ارائه شده یا خیر؟ این سوال‌ها نیاز به فکر و کار تحقیقی دارد. چون، نظر نیاز به یک مینا دارد و مینا کار تحقیقی است و گرنه قضاوت براساس شهود درست نخواهد بود. اینکه چون من از یک صندوقی حقوق می‌گیریم، از آن تعریف کنیم و بگوییم، بله اوضاع خوب است را بقیه باور نمی‌کنند. مثلاً در مورد صندوق بازنشستگی کشوری که مهمترین خدمت ارائه شده توسط آن، پرداخت مستمری به بازنشستگان است، آیا قبل از اول هر ماه حقوق بازنشسته به حساب واریز می‌شود یا نه؟

براساس این معیار تا قبل از نیمه اول سال ۹۵ صندوق بازنشستگی کشوری در این زمینه مسئله داشت چون بعضی وقتها پیش می‌آمد که تا سوم و چهارم و یا حتی در مواردی تا هفتم و هشتم ماه پول به حساب بازنشسته واریز نمی‌شد. این یعنی براساس معیار زمان، این صندوق نمی‌توانست خوب عمل کند اما از مهرماه ۹۵ به این طرف یک اتفاق بسیار مهم و البته زمان‌بر در صندوق بازنشستگی کشوری و قبل از آن در

سازمان تامین اجتماعی، با عنوان پرداخت مستقیم صندوق‌های بازنشستگی انجام شد تا بتوانند حقوق بازنشسته‌ها را به موقع پرداخت کنند. حقوق بازنشستگان اگر به موقع پرداخت نشود، امکان دارد در این چرخه هزار حفره ایجاد شود. کاری که صندوق کشوری قبلاً انجام می‌داد، این بود که آموزش و پرورش، حق بیمه کسورات کارمندان خود را به خزانه واریز می‌کرد، خزانه به صندوق مبلغ آن پول را اعلام می‌کرد، بعد صندوق اسامی بازنشستگان را تایید می‌کرد. و به خزانه می‌داد، خزانه به دستگاه منتقل می‌کرد، دستگاه هم پول را پرداخت می‌کرد. صندوق بازنشستگی کشوری چند سال پیش شروع به اصلاح این کار به صورت مرحله به مرحله کرد. دستگاه به دستگاه و استان به استان پیش رفت. این حرکت از چهار سال قبل شروع شد و در شهریور امسال تمام شد. «پرداخت مستقیم» یعنی پرداختی که صندوق کشوری به صورت مستقیم به حساب بازنشسته پول واریز می‌کنند.

کارایی: یعنی یک سری وابسته‌هایی که وجود داشتند حذف شده‌اند؟

عظیمی: بله، سختی کار همین است که شما باید تایید بگیرید که اولاً پول‌ها جمع شده، بعد باید به حساب صندوق کشوری برود و چک بشود که این مبلغ از کدام دستگاه واریز شده و به نام کدام کارمند است و حق کسورات کم شده در چه تاریخی رسیده است. این فرایند یک سری عملیات حسابداری و بانکی سنگین و پیچیده دارد وقتی بخواهیم حقوقی بدهیم باید پولی باشد که بتوانیم حقوق پرداخت کنیم و لازم است این پول‌ها به موقع در حساب شما متمرکز شود تا امکان پرداخت موجود باشد. این فرایند به لحاظ حسابداری و مالی عملیات پیچیده‌ای است. الان می‌توان گفت که با این معیار صندوق کارنامه خوبی دارد. همین فرایند در سازمان تامین اجتماعی هم شروع شد البته یکسری مسائل دیگر هم در میان است. در فرایند مدیریت نقدینگی بسیار انجام می‌شود و چرخه‌های فساد پذیر هم کمتر می‌شود چون مستمری غیرقانونی مورد کنترل قرار می‌گیرد. کسی که مستحق نیست و شرایط مستمری گرفتن ندارد، در این سیستم سریع تر شناسایی می‌شود. به لحاظ مدیریت مالی هم در رویه ی قبلی رسوب نقدینگی در حساب‌ها بیشتر بود. چون فرض کنید من احتیاج به ۱۰۰ هزار تومان پول دارم که بتوانم حقوق را پرداخت کنم ولی ۸۰ هزار تومان دارم؛ یعنی ۲۰ هزار تومان کم دارم و به این فکر هستم که چه کاری بایستی انجام دهم. اما همان موقع در حساب‌های مختلف ۲ تومان یک جا، ۵ تومان یک جا، ۳ تومان جای دیگر رسوب کرده و من از آن بی‌خبر هستم. بعضی مواقع کسری هم از این بیشتر است. این پرداخت مستقیم، مسأله‌ی رسوب را حل کرده و مدیریت گردش وجوه نقد را بسیار بهبود بخشیده است. این امور مربوط به مسائل حسابداری است و چون من تخصص مربوطه را ندارم، وارد جزئیات نمی‌شوم. برای من به عنوان کسی که در حوزه‌ی امور مربوط به بازنشستگی فعالیت دارد، مدیریت گردش نقدینگی مهم است که در این سیستم انجام شده است.

معیار بعدی، معیار «کارایی» است. یعنی قضاوت عملکرد صندوق‌ها براساس این معیار. بکارگیری این معیار بدین معناست که خدمتی که ارائه می‌شود، با کمترین هزینه ممکن به دست گیرندگان خدمت می‌رسد یا خیر؟ مثلاً اگر صندوق بازنشستگی کشوری، در حال حاضر به ۱,۳۷۰,۰۰۰ نفر مستمری ماهانه پرداخت می‌کند، چه قدر هزینه برای پرداخت مستمری برای این مقدار صورت می‌گیرد؟ هزینه‌های اداری برای ارائه‌ی این خدمت کمتر از ۱٪ و هزینه‌های صندوق بازنشستگی حدود ۰,۴٪ است. ولی به طور قطع کمتر از ۱٪ از کل هزینه هاست. مثلاً فرض کنید ۰,۴٪ هزینه‌های صندوق بازنشستگی مربوط به هزینه‌های اداری پرسنلی باشد. این میزان در مقایسه با صندوق‌هایی مثل تامین اجتماعی که هزینه‌های مالی اداری بزرگی دارند، ناچیز است. هزینه‌های مالی اداری سازمان تامین اجتماعی حدوداً بین ۴ تا ۶٪ است. اگرچه ممکن است گفته شود که این سازمان حدود

۱۷۰، ۱۸۰ بیمارستان در اختیار دارد. مثلاً پرسنل صندوق کشوری حدود ۶۰۰ نفر است، اما تامین اجتماعی نزدیک ۶۰ هزار نفر کارکن در اختیار دارد که بخش عمده‌ای از این افراد در بخش درمان شاغل‌اند. این درحالی است که بازنشستگی کشوری اصلاً حوزه درمان ندارد؛ به همین خاطر زمانی که می‌گوییم عملکرد صندوق بازنشستگی کشوری را ارزیابی کنیم، نمی‌توان این دو را همه جا یکسان دید. باید ابتدا مسائل مربوطه همگن گردد و امکان مقایسه فراهم آید.

معیار چهارمی هم می‌توان مطرح کرد که معیار «اثربخشی» است. فارغ از فعالیت‌هایی که براساس قانون صورت می‌گیرد، بایستی دید آیا بر اساس زمان‌بندی فعالیت‌ها با کمترین هزینه انجام می‌شود، یا نه؟ و اینکه آیا امور به هدفی که باید، رسیده است؟ مثلاً صندوق‌های بازنشستگی ایجاد شده‌اند تا طبق طرحی، در سن پیری، کاهش یا از دست رفتن درآمد را جبران کنند. نیروی جوان با کسب و کار درآمد به دست می‌آورند. اما در سن پیری فرد یا نمی‌تواند فعالیت کند یا کمتر کار می‌کند، پس درآمدش کم یا قطع می‌شود در نتیجه تامین‌های بازنشستگی برای جبران این قضیه ایجاد شده‌اند که اجازه ندهند شخص از فلاکت جان خود را از دست بدهد.

کارایی: اینکه شخص از فلاکت جان خود را از دست ندهد هدف غایبی صندوق هاست. حال آیا به این منظور رسیده است؟

عظیمی: از جهتی بله و از جهتی خیر. خدمات صندوق‌های بیمه‌ی اجتماعی هنوز با نظام تامین اجتماعی فاصله دارد. نظام تامین اجتماعی شامل سه جزء بیمه‌ای، حمایتی و امدادی است. صندوق‌های بازنشستگی در ضلع بیمه‌ای آن فعالیت می‌کنند یعنی تامین اجتماعی یک هرم سه وجهی است که صندوق‌ها فقط در یک وجه آن فعال‌اند، بنابراین وقتی صحبت از اثربخشی می‌کنیم، آن تعریف صرفاً برای بخشی از نظام تامین اجتماعی است. از این بابت می‌توانیم بگوییم ما در ضلع بیمه هستیم و مسئولیتی در برابر نظام تامین اجتماعی نداریم. در آن ضلع، مجبوریم محاسبات بیمه‌ای را رعایت کنیم. در این فرمول، یک سری ورودی‌هایی می‌گذارید و حقوق بازنشستگی تعریف و پرداخت می‌شود. اگر از این زاویه‌ی خیلی باریک نگاه کنید، اثربخشی داریم ولی اگر از زاویه‌ی هدف نهایی بیمه‌های اجتماعی به موضوع نگریسته شود که جبران از دست رفتن هاست، مشکل وجود دارد. بدین منظور، فقط کفایت حقوق بازنشستگان را با خط فقر مقایسه کنیم.

کارایی: یک مسئله‌ی ظریف که در آن اختلاف نظر وجود دارد که آیا صندوق‌های بازنشستگی در پر کردن این شکافی که صحبت کردیم، نقش دارند یا اساساً بایستی نقش داشته باشند یا خیر؟

عظیمی: به نظر من صرفاً به عنوان صندوق بازنشستگی چنین وظیفه‌ای ندارند. ما یک نظام تامین اجتماعی داریم و یک بیمه‌ی اجتماعی. هدف نظام تامین اجتماعی، جبران از دست رفتن و کاهش درآمد است که ناشی از پیری، از کار افتادن، بیماری، قطع عضو و... است. این وظیفه‌ی نظام تامین اجتماعی است. به نظر من، تامین حقوق بازنشستگی، مسئولیت بیمه‌ای است.

محور اصلی تفاوت بیمه با بهزیستی و کمیته‌ی امداد این است که هر فردی که بخواهد از خدمات بیمه‌ای بهره‌مند شود، باید در این نظام مشارکت داشته باشد یعنی می‌بایست حق بیمه پرداخت کند نه صرفاً به تکمیل یک فرم اکتفا کند و نه یک بار بلکه مثلاً سی سال حق بیمه را به طور مرتب پرداخت کند. یک ضلع نظام تامین اجتماعی، ضلع حمایتی است که بهزیستی و کمیته امداد هستند.

بهره‌مندی از خدمات ضلع حمایتی منوط به مشارکت و مشروط به نیاز و ایفای نقش شهروندان است.

کارایی: چرا به فردی که معلولیت ذهنی دارد از محل منابع عمومی خدمات ارائه می‌گردد؟

عظیمی: چون آن فرد معلول و ناتوان است، پس می‌بایست از

مالیات هایی که از منابع عمومی جمع می شود، به این افراد خدمات ارائه گردد. اما متأسفانه این دست حمایت‌ها بسیار اندک است.

در ایران دستگاه تصمیم‌گیری، فرق بین ساز و کار حمایتی و ساز و کار بیمه‌ای در نظام تأمین اجتماعی را نمی‌داند و رعایت نمی‌کند.

این دستگاه می‌خواهد از اقبال خاصی حمایت کند البته این‌که این حمایت درست است یا نه، جای بحث است که

من وارد آن نمی‌شوم. این دستگاه تصمیم‌گیری بر مبنای این هدف در ترتیبات صندوق های بازنشستگی دست‌اندازی می‌کند و نظام بیمه‌ای صندوق ها را بهم می‌ریزد و از یک منبع به جای منبع دیگر هزینه می‌شود. این خلاف تجارب ۲۵۰-۲۰۰ ساله موجود در سطح جهانی و خلاف کلیه ادبیات نظری موجود در این زمینه است که در این حوزه‌ها بحث می‌کند.

برای بسیاری از تصمیم‌گیران مملکت و کثیری از مردم کشور ما سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری تفاوتی با سازمان بهزیستی ندارد. در صورتی که این دو با هم تفاوت دارند. و واجد دو ساز و کار متفاوت اند. در ادبیات تأمین اجتماعی دو راهبرد وجود دارد، یک راهبرد social security سیستمی دارید یا social protection سیستم وجود دارد که مشتمل بر نظام حمایت‌های اجتماعی بر اساس نظام تأمین اجتماعی بر اساس این راهبرد است؛ حمایت، بیمه، امداد و همگامی. هر کدام از اجزای نظام یا راهبردهایی که بر شمرده‌ایم، در جامعه هدف مشخصی را دنبال می‌کنند و روش تأمین مالی مشخصی دارند، در قالب آن‌ها خدمات مشخصی ارائه می‌شود و این‌ها را نباید با یکدیگر اشتباه گرفت.

کارایی: یعنی شما می‌گویید که سه ضلع متفاوت که هر کدام هدف مشخصی دارند و هر کدام هم باید همان کاری که برای آن‌ها تدوین شده است را انجام دهند، نیابستی، هیچ ارتباطی باهم نداشته باشند و به یکدیگر کمک کنند، چون اختلال ایجاد می‌شود؟

عظیمی: اینکه می‌گویید به یکدیگر کمک نکنند، مثل این است که بگویید در یک سیستم مثل اتومبیل چرخ باید کار خود را بکند، موتور کار خود را و فرمان هم کار خود را انجام دهد، این حرف هم درست است و هم نه.

همه این‌ها باید کار خود را انجام دهند. اما تمام این موارد در قالب یک سیستم فعالیت می‌کنند که باعث می‌شود در نهایت خودرو حرکت کند. اگر در نظام تأمین اجتماعی هر بخش کار خود را انجام دهند، درست است که استقلال و مرز بین این‌ها رعایت شده اما در نهایت این نظام به خوبی حرکت خواهد کرد. ضمن اینکه مرزها مشخص شده است.

مثلاً از دیدگاه من (حق معنوی این ایده متعلق به دکتر ستاری فر است) برای توسعه یافتگی یک کشور یا استان، شاخص‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پیشنهاد می‌شود یکی از شاخص‌هایی که برای ارزیابی این‌که یک جامعه در مسیر توسعه قرار گرفته یا نه این است که سهم افرادی که بهره‌مند از نظام بیمه‌ای هستند (بیمه تأمین اجتماعی) را با سهم افرادی که بهره‌مند از سیستم حمایتی هستند، مقایسه کنیم. مسیر حرکت در مسیر توسعه مسیری است که سهم افراد تحت پوشش راهبرد بیمه‌ای کم بشود و سهم افراد تحت پوشش نظام بیمه‌ای اضافه شود.

مسیر ما برعکس است، حداقل در ۲۰ سال گذشته که من وارد

این حوزه شدم این روند معکوس بوده است. به همین خاطر می‌گویم جامعه ما به نقل از دکتر مومنی پشت توسعه حرکت می‌کند.

کارایی: مشکلات اصلی در این زمینه کدام است؟

عظیمی: می‌توان برای مشکلاتی که صندوق های بازنشستگی ما در ایران با آن مواجه هستند، فهرست کم و بیش مفصلی تهیه کرد.

البته ممکن است، این مشکلات در یک صندوق نمود کم تری داشته باشد و در صندوقی بیشتر.

مهمترین مشکلی که این صندوق‌ها با آن مواجه هستند، که شاید زیر بنای سایر مشکلات هم باشد، چیزی است که باید جرأت کرد و با همان گزندگی و عریانی خودش به کار برد. این مشکل هم فقدان یک فهم بیمه‌ای از صندوق‌ها در سطح جامعه است.

من فقط این را به دستگاه های تصمیم‌گیری مثل دولت، مجلس، تشخیص مصلحت نسبت

معیار «اثربخشی» یعنی، فارغ از فعالیت‌هایی که براساس قانون صورت می‌گیرد، بایستی دید آیا بر اساس زمان‌بندی فعالیت‌ها با کمترین هزینه انجام می‌شود، یا نه؟ و اینکه آیا امور به هدفی که باید، رسیده است؟ مثلاً صندوق‌های بازنشستگی ایجاد شده‌اند تا طبق طرحی، در سن پیری، کاهش یا از دست رفتن درآمدها را جبران کنند.

نمی‌دهم، این مساله در کل جامعه تسری دارد. این مساله اختلال بزرگی ایجاد می‌کند، به حدی که حالا دیگر صندوق‌های ما صندوق نیستند.

مسئله‌ی دوم بحث سه جانبه‌گرایی است که یک مفهوم شناخته شده در صندوق‌های بازنشستگی است. موضع بر این است که این صندوق‌ها باید با حضور ذی‌نفعان اداره شود و این ذی‌نفعان عبارتند از کارفرما، بیمه‌شده و دولت. به عبارت دیگر سه جانبه‌گرایی معادل با استقلال اداری-مالی صندوق‌ها است. از ۱۹۵۲ که کنوانسیون شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار با عنوان «حداقل استانداردهای تأمین اجتماعی» منتشر شده، این اصل به قطعیت رسیده است، اما در ایران هیچ کدام از صندوق های ۱۸گانه، این اصل را رعایت نمی‌کنند و حتی آن را زیر پا می‌گذارند. هجوم دولت و نهادهای حاکمیتی در صندوق‌ها باعث شده که سازوکار صندوق‌ها به شدت خدشه دار شوند و نظم بیمه‌ای آن‌ها بهم بریزد.

مسئله‌ی بعدی بحث شفافیت عملکرد صندوق‌هاست. صندوق‌های ما شفاف نیستند، صندوق‌های ما پاسخ‌گو هم نیستند.

مثلاً این‌که بنا بر اصول ادبیات بیمه‌های بازنشستگی، ذی‌نفعان، یعنی کسانی که عضو یک صندوق هستند، باید از تصمیمات کلیدی آن صندوق مطلع باشند و همچنین می‌بایست بایست صورت‌های مالی آنها منتشر شود. صورت‌های مالی هیچکدام از صندوق‌های ما منتشر نمی‌شود، بایست تصمیمات کلیدی صندوق‌ها در معرض دید و نظارت ذی‌نفعان باشد. صندوق‌های ما در قبال جامعه‌ی ذی‌نفع پاسخگو نیست، اما طی دو، سه سال گذشته اتفاقات مثبتی در این زمینه رخ داده است، مثلاً انتشار آمار و اطلاعات کلیدی صندوق‌ها، که شامل چهار صندوق اصلی، تأمین اجتماعی، بازنشستگی کشوری، صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح، و صندوق بیمه‌های اجتماعی روستائیان و عشایر که ۹۰٪ آن را تشکیل می‌دهد می‌باشد.

در مورد صندوق بازنشستگی کشوری من اطلاعات دقیق تری دارم. در این حوزه اتفاقات فوق‌العاده خوبی در مقابله با مفاسدی که در سرمایه‌گذاری وجود دارد، افتاده است. اما مدیریت صندوق این اقدامات را رسانه‌ای نمی‌کند.

البته ساختار اداری شرکت‌های زیرمجموعه‌ی صندوق کشوری بعد از تلاش سنگین سه ساله نظم جدیدی پیدا کرده است که بعد از این دوره شرکت‌های زیرمجموعه‌ی صندوق کشوری به صورت هلدینگ اداره می‌شود که کار آسانی نبوده است. این

اقدامات باعث می‌شود که حداقل اندکی در مسیر شفافیت و پاسخگویی قرار بگیریم.

واژه‌هایی که به کار بردیم، مثل شفافیت، پاسخگویی، استقلال، مفاهیم مشخص و عناوین استاندارد هستند که توسط اتحادیه‌ی بین‌المللی تأمین اجتماعی با عنوان «حکمرانی خوب در صندوق‌های بازنشستگی» معرفی شده‌اند.

ما قدم‌های اولیه‌ی استقرار حکمرانی خوب را به زحمت داریم پیش می‌بریم، حداقل می‌توانیم بگوییم که از یک جنبه‌هایی و فقط در برخی از صندوق‌ها، در مسیر حرکت درست قرار گرفته‌ایم. این اصلاً به معنای کوچک شمردن زحمات نیست اما باید اعتراف کرد که این‌ها قدم‌های آغازین یک راه بسیار طولانی است.

در سال ۹۵ در مورد صندوق‌ها چند مطلب عمده مورد بحث است، مسئله‌ی اول، که در شش ماه اول سال صندوق‌ها را بسیار درگیر کرده، مشتمل بر دو مورد است، یکی بحث لایحه‌ی برنامه‌ی ششم و دیگری، که بیشتر دامن سازمان تأمین اجتماعی

را گرفت، اینکه بعد از ۱۵-۲۰ سال که راهکارهای اصلاحی در خصوص وضع صندوق‌ها توسط کارشناسان تدوین شد و در کمیسیون‌ها مورد تأیید قرار گرفت. در مرحله‌ی آخر که قرار بود، لایحه در مجلس ارائه شود، این اصلاحات توسط خود دولت حذف شد. منتهی در مرحله آخر خود دولت از ارائه پیشنهادات به مجلس انصراف دارد که مشتمل بر مواردی از جمله افزایش سن بازنشستگی و افزایش تعداد سال‌ها در فرمول مستمری بود. این موارد در ادبیات مربوط به بازنشستگی به نام اصلاحات پارامتریک معروف است. که در واقع پارامترهای اداره صندوق است که مقرر بود قدری اصلاح گردد.

کارایی: چرا دولت خود این اصلاحات را حذف کرد؟

عظیمی: دولت ترسید این اصلاحات باعث نارضایتی مردم شود و چون به زمان انتخابات نزدیک می‌شویم، نخواست این کار صورت پذیرد. نارضایتی‌ها هم ممکن بود این باشد که افراد می‌بایست به جای ۶۰ سال، در ۶۵ سالگی بازنشسته بشوند و این به معنای ۵ سال کار بیشتر است.

مسأله‌ی بعدی که دامن تأمین اجتماعی را گرفت، جدایی حوزه‌ی درمان از تأمین اجتماعی است. این که حوزه درمان از بیمه اجتماعی جدا و در حیطه سلامت قرار بگیرد، بحث بسیار مفصلی است.

بحث بعدی هم مربوط به یک چرکین و مزمن، برای صندوق‌های بازنشستگی است. چیزی که ما به آن بازنشستگی پیش از موعد، می‌گوییم. منطق و نظم می‌گوید می‌بایست سی سال کار کنید و بعد از آن بازنشست شوید. ممکن است برخی گروه‌ها که وابستگی خاص دارند تلاش کنند که این روال را مخدوش کنند اما این مسأله نظم بیمه‌ای را به بدترین شکل ممکن مخدوش می‌کند شما بخواهید به هر گروهی که من کاری ندارم دولت، نماینده مجلس، حکومت که می‌خواهد به زنان و ایثارگران آوانس بدهد. تخفیف بدهد ولی این تخفیف دادن حق ندارد نظم بیمه‌ای را بهم بزند. این نیز یک رخداد بزرگی بود.

کارایی: در پایان به نظر شما راهکار چیست؟

عظیمی: راهکار همان چیزی است که به عنوان «اصلاحات در صندوق‌های بازنشستگی» شاخته می‌شود ادبیات اصلاحات در صندوق‌های بازنشستگی در دهه ۸۰ میلادی مطرح شده است و ایران هم با آن آشنا بوده است. در این زمینه سه دسته

اصلاحات شناسایی شده است. «اصلاحات پارامتریک» که یکسری پارامترها و متغیرهای کلیدی را بهبود می‌بخشد. بهبود به این معنا که متغیرهای صندوق‌های بازنشستگی را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که جریان ورودی تقویت شود و جریان خروجی حداقل کمی کم‌تر گردد. جریان ورودی منابع و جریان خروجی مسائل. به عنوان تغییر سن بازنشستگی که از آن به عنوان نرخ انباشته یاد می‌شود، در حوزه اصلاحات پارامتریک است. دسته‌ی دیگر از اصلاحات، «اصلاحات ساختاری» است که باید ساختار صندوق‌ها را از منظر روش تأمین مالی اصلاح کنیم. دسته دیگر «اصلاحات عملیاتی» است که طی آن فرآیندهای داخل صندوق از جمله اتوماسیون، نیروی انسانی، آموزش پرسنل، فرآیندهای سرمایه‌گذاری بهبود می‌یابد. این سه دسته اصلاحات وجود دارد. راه‌ها موجود است اگرچه پیچیدن آن دشوار است.

کارایی: به نظر شما می‌بایست که به کدام نسخه از اصلاحات توجه بیشتری شود؟

عظیمی: این اصلاحات جدای از هم قابل اعمال نیست، می‌توان بسته‌ای در نظر گرفت که مشتمل بر تمام این سه نسخه اصلاحات باشد. نمی‌توانیم بگوییم فقط این کار را می‌کنم وقتی شما «اصلاحات پارامتریک» را انجام می‌دهید، این امر نافی اصلاحات عملیاتی نیست یا برعکس. وقتی «اصلاحات ساختاری» انجام می‌دهید، اصلاحات پارامتریک هم در دل آن مستتر است. می‌توان مرحله به مرحله پیش برد بستگی دارد شما بخواهید چقدر اصلاح کنید. این اصلاحات هرکدام تأثیرات مشخصی دارند شما می‌توانید در صندوق‌ها حساب کنید که مثلاً اگر سن بازنشستگی از شصت به شصت و پنج سال تغییر یابد، چه اتفاقی برای صندوق می‌افتد؟ کسری صندوق دو ریال کم می‌شود یا بیست ریال؟ همه این‌ها را می‌توان حساب کرد بنابراین اگر کسری شما ۹،۳ میلیون میلیارد ریال است و می‌خواهید آن را پوشش دهید، سن بازنشستگی را از شصت به شصت و پنج می‌برید. بنابراین شما احتیاج دارید اقدامات بیشتری انجام دهید و می‌بایست کل اصلاحات پارامتریک را اعمال کنید و حساب کنید. با این اقدامات چقدر کسری پوشش داده می‌شود؟ می‌بینید که این اقدامات ۱۶ درصد کسری‌ها را پوشش می‌دهد این همه تصمیمات سخت لحاظ شده و فقط ۱۶ درصد پوشش داده شده است. وضع صندوق‌های بازنشستگی ایران خوب نیست. فکر عاجلی بایستی برای اصلاح کرد. بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی در حوزه‌ی صندوق‌ها به اعتبار کارکردی که در جامعه، حوزه اقتصاد و معیشت مردم، حوزه اجتماعی و با توجه به گستره جمعیتی، سنی، جنسی و جغرافیایی آن‌ها می‌تواند کل جامعه را درگیر کند. وخامت وضعیت در صندوق‌های بازنشستگی به حدی است که در آستانه‌ی تبدیل شدن به یک تهدید ملی امنیتی است. بحران چند ماه پیش یونان از صندوق‌های بازنشستگی شروع شد اگر بی‌احتیاطی کنیم به یونان تبدیل می‌شویم چون متوجه خطر نیستیم، هنوز با این صندوق‌ها شوخی می‌کنیم. بسیاری از مقامات وقتی گزارش‌ها را می‌شنوند، فکر می‌کنند که در این زمینه بزرگ‌نمایی صورت می‌گیرد تا کار این صندوق‌ها که کار را مهم جلوه نمایند. هنوز جامعه ما درکی از عملکرد صندوق‌های بازنشستگی ندارد و در این زمینه بی‌احتیاطی می‌کند و نمی‌داند که چقدر این صندوق‌ها می‌تواند بحران‌زا باشد. سهم کمکی که دولت به صندوق‌ها کرده است در طی دو سال دو برابر شده و از هفت به چهارده درصد رسیده است. اگر اتفاقات نامناسب روی دهد، این رقم به ۴۰ درصد نیز می‌رسد.

احسان اله محمدرضائی
دانش آموخته رشته اقتصاد

نبردهنجارها



از سیاست‌های مکتب کلاسیک را به دولت‌ها تجویز می‌کرد. در مقابل اقتصاد دستوری حاکم، گروهی دیگر با تعریف هنجارهایی دیگر مانند «چرخش همزمان چرخ سانتریفیوژها و چرخ اقتصاد» در پی تلمیفات سیاست‌های هسته‌ای حاکم و در پی آن تغییر

اقتصاد دستوری بودند. همانطور که می‌بینید «تفاوت در هنجارها»، تفاوت در نگرش‌های اقتصادی و در پی آن تفاوت در سیاست‌های اقتصادی را به همراه دارد.

یا به عنوان مثالی دیگر می‌توان به مساله تورم اشاره کرد. یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های مردم در جریان انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری از کلیه نامزدهای انتخاباتی مسئله‌ی مهار تورم و کاهش آن بود. تورمی که طبق اعلام مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران در ابتدای کار دولت یازدهم بالغ بر ۳۵ درصد بود. بررسی فعالیت‌های اقتصادی دولت یازدهم نشان می‌دهد که دولت یازدهم با کاهش هزینه‌های خود (شامل هزینه‌های عمرانی و جاری) در پی مهار تورم بوده است و جای تعجب نیست اگر گفته شود دولت یازدهم به نسبت دولت‌های قبل و به خصوص دولت‌های نهم و دهم، پروژه‌های عمرانی به مراتب کمتری را آغاز کرده است. اینک تورم در دی ماه سال ۱۳۹۵ به ۶٫۹ درصد رسیده است اما مخالفان و منتقدان سیاست‌های اقتصادی دولت با انتقاد از شیوه‌ی کاهش تورم، دولت را مقصر اصلی رکورد فعلی و افزایش نرخ بیکاری از ۱۰٫۴ درصد در تابستان سال ۹۲ به ۱۲٫۷ درصد در تابستان سال ۱۳۹۵ می‌دانند.

در این مثال نیز «تفاوت در هنجار» نقشی کلیدی و مؤثری ایفا می‌کند؛ زیرا هنجار دولت یازدهم «کاهش فشار تورم بر مردم» و هنجار مخالفان سیاست‌های اقتصادی دولت «از بین بردن رکود و کاهش فشار بیکاری» است.

بنابراین چنانچه مشاهده می‌شود اقتصاد به خودی خود عامل بروز اختلاف نیست بلکه این تفاوت در هنجارها هستند که منجر به بروز اختلافات جدی در جامعه می‌شوند. در پایان باید به این مسئله اشاره کرد که در این نوشته سعی نداشتیم با نقد هنجارهای مختلف موجود به تعریف «هنجار خوب اقتصادی» و «هنجار بد اقتصادی» بپردازیم که «نقد هنجار تنها با هنجار ممکن است» و هیچ هنجاری نمی‌تواند خود را به عنوان «هنجار معیار» در همه‌ی برهه‌های زمانی بداند.

اقتصاد دستوری یا هنجاری و تفاوت آن با اقتصاد اثباتی یکی از اولین مباحثی است که دانشجویان اقتصاد در دانشگاه با آن آشنا می‌شوند. مبحثی که بسیاری از منازعات کشور و به خصوص منازعات اقتصادی را می‌توان به وسیله‌ی آن تحلیل کرد. دومینیک سالواتوره در کتاب «تئوری و مسائل اقتصاد خرد» پیرامون تفاوت اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری می‌نویسد: «اقتصاد اثباتی به مطالعه‌ی آنچه هست و یا چگونگی حل واقعی مسائل اقتصادی مبتلا به هر جامعه‌ای می‌پردازد. از طرف دیگر اقتصاد دستوری به مطالعه آنچه باید باشد یا اینکه چگونه باید مسائل اقتصادی هر جامعه‌ای حل شود، می‌پردازد».

جک هاروی در کتاب «اقتصاد جدید» به بیان اشکالات وارد بر اقتصاد اثباتی از دید معتقدین به برتری اقتصاد دستوری می‌پردازد و می‌نویسد: «اقتصاد دستوری یا اقتصاد سیاسی، شیوه‌های تحلیلی اقتصاد اثباتی در تدوین نظریه‌ها را می‌پذیرد؛ اما اقتصاد دستوری در عین حال معتقد است که اتخاذ شیوه‌های سفت و سخت علمی در اقتصاد، به دو دلیل اصلی مورد اشکال است. نخست آنکه در اقتصاد دستوری چنین انگاشته می‌گردد که اجتناب از قضاوت‌های ارزشی، در عالم واقع ناممکن است. ... دلیل دوم و اساسی‌تر آنکه اگر علم اقتصاد، کاربردی در دستیابی به اهداف کلان و سیاست‌های جامع نداشته باشد، تقریباً فاقد هرگونه اثر و بی‌حاصل خواهد بود. اقتصاد اثباتی با محدود ساختن خود به پیش‌بینی پیامدهای اتخاذ سیاست‌های جایگزین، صرفاً به یک تماشاجی بی‌طرف بدل می‌گردد».

بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که اقتصاد دستوری هیچ‌گاه در پی نفی اقتصاد اثباتی نبوده و نیست بلکه در پی به کاربردن آن است و این به کارگیری با استفاده از «هنجارها» و به عبارتی دیگر «بایدها و نبایدها» صورت می‌پذیرد.

باید در نظر داشت که فاصله بین اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری تنها همین «هنجارها» و «بایدها و نبایدها» است. هنجارها و بایدها و نبایدهایی که گاه مقدم بر اقتصاد اثباتی در نظر گرفته می‌شوند و گاه متأخر بر آن. منازعات بین هنجارها از اولین روز خلق بشر آغاز گشته است و تا آخرین روز ادامه خواهد داشت. دلیل بسیاری از منازعات اقتصادی در ایران و حتی جهان نیز همین است. این تفاوت در هنجارها هستند که منجر به تولد مکاتب اقتصادی مختلف و منازعات ابدی آنها شده است. «مکتب کلاسیک» با این جمله که «اقتصاد بدون دخالت نیروی خارجی مانند دولت، در تعادل - ولو در بلندمدت - قرار می‌گیرد» هنجار «عدم دخالت دولت در اقتصاد» را پایه‌ریزی کرد و به واسطه آن بسیاری از سیاست‌های اقتصادی را تعریف کرد و «مکتب کینز» با اعلام اینکه «در بلندمدت همه‌ی ما مرده‌ایم» هنجار «دخالت دولت در اقتصاد» را بنا نهاد و سیاست‌هایی متفاوت

این ارک بلندش هر تبریز است

پرونده‌ی ویژه تبریز و گردشگری

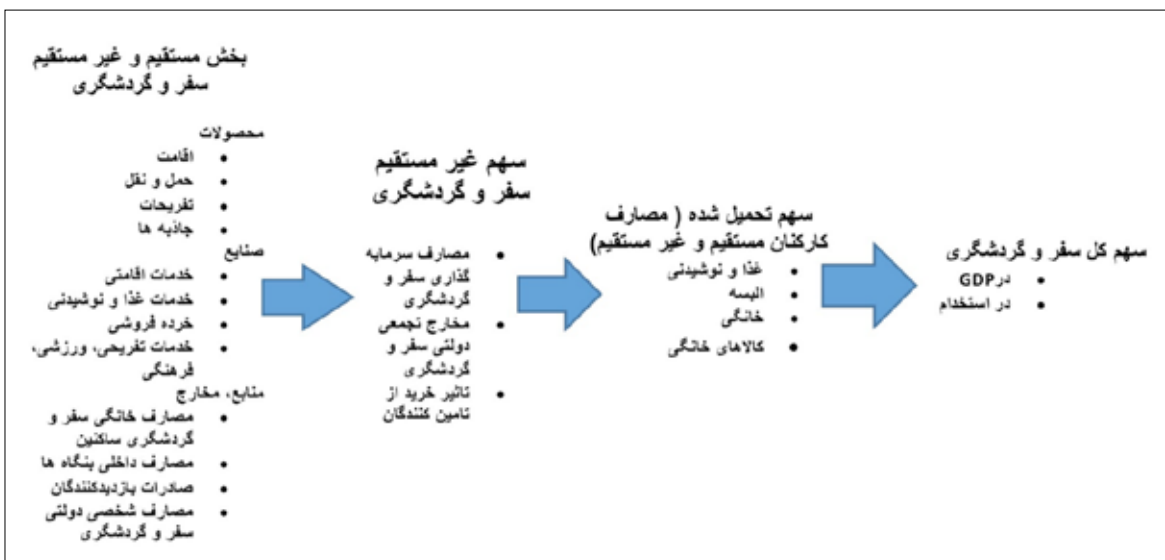


تأثیرات توسعه‌ی گردشگری بر اقتصاد شهر تبریز

ندا ارفعی
کارشناس ارشد مدیریت
جهانگردی از علامه طباطبایی

داشته باشند و سبب افزایش قیمت‌ها شوند. با توسعه‌ی صنعت گردشگری، امکان جابه‌جایی نیروی کار به وجود می‌آید و ممکن است سایر صنایع با کمبود نیروی کار مواجه شوند. از دیگر آثار منفی توسعه این صنعت از نظر اقتصادی، احتمال بهره‌برداری بیش از حد شرکت‌ها و آژانس‌های خارجی است که سود اقتصادی چندانی را برای جامعه‌ی میزبان باقی نمی‌گذارد. گردشگری فرصت‌های شغلی را افزایش می‌دهد. ایجاد شغل‌های جدید از سطح کم‌درآمد به شغل‌های پردرآمد و حرفه‌ای در رشته‌های تکنیکی و مدیریتی درآمد ایجاد نموده و استانداردهای زندگی را افزایش می‌دهد. به خصوص در مناطق روستایی، تنوع بخشی نشأت گرفته از گردشگری به جوامعی که بر صنعت به خصوصی وابسته اند کمک می‌نماید. گردشگری اغلب بهبود پیشرفت‌هایی را در تاسیسات رفاهی مثل آب و فاضلاب و معابر، روشنایی، پارکینگ، سرویس‌های بهداشتی، زیانه و مناظر عمومی در پی دارد که به نفع هر دو گروه گردشگران و ساکنین محلی می‌باشد. هم‌چنین پیشرفت زیرساخت‌های حمل و نقل را با جاده‌های پیشرفته‌تر، فرودگاه‌ها، حمل و نقل عمومی به ارمغان می‌آورد. هم‌چنین، افزایش رقابت‌های سالم و فرصت‌های خرید را با ترغیب خرده‌فروشی‌ها به تنوع بخشی کالاهای فروشی به همراه دارد. ایجاد شغل‌های جدید درآمدهای مالیاتی بیشتری را بدنبال دارد. در بررسی آثار اقتصادی گردشگری، توجه به این موضوع ضروریست که گردشگری اغلب شمار قابل توجهی شغل‌های کم‌درآمد را شامل می‌شود. چرا که اغلب این شغل‌ها فصلی بوده و در فصل‌های غیر کاری بیکاری را به همراه دارند. اغلب به جای به‌کارگیری افراد محلی نیروی کار حرفه‌ای با مهارت‌های خاص وارد جامعه می‌گردند. برخی از کسب و کارهای مربوط به گردشگری ناپایدار و با ریسک بالا می‌باشند. تقاضای بالاتر کالا و خدمات، زمین و اقامت احتمال دارد قیمت‌ها را بالا ببرد که در نتیجه هزینه‌ی زندگی را بالا خواهد برد. گردشگری ممکن است اراضی‌ای را که ارزش بیشتر یا کاربری‌های دیگری دارند در اختیار بگیرد. هم‌چنین مالکان غیر محلی بنگاه‌های تجاری ممکن است سود را از جامعه محلی به بیرون از جامعه صادر نمایند. جامعه ممکن است ناچار به افزایش درآمد‌ها از طریق افزایش مالیات شود تا جاده‌ها و سیستم‌های حمل و نقل را که با توسعه‌ی گردشگری استفاده‌ی سنگین‌تری از آنان

امروزه صنعت گردشگری به عنوان یکی از نیروهای اقتصادی مهم جهان محسوب می‌شود. با توجه به پیشرفت‌های اخیر این صنعت در استان آذربایجان شرقی، مطالعه‌ی تأثیرات مثبت و منفی احتمالی توسعه‌ی این صنعت قدرتمند بر اقتصاد این شهر ضروری به نظر می‌رسد. به‌طور سنتی، توسعه با مفاهیم اقتصادی مانند GDP و GNP سرانه اندازه‌گیری می‌شد، در حقیقت طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسعه و رشد اقتصادی مترادف هم در نظر گرفته می‌شدند. امروزه توسعه به مفهوم گسترده‌تری تبدیل گشته است که دست‌کم پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زندگی کامل را در بر می‌گیرد. طی نیم‌قرن گذشته، گردشگری به یکی از قدرتمندترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین نیروهای اجتماعی-اقتصادی تبدیل گشته است. میزان تأثیر توریسم بر توسعه با نظام حکومتی و جهت‌گیری‌های آن ارتباط مستقیم دارد. پایداری مداوم گردشگری به توانایی رهبران جوامع و افراد خیره‌در گردشگری وابسته می‌باشد تا منافع را به حداکثر و هزینه‌ها را به حداقل برسانند و نیز نیازمند همکاری بین موسسات عمومی و بخش خصوصی می‌باشد. برای دستیابی به اقتصادی گردشگر محور در جوامع محلی، ساکنین بایستی برای شرکت در این فرآیند تمایل داشته باشند. گرایش مردم نسبت به گردشگری و ادراکاتشان از تأثیر آن بر زندگی آن جامعه بایستی به‌طور مداوم ارزیابی گردد. آثار اقتصادی گردشگری چندگانه است. تأثیرات چندگانه اغلب در مورد تأثیرات ثانویه گردشگری و بخش‌های متنوع در جامعه که می‌تواند از گردشگری بهره‌مند گردد، می‌باشند. منافع اقتصادی گردشگری به دلایل مختلف مورد توجه صنعت قرار می‌گیرند. ادعاهای اهمیت اقتصادی گردشگری در میان مقامات دولتی و عموم و جامعه‌ی تجارت اهمیت بیشتری برای صنعت به ارمغان می‌آورد. حمایت اجتماع برای گردشگری حائز اهمیت می‌باشد، چرا که فعالیت‌های است که تمام جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فعالیت‌های گردشگری به همان میزان که به یکدیگر وابسته اند؛ به کسب و کارهای دیگر و دولت و ساکنین محلی نیز وابسته می‌باشند. مهم‌ترین اثر توسعه این صنعت، ایجاد اشتغال و درآمد و کاهش بیکاری می‌باشد. توسعه صنعت گردشگری در افزایش درآمدهای مالیاتی نیز تأثیر مستقیم دارد پیش‌نیاز توسعه گردشگری، توسعه‌ی زیرساخت‌های اقتصادی است. هزینه‌های گردشگری ممکن است اثر توری



می گردد ننگه داری نماید یا هزینه ی استفاده از زیرساخت هایی هم چون آب، فاضلاب، نیرو، دارو، سوخت را بپردازد. برای بیش از ۲۵ سال سازمان جهانی سفر و گردشگری WTTC تاثیر اقتصادی سفر و گردشگری را به طور کمی سنجیده است. تحقیقات نشان داده که نامنی های اخیر مردم را از سفر کردن بازخواهد داشت. عوامل دیگری نیز مثل افزایش ارزش دلار آمریکا رقابت پذیری قیمتی مقاصد را تغییر داده و جریان جابه جایی مسافران را تحت تاثیر قرار داده است. گردشگری نیرویی کلیدی است که در گذشته اثبات نموده به اندازه ی کافی قدرتمند و انعطاف پذیر هست تا با چالش ها رو به رو گردد. گردشگری به پیشرفت خود در مسیر ایجاد اشتغال، سودآوری اقتصادی و اجتماعی ادامه خواهد داد. آمار سازمان ملل متحد با حساب های اقماری گردشگری تنها مشارکت مستقیم سفر و گردشگری را ارزیابی می نماید، در حالی که WTTC اظهار می دارد که مشارکت جمعی گردشگری و سفر بسیار بیش از این ها می باشد و ثبت تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم آن را با استفاده از پژوهش سالانه اش هدف خود قرار داده است.

شهر تبریز به عنوان مرکز استان آذربایجان شرقی که بر اساس مصوبه شورای عالی معماری و شهرسازی ایران به عنوان یکی از شش شهر فرهنگی و تاریخی کشور به ثبت رسیده، از کهن ترین خاستگاه های شهر نشینی و مدنیت در ایران است که میراث تاریخی و فرهنگی بسیار غنی و گسترده گردشگری شهری را داراست. تبریز به علت موقعیت خاص جغرافیایی و تاریخی یکی از شهرهای باستانی است که بیشتر مورد توجه گردشگران داخلی و خارجیست. این شهر از دیرباز به دلیل قرار گرفتن بر سر راه جاده ابریشم و دارا بودن بازارهای متعدد و استقرار صنایع بزرگ و کارخانه های مادر و معادن متعدد دارای اقتصادی قدرتمند بوده و مردمی غنی و ثروتمند داشته است. تاسیس اولین چاپخانه، اولین فرش بافته شده ی جهان، اولین عکاسخانه، اولین ترجمه کتب خارجی، اولین کارخانه چینی سازی و ضراب خانه ی ماشینی تولید اسکناس، اولین شهر دارای تلفن ایران و بسیاری موارد دیگر شهر تبریز را در بین شهرهای ایران به شهر اولین ها معروف نموده است. با جمعیتی حدود ۱۸ میلیون نفر بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، از نظر تعداد خانه های قدیمی نیز بین پر رونق ترین شهرهای ایران محسوب می گردد. تبریز با فعالیت های اقتصادی در بخش های تولیدی سنگین و سبک، صنایع غذایی، صنایع دستی و هنری، تجارت و خدمات متمرکز از بزرگترین قطب های اقتصادی کشور ایران محسوب می گردد. هرچند این شهر در زمینه ی توسعه ی گردشگری نیاز به گسترش امکانات و تجهیزات دارد... امکانات گردشگری موجود

در این شهر عبارتند از هتل ها و مهمان پذیرها، ارتباطات پستی و مخابراتی، دفاتر خدمات مسافرتی و جهان گردی، شبکه های ارتباطی و پذیرایی بین راهی و مراکز خرید. استان آذربایجان شرقی و شهر تبریز به دلیل همسایگی با کشور ترکیه و هم زبانی با این کشور پتانسیل بالایی در جذب سرمایه و گردشگران این کشور را داراست، و به دلیل آب و هوای سردسیری و تفریحات زمستانی نیز می تواند گردشگران کشورهای عربی را جذب بنماید و با داشتن میراث غنی تاریخی و فرهنگی توان جذب گردشگران اروپایی را دارا می باشد. به طور حتم پتانسیل سود دهی اقتصادی صنعت گردشگری برای شهر تبریز بیش از وضعیت امروز آن می باشد. توسعه ی گردشگری در این استان زمینه ای برای اشتغال فارغ التحصیلان این رشته و رشته های مرتبط فراهم خواهد نمود و این مسئله خود باعث ایجاد درآمدهای بیشتر برای آموزش و پرورش خواهد شد. فعالیت



در این شهر عبارتند از هتل ها و مهمان پذیرها، ارتباطات پستی و مخابراتی، دفاتر خدمات مسافرتی و جهان گردی، شبکه های ارتباطی و پذیرایی بین راهی و مراکز خرید. استان آذربایجان شرقی و شهر تبریز به دلیل همسایگی با کشور ترکیه و هم زبانی با این کشور پتانسیل بالایی در جذب سرمایه و گردشگران این کشور را داراست، و به دلیل آب و هوای سردسیری و تفریحات زمستانی نیز می تواند گردشگران کشورهای عربی را جذب بنماید و با داشتن میراث غنی تاریخی و فرهنگی توان جذب گردشگران اروپایی را دارا می باشد. به طور حتم پتانسیل سود دهی اقتصادی صنعت گردشگری برای شهر تبریز بیش از وضعیت امروز آن می باشد. توسعه ی گردشگری در این استان زمینه ای برای اشتغال فارغ التحصیلان این رشته و رشته های مرتبط فراهم خواهد نمود و این مسئله خود باعث ایجاد درآمدهای بیشتر برای آموزش و پرورش خواهد شد. فعالیت

گردشگری، فرصت‌ها و تهدیدها



امنیت، آموزش راهنمایان چندزبانه، نظارت اخلاقی و مهمتر از همه بهادادن به داشته‌ها و پتانسیل‌ها برمی‌گردد که با توجه به همسایگی با کشورهای توریستی و پیشرفته، فرهنگ گردشگری اعم از فرهنگ میزبانی و

مهمانی تا حدودی نیاز به سیاست‌گذاری دولتی را در این محدوده مرتفع نموده است. البته در مواردی مثل توریسم‌درمانی، عدم رعایت مسائل اخلاقی و دید کوتاه‌مدت بخصوص از جانب جامعه پزشکی خساراتی را به این قسم از توریسم وارد کرد و مراجعان پزشکی را راهی کشور همسایه، ترکیه نمود. سایر ملزومات مانند امنیت بواسطه عوامل متعدد مربوط به مردم این منطقه، فراهم است و گردشگران از لحاظ روانی در این مورد احساس امنیت کامل دارند.

از دیدگاه پتانسیل‌های طبیعی موجود، می‌توان گفت آذربایجان با دارا بودن اکثر جاذبه‌های طبیعی در درجه اول قرار دارد که با توجه مسفولان می‌توان بیشترین بهره را از این نعمت‌های خدادادی برد. متأسفانه با نگاه محققانه به اخبار و اطلاعات می‌توان متوجه شد اکثر هیات‌های علمی که از سراسر دنیا برای مبادلات علمی می‌آیند در برنامه‌های گردشگری شان اسمی از تبریز و ارومیه یا اردبیل به میان نمی‌آید! در صورتی که برنامه‌ها از طرف آنها تدوین نمی‌گردد و خود مسئولین مجری برنامه می‌باشند. اما با برنامه‌ریزی منسجم و مسؤلالانه می‌توان از پتانسیل‌های موجود در راستای توسعه گردشگری استفاده حداکثری را نمود؛ همانطور که هر موقع برنامه‌ای بوده است، به نتیجه هم ختم گردیده است. نمونه عینی آن انتخاب تبریز بعنوان شهر گردشگری اسلامی در سال ۲۰۱۸ می‌باشد. البته برای سربلند بیرون آمدن از بار چند وجهی و سنگین این عنوان، موارد و مشکلات متعدد از جمله اسکان مهمانان، پنهان نگه داشتن زورآباد و خانه‌های روی هم چیده شده آن در کنار اتوبان پاسداران از دید مهمانان خارجی و البته دره و تپه‌های خود اتوبان پاسداران از مواردی است که قابل تأمل می‌باشد.

آذربایجان بواسطه دارا بودن پتانسیل‌های طبیعی که در ذیل فهرست وار و گذرا به آن‌ها اشاره می‌نمایم از زیرساخت طبیعی برخوردار می‌باشد و تنها نیازمند و محتاج برنامه‌ریزی و ایجاد زیرساخت‌های انسانی برای تحقق جذب گردشگر می‌باشد.

نمونه‌هایی از پتانسیل گردشگری آذربایجان:

- ۱- سه پیست اسکی فعال (سهند- یام- آوارس)
- ۲- کوه‌های سهند و ساوالان که بعد از کوه فوجی یاما در ژاپن، زیباترین کوه شناخته شده است.
- ۳- آبهای معدنی گرم در سرعین، مشگین‌شهر، کیوی، گوی دره، سراب، بستان آباد و ...

۴- دریاچه ارومیه که با احیاء و برگشت به حال طبیعی چند سال قبل خویش با جاذبه‌های دریایی، جزیره‌ای، درمانی منبع لایتنای جذب گردشگر است.

۵- اماکن تاریخی، مذهبی، عرفانی و اسطوره‌های متعدد
۶- طبیعت بکر و منحصر بفرد مانند آسیاب خرابه و روستای کندوان. همچنین از ۱۳ نوع آب و هوای موجود در دنیا، ۱۱ نوع آن را تنها در اردبیل می‌توان یافت.

۷- آیین‌های اسطوره‌ای و مذهبی
۸- مناطق تجاری مانند جلفا و ماکو
و بیشمار موارد دیگر که هر کدام از این پتانسیل‌ها با برنامه‌ریزی کارشناسانه، تخصصی و البته دلسوزانه در کنار فرهنگ مهمانی که ملت این خاک دارد و متناسب با آن فرهنگ میزبانی را نیز دارا می‌باشد، می‌تواند گردشگران را از سراسر دنیا به خود جذب نماید.

صنعت گردشگری در سطح جهان برای بیش از ۳۰۰ میلیون تن شغل ایجاد کرده و حدود ۱۶ درصد از کل اشتغال جهانی را به خود اختصاص داده است. بدیهی است که با توسعه این صنعت به خصوص با پیش‌بینی‌هایی که WTO انجام داده، آمارهای یاد شده افزایش نیز خواهند یافت و در این میان توریست‌های موجود در سید جهانی عاید کشورهای خواهد شد که بستری لازم از جمله امنیت و خدمات را در بهترین شکل فراهم آورده باشند. به همین دلیل توسعه صنعت توریسم اگر از مهمترین عناصر مورد توجه در سیاست‌گذاری‌های کشورها در قرن حاضر نباشد، بی‌شک یکی از پراهمیت‌ترین آنها است. این توسعه مستلزم مهیا شدن محیطی مناسب برای رشد است. ایجاد این محیط مناسب در گرو ایجاد فرهنگ گردشگری و به دنبال آن مناسبترین نوع آن یعنی گردشگری فرهنگی است. گردشگری در قرن بیست و یکم محرک اصلی برای دستیابی مردم به سطح بالاتری از کیفیت از زندگیست. یکی از اهداف این امر تسهیل ارتباطات میان افراد و نهایتاً گسترش صلح جهانی است. گردشگری بخشی از اقتصاد مبتنی بر خدمات است که در جهان در حال گسترش است. لذا هدف غایی هر سیاست گردشگری را می‌توان در ایجاد توازن منافع و هزینه‌های ناشی از آن و بهبود اوضاع زندگی جامعه میزبان دانست. و اما توسعه گردشگری متضمن توجه به ابعاد توسعه در تمامی سطوح فردی، سازمانی و ملی است و پایداری آن در گرو استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری پیشرفت فن‌آوری و تغییر ساختاری و نهادی است که با نیازهای حال و آینده بشر سازگار باشد. فلذا صاحب‌نظران گردشگری معتقدند مسیر دستیابی به توسعه گردشگری با در نظر گرفتن دو دسته عوامل اولیه سیاست‌گذاری صرفنظر از موضوع گردشگری، همچنین عوامل تخصصی گردشگری امکان پذیر خواهد بود؛ در حالی که سیاست‌های گردشگری در جامعه ما از خلاء الگوی سیاست‌گذاری معین و به خصوص فقدان توجه به شاخص‌های بنیادین سیاست‌گذاری همچون، تمرکز و انسجام در اهداف، دیدگاه نظام‌مند و یکپارچه در میان سیاست‌گذاران، میزان عمل‌پذیری سیاست‌ها و نظام پاسخ‌گویی و ارزیابی عملکرد موثر رنج می‌برد.

طبق پژوهش‌های آماری به عمل آمده با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود ارزش پوند بریتانیا بدلیل سیاست برگزیت تا پایان ۲۰۱۷ حدود ۰/۸ درصد ارزش خود را از دست بدهد و این عامل باعث می‌شود که سفر بریتانیایی‌ها به اروپا و آمریکا کمتر شده و در عوض، آنها سفر به کشورهای با واحد پولی ضعیف را برای گردشگری انتخاب کنند. از سوی دیگر کانادا و آمریکا با افزایش حدود ۸ درصدی ارزش پول خود نسبت به ارزهای رقیب، در کنار رشد اقتصادی نسبتاً مناسب و رشد مخارج مصرف‌کننده در آنها، تقاضای سفر را در شهروندان این کشورها تحریک خواهد کرد. چین نیز احتمالاً با رشد حدوداً ۷ درصدی در هزینه مصرف‌کننده در سال ۲۰۱۷ روبه‌رو باشد و با توجه به رشد تخمینی ۶/۳ درصدی در تولید ناخالص داخلی این کشور، انتظار می‌رود گردشگران این کشور به تسخیر مقاصد گردشگری جهان در سال جاری میلادی ادامه دهند. تمام این‌ها فرصتی برای کشورهایمانند ایران فراهم می‌کند تا صنعت توریسم خود را توسعه دهند.

برای نیل به هدف غایی باید دوره‌ای مدون از اعمال، خط‌مشی‌ها، راهنماها، اصول و تحقیقات مسئله‌محور تدوین گردد تا به بهترین نحو هدف جامعه و یا ملت را در دستیابی موثر به برنامه، توسعه، محصول، خدمت، بازاریابی و اهداف پایدار برای رشد آتی گردشگری برآورده سازد. حال در این میان آذربایجان مسائل خاص خود را دارد که در ادامه به آن اشاره می‌گردد. بخش اول به سیاست‌های کلان مسفولان و مجریان برمی‌گردد و بخش دوم به پتانسیل‌های موجود برای جذب گردشگر ارتباط می‌یابد. بخش مربوط به سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی همان‌طور که گفته شد شامل ایجاد زیرساخت‌ها از جمله فرهنگ گردشگری، ایجاد

به پیشواز تبریز ۲۰۱۸ بالباس فولکلوریک

کاظم عباسی
پژوهشگر علوم اجتماعی

اشارات در هر گروه اجتماعی و کل جامعه مستلزم درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم آن گروه و جامعه و شناخت نظام‌های دینی-عقیدتی و اعمال جادویی-تابویی و باورهایی است که البسه ارزش‌های نمادین خود را از آن‌ها گرفته است. این ارزش‌ها نقش مهم و برجسته‌ای در حفظ هویت اجتماعی و فرهنگی مردم جامعه و استمرار دوام آن در حیات تاریخی نسل‌ها ایفا می‌کنند.

رابطه پوشاک ملل با مذهب، اقتصاد، حس زیبایی‌شناختی، ادبیات، طبقه و حتی هویت اجتماعی چنان بالاست که نمی‌تواند مورد چشم‌پوشی قرار گیرد. آن چه که امروزه در بین اندیشمندان مردمشناسی و انسان‌شناسی از اهمیتی شایان برخوردار است توجه به پیام‌ها و راز و رمزهای مستتر در انواع البسه است که از آن به «زبان پوشاک» یاد می‌شود. این زبان حامل باورها، آداب، سنن، و خاستگاه قومی و فرهنگی مللی است که آن را مورد استفاده قرار می‌دهند و می‌توانند رمزگشایی شوند. در کنار این موضوع، اهمیت‌های اقتصادی پرداختن به لباس فولکلوریک را نیز باید مد نظر قرار داد. بر کسی پوشیده نیست که با رونق کارگاه‌های تولید این نوع از کالا و فروشگاه‌های مربوطه، که متقاضیان محلی و گردشگران خارجی را هدف فعالیت اقتصادی خود قرار می‌دهند، بازار کار قابل توجهی شکل می‌گیرد.

لباس سنتی حامل روح و احساس لطیفی است که به هنگام استفاده در کالبد آدمی جریان می‌یابد. با وجود این، تبادلات و در موارد متعددی تهاجمات فرهنگی، استفاده از پوشش سنتی را، به ویژه در شهرهای آذربایجان، از رونق انداخته است. این در حالی است که به اذعان فعالان و تولیدکنندگان البسه سنتی بین میزان آشنایی شهروندان با این بخش از فرهنگ مادی و میزان تقاضا برای آن رابطه مستقیمی وجود دارد. در منطقی مشابه، با رونق تولید و عرضه پوشاک فولکلوریک، بخشی از متقاضیان، گردشگران خارجی خواهند بود که با خرید و به همراه بردن آن خاطره حضور در آذربایجان را برای خود استمرار می‌بخشند. البته یک چنین تداعی خاطراتی می‌تواند با تولید و عرضه عروسک‌هایی هم که ملبس به لباس‌های فولکلوریک هستند، انجام گیرد. امکان تاریخی تنها به صورت حضوری قابل درک است، چلوکباب تبریز و کوفته تبریزی میل شده، تمام می‌شود، ولی کلاغایی، شیده، کوئینک، بوز گولو دون، پوللو جیلیقچا، پاپاق و... در گنج‌ها، بر روی دیوارها و احیاناً بر تن و قامت افراد برای مدت‌های مدید در معرض دید قرار داشته، خاطره حضور در آذربایجان را همواره تداعی خواهند کرد. جاذبه بصری و نقل و انتقال آسان لباس نیز از ویژگی‌های مثبتی است که با سهولت می‌تواند آن را به بخشی از بازار گردشگری وارد کند.

اگر با گذشت زمان از شناخت ما نسبت به لباس فولکلوریک آذربایجان و به تبع آن از کارکرد و کاربرد این نوع از پوشاک در زندگی روزمره کاسته شده و می‌شود بر مسئولین و فعالین بخش فرهنگ است که به مقابله با این روند برخیزند. سازمان‌ها، مسئولان، از جمله سازمان میراث فرهنگی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگی-اجتماعی شهرداری و... همچنین موسسات و بنگاه‌های خصوصی، تعاونی و سمن (N.G.O.) که حوزه فعالیت‌شان با موضوع مورد بحث ارتباط دارد، در راستای رسیدن به اهداف طرح شده در این مقاله می‌توانند برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت متعدد و متنوعی را در چارچوب عملکرد خود بگنجانند. یک چنین برنامه‌هایی می‌تواند در قالب پیشنهادهای زیر، که از نظر جامعیت محل نقد است، معرفی شود:

– **برنامه‌های پژوهشی.** ارائه اولویت‌های پژوهشی، حمایت از پژوهش‌های در دست انجام، برقراری ارتباط مستمر و سیستماتیک با آن دسته از مراکز آموزشی که دروس طراحی و دوخت در آن‌ها ارائه می‌شود، و...

– **برنامه‌های جشنواره‌ای.** برگزاری نمایشگاه‌های متعدد و مستمر با هدف معرفی و فروش، برگزاری مسابقات در بخش‌های تخصصی مختلف، و...

– **برنامه‌های مالی.** دادن وام، اعطای انواع یارانه‌ها به بخش‌های تولید و عرضه و... انتظار می‌رود با به اجرا گذاردن یک چنین برنامه‌هایی نتایج مثبت متعددی به دست آید. از مهم‌ترین این نتایج می‌توان به احیای بخشی از فولکلور مادی آذربایجان اشاره کرد. در یک دهکده جهانی و در شرایطی که تندباد جهانی شدن در حال وزیدن است، دست انداختن در ریشه‌ها و فرهنگ بومی یکی از راه‌های حفظ هویت و احساس وجود موثر محسوب می‌شود. از جانب دیگر، اگر جهانی شدن از تفرق‌ها کاسته، شباهت‌ها را تقویت نموده است، جستجوی یگانگی‌ها و کشف آن‌ها، خود سر منشأ هیجان‌ات و لذات وافر خواهد بود. از این روست که دهکده جهانی امکان عرضه محصولات محلی را برای خریدار بین‌المللی فراهم می‌آورد، به شرط آن که فرایند تثبیت، مرمت و احیای این محصولات به درستی انجام گرفته باشد.

با انقباض زمان، که محاصل پیشرفت در حوزه‌های علمی، فن‌آوری، اجتماعی، سیاسی و... محسوب می‌شود، مکان نیز به شدت منقبض شده است. اگر چه جوانه زدن این فرایند در سده‌ها قبل اتفاق افتاده ولی در قرن بیستم و به ویژه نیمه دوم آن بود که به صورت درختی تنومند چشم‌انداز تحول جوامع و روابط ملی و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد. یک چنین انقباضی در زمان و مکان، ویژگی‌هایی نو برای جهان به ارمغان آورد و آن را به «دهکده جهانی» و گاهی «خانه جهانی» تبدیل کرد.

در یک جهان به شدت کوچک شده کنجکوی‌های بشری به شدت وسعت پیدا می‌کند. کشف تازگی‌های جهان، مجاورت با تجربه‌های جدید، شناخت تفاوت‌ها و... در یک دهکده جهانی بسیار در دسترس به نظر می‌رسد. هیجان ناشی از تجربه بیدایت‌ها در یک چنین جهانی هر روز تسری بیشتری یافته، تأثیرات عمیق تری بر جای می‌گذارد. علمای اجتماعی در رابطه با تمام جوامع، اعم از ابتدایی و پیشرفته، از وجود پنج نهاد (institution) صحبت به میان می‌آورند. با وجود این، در چند دهه اخیر از به وجود آمدن نهادی جدید، در جوامع پیشرفته، تحت عنوان «نهاد اوقات فراغت» نیز صحبت می‌شود. یکی از عینی‌ترین نمودهای این نهاد جدید تحت عنوان «گردشگری» ظاهر پیدا کرده است.

گردشگری واجد تأثیرات مثبت متعدد در حوزه‌های فردی، محلی، ملی، و بین‌المللی است. یک چنین تأثیرات مثبتی می‌تواند حیطه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، سیاسی و... را شامل شود که در جای خود بسیار مورد بحث قرار گرفته‌اند و هدف نوشته حاضر محسوب نمی‌شود. موضوع این نوشته عبارت است از این که اگر قرار است از خوان نعمتی که بر بستر گردشگری گسترده شده است سهمی داشته باشیم و از تأثیرات متعدد و به غایت مثبت آن بهره‌مند شویم بایستی چه چیزی از جانب ما بر این سفره گذاشته شود؟ تبریز به عنوان پایتخت گردشگری جهان اسلام در سال میلادی ۲۰۱۸ با کدام ظرفیت‌هایش از مهمانان گردشگر خویش پذیرایی خواهد کرد؟ آیا با هتل‌هایی که بی‌شک بهتر از بقیه نیست؟ آیا با سیستم حمل و نقل عمومی‌اش که بسیار جای نقد دارد؟ آیا با انواع غذاها و نوشیدنی‌هایی که گاهی حتی اسامی‌شان خارجی است؟ آیا با آب و هوای پاک و منحصر بفردش؟ آیا با...؟

تبریز ۲۰۱۸ برای میزبانی از گردشگران خارجی بایستی با شناسنامه متعلق به خود، به همراه ویژگی‌های یگانه‌ای که مهر آذربایجان بر پیشانی دارند به پیشواز آنان برود. گردشگری که تصمیم می‌گیرد بخشی از اوقات فراغت خود را در تبریز سپری کند، برای این که تجربه منحصر بفرد، فراموش نشدنی و تازه‌ای داشته باشد باید که توسط تازگی‌ها میزبانی شود. اگر نمود یک چنین تازگی‌هایی را تنها در بناهای تاریخی تبریز و استان بینیم و چشم بر روی دیگر ظرفیت‌ها بیندیم نه تنها کار بزرگی انجام نداده‌ایم، بلکه یک واقعیت عظیم با ابعاد متکثر را حقیر ساخته‌ایم.

یکی از مهم‌ترین منابع این یگانگی در «سنت‌های شفاهی» و به عبارت دیگر فولکلور آذربایجان قرار دارد. فولکلور از غنی‌ترین منابع موجود و در دسترس است که همگام با گسترده‌اش در تمامی عرصه‌های زندگی، از جانب تمامی اشخاص با هر هدف جدیدی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. فولکلور، کتاب به غایت فطوری است که تمامی سلیقه‌ها می‌توانند به بازخوانی آن بپردازند. بخش بزرگی از این رنگین‌کمان بی‌انتهای در عین حالی که خود سرچشمه زیبایی‌هاست در خلق زیبایی‌های جدید و موفقیت‌های نو همواره منبع الهام بوده و خواهد بود. از جمله این منابع الهام که سرشار از ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و پتانسیل‌های اقتصادی محسوب می‌شود لباس سنتی (فولکلوریک) آذربایجان است.

با توجه به این واقعیت که بخش بسیار ناچیزی از اطلاعات ما درباره نوع پوشش انسان‌های دوران قدیم به یافته‌های دست اول باستان‌شناختی یا نوشته‌های کهن مربوط است، بنابراین لباس محلی و سنتی هر منطقه تنها اثر باستانی است که به طور زنده و صدرصد مستند در دسترس بوده و شاهد زنده فرهنگ و تمدن آنان محسوب می‌شود. لباس فولکلوریک پرچم در اهتزاز است که انسان به واسطه آن کوله‌باری از ناگفته‌هایی را حمل می‌کند که در هیچ کتابی یافت نمی‌شوند.

لباس، همچون زبان، هویت قومی، موقعیت اجتماعی و جغرافیایی، وابستگی‌های صنفی، مذهبی و سیاسی، جایگاه و منزلت اقتصادی افراد یک جامعه را مشخص می‌کند. همان اندازه که زبان، اعضای منتسب به گروه‌های مختلف قومی و گاهی ملی را متمایز می‌کند، البسه بومی و سنتی هر یک از ملل نیز میان آن‌ها تمایز ایجاد می‌کند. پوشاک از راه مجموعه‌های علایم مادی، یک نظام ارتباطی فرهنگی در میان اعضای جامعه برقرار می‌کند. رمزگشایی از این علایم و دریافت معانی و مفاهیم زبان نمادها و

مراکز اقامتی تبریز به دور از دنیای مجازی



اسماء بهتاش
کارشناس ارشد مدیریت جهانگردی

وبسایت جستجو می‌کند تا بتواند با اطمینان کامل به رزرو اتاق مورد نظر اقدام کند. این کارهای به نظر ساده، مشکل بسیاری از گردشگران شهر تبریز است.

دلیل این مشکل می‌تواند غفلت مدیران مراکز اقامتی، عدم آگاهی، صرفه جویی در هزینه و... باشد که هیچ کدام از این‌ها قابل قبول نیست زیرا نقش و اهمیت وبسایت‌ها در دنیای امروز غیرقابل انکار است. چرا باید هتلی در کلانشهر تبریز یک وبسایت رسمی نداشته باشد و یا به روز نباشد. جای تعجب نیست که نسخه انگلیسی وبسایت نیز در برنامه‌های مراکز اقامتی جایگاهی نداشته باشد.

انتخاب شدن تبریز به عنوان پایتخت کشورهای اسلامی می‌تواند تلنگری برای مراکز اقامتی باشد تا این بخش از خدمات خود را بهبود بخشند. گردشگر تبریز باید از همان لحظه اول، نگرش مثبتی به مراکز اقامتی شهر داشته باشد و با همان دیدگاه مثبت عازم سفر شود.

تنها داشتن یک وبسایت کافی نیست. وبسایت یک هتل باید در عین جذابیت، مشتری را متقاعد کند که هتل شما بهترین گزینه برای اوست. رسیدن به این هدف مستلزم طی چندین گام است. گام اول برای داشتن وبسایتی ایده‌آل، طراحی نسخه موبایل وبسایت است. به طور معمول اعتقاد بر این است که مسافر از طریق لپ‌تاپ یا کامپیوتر اقدام به رزرو می‌کند اما در واقعیت این طور نیست. بسیاری از مسافران هتل مورد نظر را از طریق گوشی‌های هوشمند خود جستجو می‌کنند که این امر حاکی از لزوم طراحی نسخه موبایل وبسایت هتل است. در حال حاضر به این مسئله به عنوان یک ضرورت نگاه می‌شود نه به عنوان یک اختیار. طبق برآوردها، حدود ۲۵ درصد از حجم رزروها از طریق موبایل انجام می‌شود که این سهم برای رده سنی جوان‌تر تا ۳۸ درصد نیز افزایش می‌یابد.

گام بعدی نشان دادن نقاط قوت و فرصت‌های هتل است. برای

مراکز اقامتی یکی از مهمترین عناصر نظام گردشگری است که کمیت و کیفیت آنها رابطه مستقیمی با جذب و جلب رضایت گردشگران دارد. مراکز اقامتی چه کوچک و چه بزرگ خود اجزای مختلفی را دارا می‌باشند که گردشگر در طول سفر و اقامت خود با این اجزا سرو و کار داشته و تجربه وی در مقصد تحت تاثیر عملکرد این اجزا و مراحل مختلف قرار می‌گیرد. ارتباط گردشگر و مرکز اقامتی تنها محدود به حین سفر نیست؛ مهمترین مرحله‌ای که نگرش گردشگر نسبت به مرکز اقامتی شکل می‌گیرد، در همان مراحل ابتدایی رزرواسیون است.

مدیران هتل‌ها، هتل آپارتمان‌ها، مهمانپذیرها و... اغلب با تمرکز بر کیفیت مهمان‌نوازی، از نمایش خدمات و امکانات خود به مشتریان غافل می‌شوند. یک هتل ممکن است بهترین خدمات را برای مسافران ارائه دهد اما این مسافر تا قبل از تجربه اقامت در هتل نمی‌تواند به صورت جامع خدمات آن را در ذهن خود تصور کند. این مشکلی است که در مراکز اقامتی کلانشهر تبریز مشهود است. شهری که در سال ۲۰۱۸ به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی انتخاب شده، ممکن است با کمبود زیرساخت‌های اقامتی مواجه باشد اما این معبود مراکز اقامتی نیز در امر رزرواسیون بر استفاده از روش‌های سنتی اصرار می‌ورزند.

گردشگری نیز همچون سایر بخش‌ها برخی روش‌های سنتی را کنار گذاشته و الکترونیکی شده است؛ البته هدف از این کار، تسهیل در امور مربوط به خدمات گردشگری است. انسان عصر جدید بیشتر زمان خود را به وبگردی می‌گذراند و انتظار دارد هر آنچه می‌خواهد را با یک جستجوی ساده بیابد. حال چرا مراکز اقامتی شهر تبریز از این قافله اینترنتی عقب مانده‌اند، جای سوال دارد.

یک گردشگر در عصر حاضر که قصد سفر به تبریز دارد، می‌خواهد گوشی خود را به دست گرفته، هتل‌های تبریز را جستجو کرده و در نهایت در عرض چند دقیقه خود را به وبسایت هتل مورد نظر برساند؛ وبسایتی که کلیه اطلاعات مورد نیاز مسافر را به صورت کاملاً واقعی و یکپارچه ارائه دهد. مسافر با دیدن تصاویر، اطلاعات، قیمت‌ها و... در صورتی که تصمیم به رزرو اتاق کند، گزینه رزرواسیون را در

باعث می‌شود مدیران به طور کامل نرخ اتاق‌ها را کنترل کرده و بر زمان ورود و خروج میهمانان اشراف داشته باشند. و اما مرحله حیاتی که باید در هر کسب و کاری مورد توجه قرار گیرد، بازخورد یا فیدبک است. فیدبک بهترین ابزار برای سنجش وضعیت عملکرد هتل است. بسیاری از افراد با وبسایت‌هایی مانند TripAdvisor آشنا هستند. این وبسایت‌ها نظرات، پیشنهادات و انتقادات مسافران از هتل‌های مختلف را در خود جای می‌دهند. ممکن است تعدادی از بازدیدکنندگان این وبسایت‌ها، از میهمانان هتل شما باشند اما چه بهتر که این نظرات را در وبسایت خود جمع‌آوری نمایید. فراموش نکنید که اثبات اجتماعی یکی از تکنیک‌های قدرتمند بازاریابی است. گفته می‌شود ۲۱ درصد میهمانان، نظرات سایر مسافران را جویا می‌شوند. البته با چنین امکاناتی در وبسایت خود باید روحیه انتقادپذیری خود را تقویت کنید زیرا ممکن است با برخی نظرات صادقانه نیز مواجه شوید. در چنین شرایطی پیشنهاد می‌شود به هر دو نظرات مثبت و منفی پاسخ داده شود؛ طبق مطالعاتی که صورت گرفته، ۶۰ درصد گردشگران بالقوه به هتل‌هایی ترغیب می‌شوند که مدیران آن‌ها به نظرات و انتقادات مشتریان پاسخ می‌دهد.

علاوه بر موارد گفته شده، به میهمانان خود این امکان را فراهم کنید که به راحتی با شما در ارتباط باشند، چه داخل هتل و چه خارج از آن. میهمانان هتل‌ها همواره سوالات و نگرانی‌هایی دارند که به دنبال پاسخ آن‌ها می‌باشند. تنها نشستن پای تلفن و پاسخگویی به آن کافی نیست، برای جلب رضایت مشتری باید در وبسایت یک فرم تماس در دسترس باشد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به سوالات پاسخ داده شود. همچنین هر هتل باید در شبکه‌های اجتماعی مختلف نیز حضور فعال داشته باشد. خودتان را به یک گزینه ارتباطی محدود نکنید، این کار باعث می‌شود بخشی از مسافران را از دست بدهید چراکه هر میهمان به یک گزینه ارتباطی دسترسی دارد یا آن را ترجیح می‌دهد. لذا فراهم کردن ابزارهای ارتباطی مختلف و هدف قرار دادن تمام مسافران پیشنهاد می‌شود. تنها با پیمودن مراحل فوق می‌توانید به آسانی و با صرف هزینه‌ای نه چندان زیاد میهمانان بالقوه را به میهمانان بالفعل تبدیل کرده و شاهد افزایش روزافزون آنها شوید. مدیران مراکز اقامتی با اندکی تدبیر درمی‌یابند که به کارگیری ابزارهای الکترونیکی و ورود به دنیای اینترنت نه تنها میهمانان بیشتری را به سوی خود جذب کرده، بلکه امور را برای مدیران نیز تسهیل خواهد کرد. وبسایت‌ها ارزش اطلاع‌رسانی بسیار بالایی دارند، بنابراین راهی مناسب برای معرفی مراکز اقامتی به شمار می‌آیند. امید است که در سال ۲۰۱۸ تمام مراکز اقامتی شهر تبریز با وبسایت رسمی خود و امکان رزرو آنلاین میزبان گردشگران و مسافران این شهر شده و برای جلب رضایت میهمانان خود از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

مثال اگر هتل شما در نزدیکی یکی از جاذبه‌های گردشگری شهر تبریز واقع شده، باید این نقطه قوت به مسافر نیز ابلاغ شود، هرچند شما هر روز از کنار آن جاذبه به طور عادی رد می‌شوید اما این برای یک گردشگر اهمیت بسیاری دارد. علاوه بر این، دیگر ویژگی‌های خاص هتل خود را نیز به نمایش بگذارید، فضای گرم و صمیمی لابی و یا صبحانه خوشمزه سرآشپز، به طور خلاصه هر آنچه که به وجود آنها افتخار می‌کنید. به خواسته‌ها و علایق میهمانان خود توجه کنید و مطابق با سلیقه آنها وبسایت خود را طراحی کنید. ذکر تاریخچه‌ای از هتل می‌تواند برای برخی میهمانان جذاب باشد. بخشی از وبسایت را نیز به معرفی جاذبه‌ها و مکان‌های دیدنی شهر تبریز اختصاص داده و فاصله هتل با هر کدام از آنها و مسیر دسترسی را نیز مشخص نمایید.

برای نمایش بخش‌های مختلف هتل تنها کافیست تصاویر و توضیحات مربوطه را در وبسایت خود قرار داده و واکنش میهمانان خود را به چشم ببینید. گفتنی است که در وبسایت خود از بهترین تصاویر استفاده کنید زیرا تصاویر همواره قانع‌کننده‌ترین گزینه هستند. وبسایت هتل را از تصاویر جذاب و متنوع پر کنید. وبسایت شما باید به گونه‌ای باشد که میهمان قبل از ورود به هتل تمام نقاط آن را در ذهن خود تصور کند. برای این کار، یک عکاس حرفه‌ای استخدام کرده و بقیه کار را به وی بسپارید. از دیگر اقداماتی که می‌تواند در وبسایت هتل قرار گیرد، محتوای صوتی و تصویری است. بهتر است مطالب و اطلاعات به زبان صوتی و تصویری تهیه شده، در وبسایت قرار گیرد و همچنین در شبکه‌های اجتماعی مختلف با مخاطبان در میان گذاشته شود. بخشی از وبسایت که به عنوان تور مجازی طراحی می‌شود، می‌تواند در جذب مسافران نقش مهمی ایفا کرده و آنها را به بازدید از سایت شما ترغیب کند.

به مسافران این امکان را فراهم کنید که از طریق وبسایت مستقیماً اتاق مورد نظر خود را رزرو کنند. این قابلیت اعتماد مسافر را هنگام پرداخت با یک کلیک تقویت می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت گردشگران به دنبال هتل‌هایی هستند که تمام مراحل رزرواسیون ساده، آسان و سریع باشد. شما چه مدیر یک هتل چند ستاره باشید و چه صاحب یک اقامتگاه کوچک در وسط جنگل، اگر مسافر امکان رزرو آنلاین از طریق وبسایت شما نداشته باشد، به راحتی از مرکز اقامتی شما چشم‌پوشی خواهد کرد. امروزه تماس تلفنی یا ارسال ایمیل برای رزرو، عملی راحت و ایده‌آل نیست و در برنامه‌ریزی‌های فوری با اتلاف وقت همراه است. مسیر رزرو نیز نباید بسیار طولانی باشد، طبق مطالعات صورت گرفته ۱۳ درصد مسافران به دلیل طولانی بودن مسیر رزرواسیون از ادامه مسیر منصرف می‌شوند. علاوه بر این، ۷ درصد مسافران نیز به دلیل قوانین و محدودیت‌های پرداخت از ادامه روند خرید صرف نظر می‌کنند که این نیز باید در سیستم رزرواسیون آنلاین مورد توجه قرار گیرد. قابلیت رزرو آنلاین همچنین



گردشگری بر پایه ی دانش

محمد رضا عبوضی
دکترای آموزش گردشگری



و پیشرفت در این صنعت نیز در گرو آن است که نیروی کار، آموزش دیده و ماهر و متعهد به شغل خود باشد و با نگرش مثبت وارد صنعت گردشگری شود، مهمتر اینکه مسیر شغلی مناسبی برای فارغ التحصیلان این رشته ارائه کند.

اخیرا سازمان توسعه گردشگری شهرداری تبریز در راستای تحقق این شعار، اقدام به فراخوان پذیرش راهنمایان گردشگری افتخاری نموده است و در پوسته های اطلاع رسانی خود خواسته، علاقمندان نام و نام خانوادگی خود را جهت طی مراحل بعدی به شماره اعلام شده ارسال نمایند. درحالی که باید به این موضوع توجه کنیم که اصل شعار هر شهروند یک میزبان نه به مفهوم هر شهروند یک راهنمای گردشگری، بلکه مفهوم اصلی آن آشنا بودن هر شهروند با اصول اولیه میزبان خوب بودن و نماینده تبریز است. اصولی که طرز و حسن برخورد، رفتار، گشاده رویی، گذشت و ... را در سایه آموزش همگانی گردشگری مداوم به همشهریان آموزش میدهد. نکته قابل توجه اینجاست که این مقوله اساسی از سوی متولیان گردشگری شهر و استانمان و علی الخصوص رسانه ملی مغفول مانده و با کنار گذاشتن متخصصان آموزش دیده، نحوه آماده سازی شهر برای ۲۰۱۸ نیز مورد شک و تردید قرار گرفته است. حال این سوال باقی میماند که آیا عدم استفاده از این متخصصان و جایگزینی آن ها با افراد غیر آموزش دیده میتواند تبریز را برای سال ۲۰۱۸ از نظر میزبانی آماده نماید؟! حال اینکه در شهر تبریز و استان آذربایجان شرقی دانشجویان و دانش آموختگان تخصصی گردشگری فراوانی وجود دارند که میتوان از آن ها در مسیری علمی، اصولی و کاربردی استفاده کرد. دانشجویان و کارشناسانی که برای گذران زندگی نیازمند حرفه و شغل در میحث تخصصی خود هستند. از منظر نگارنده در چنین شرایطی روی آوردن به راهنمایان گردشگری افتخاری اقدامی غیر حرفه ای و حتی تضعیف کننده گردشگری میباشد. این مساله در مدت زمان کوتاهی می تواند گردشگری ضعیف، نحیف و تازه پا گرفته شهر و استان ما را برای همیشه زمین گیر نموده و از پا در آورد و موجبات دلسردی بیش از پیش راهنمایان گردشگری استان، دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته مدیریت جهانگردی دانشگاههای شهر را فراهم سازد. از آنجا که مزیت های رقابتی در صنعت جهانگردی از طریق نیروی کار فعال و شاغل در این صنعت حاصل می شود، بنابراین میزان نگرش مثبت، تحصیلات، مهارت ها، آموزشها و تعهد آنها نسبت به شغلشان اهمیت فراوانی دارد و برای استخدام و حفظ نیروی کار در بازار درک نیازها و خواسته های آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. جالب اینجاست که غالب فارغ التحصیلان رشته مدیریت جهانگردی استان هم از سوی بخش خصوصی و خصوصا از سوی متولیان گردشگری استان و شهر مورد بی مهری قرار گرفته اند، جامعه راهنمایان گردشگری استان شاهد مهاجرت توریست ها با سابقه و متخصص این شهر و استان به سایر استان ها و حتی سایر کشورها بوده و تعدادی نیز به دلیل رعایت نشدن حق و حقوقشان توسط بخش خصوصی و متولیان دولتی خانه نشین شده و یا اقدام به تغییر حوزه فعالیت خود نموده اند.

در دنیایی که گردشگر با آگاهی و برای کسب تجربه به سفر می رود، در دنیایی که سفر به عنوان ابزار و وسیله ای برای بازیابی روحی و روانی انسان تلقی می گردد، هدایت سفر و گردشگری اهمیت حیاتی یافته و نمی توان بی اهمیت از آن روی برگرداند. از آنجایی که گردشگران ششپه هم نبوده و با هم تفاوت دارند، لذا اهمیت نوع رفتار و عملکرد راهنمای گردشگری بیش از پیش مشخص می گردد. از این روی لازم است با تخصص، دقت و حساسیت به موضوعات مرتبط با گردشگری پرداخته شود و از اقدامات سطحی، زود گذر و تبلیغاتی دوری نمود زیرا آسیب چنین طرح هایی جبران نا پذیر خواهد بود.

گردشگری، موضوعی که سالیانه میلیون ها نفر را در سرتاسر جهان به جنب و جوش واداشته و آن ها را از خانه و کاشانه و حتی شهر و کشور خویش دور میسازد، برای آن که لختی از دنیای روزمره بیسایند. افرادی که کوله بار خود را جمع می کنند و برای تجربه فرهنگ ها راهی شهرهای دور می شوند. آسیا و خاورمیانه به دلیل آنکه مهد تمدن بشری شناخته میشوند، در جذب این سلفی بگیران کوله پشتی به دوش، سهم بالایی را به خود اختصاص میدهد. چنانچه طبق گزارش سازمان جهانی گردشگری (World Tourism Organization)، رشد قابل توجه سفر گردشگران خارجی به خاورمیانه و دیدار از جاذبه های گردشگری آن، موجب شده است که این منطقه به عنوان چهارمین منطقه ی گردشگری جهان شناخته شود، میتوان استدلال کرد پس از نفت بزرگترین سرمایه ملی هر کشور و مردمی، داشته های فرهنگی، تاریخی، اکولوژیکی و ... محسوب میشوند که بالقوه قطبی هستند برای جذب گردشگران. چنانچه گردشگری امروزه خود به یک صنعت عظیم تبدیل شده و دولت ها بر روی آن سرمایه گذاری های بلند مدت و میان مدت انجام می دهند. به عبارتی دیگر، این صنعت به عنوان یکی از منابع درآمد و ایجاد اشتغال در سطح ملی، میتواند رهیافتی برای توسعه اقتصادی باشد.

در این زمینه، یکی از ارکان توسعه و پویایی صنعت گردشگری میتوان از راهنمایان گردشگری و نقش تاثیر گذار آنها در این عرصه نام برد. راهنمایان گردشگری که پس از شکل گیری گردشگری انبوه به صورت جدی تر مطرح شدند، به نوعی سفیران فرهنگی و معرف فرهنگ، تاریخ، تمدن، مهمان نوازی و زیبایی های یک کشور و همچنین ارائه دهنده تصویری جامع و کامل از یک کشور و یک منطقه جغرافیایی با رنگ آمیزی هنرمندانه و خلاقانه و تاثیر گذار آن شناخته میشوند. آنها می توانند هر یک از گردشگران و مراجعان خویش را تبدیل به سفیران فعالی برای معرفی زیبایی ها و جاذبه های متنوع منطقه ای که بدان سفر کرده اند، نمایند. البته نباید فراموش کرد که این اقدامات متنوع، عالمانه و هنرمندانه در سایه آموزش و تجربه عملی و حرفه ای و دانش راهنمای گردشگری میسر میگردد. نتایج تحقیقات علمی در زمینه گردشگری نشان میدهد، جایگاه و عملکرد راهنمایان گردشگری چنان حائز اهمیت است که عملکرد نامطلوب آنها، سبب بروز نارضایتی گردشگران شده و در نتیجه برداشت منفی در تجربه آنان، پیرامون مقصد گردشگری و سفر به همراه خواهد داشت. شاید به همین دلیل نیز باشد که از آژانس های مسافرتی بعنوان لوکوموتیو و از توریست ها با عنوان لوکوموتیوران این صنعت یاد میکنند. در واقع توریست ها حلقه اتصال گردشگران با مقصد گردشگری و ارائه کنندگان خدمات گردشگری میباشند.

در خبرگزاری های مختلف این روزها نام تبریز ۲۰۱۸ بسیار شنیده می شود. تبریز، شهری که قرار است کمتر از یکسال دیگر میزبان بزرگترین اتفاق گردشگری ایران باشد، این روزها در تب و تاب آماده سازی برای میزبانی بهتر قرار گرفته است. کارشناسان امر هر یک به نحوی می کوشند تا شهروندان تبریزی را برای این موضوع آماده کنند و با شعارهایی نظیر «هر شهروند، یک میزبان» برخی از اصول ابتدایی میزبانی را به مردم تبریز آموزش دهند. این شعار هر چند در نفس خویش زیبا مینماید ولی برداشت های غلط از آن و سوء تعبیرهای پیش آمده باعث شده است تا نقش راهنمایان گردشگری متخصص در این زمینه کم رنگ جلوه داده شده و حتی در ادامه فراموش گردد.

اهمیت و نقش اساسی و کلیدی توریست ها در کشورهای پیشرو در زمینه گردشگری بر کسی پوشیده نیست اما در ایران به دلیل خلاءهای قانونی موجود، جایگاه، شان و اهمیت آنها چندان مورد توجه قرار نگرفته است. گردشگری، هتلداری و راهنمایی گردشگری از جمله مشاغل است که نیازمند داشتن مهارت در برقراری ارتباط با مردم و ارائه خدمات است. رشد

در حاشیه توجه به فرهنگ و هویت در ساختار شهری

چراغ‌ها را من خاموش میکنم



نگین نجار ازلی
معمار، پژوهشگر معماری

است. گاهی با نشانه‌هایی آمیخته به جنون و شیفتگی مفراطی، سیمای شهرها را جراحی و سلاخی میکنند و ما را از گذشته جدا میسازد. از اینجاست که قرن بیستم را قرن جنون و وسوسه «فرم» های تازه می‌دانند.

باید گفت بناها نوعاً یکی از ماندگارترین و از نظر اقتصادی گران‌قیمت‌ترین محصولات تمدن‌ها به شمار می‌آیند؛ در گذشته، حداکثر توان انسانی و سرمایه اقتصادی، صرف ساخت بناهایی عظیم برای رقابت و ماندگاری شده، در طی تمدن‌هایی نظیر ایران و مصر قدیم و امپراتوری روم، ابرسازه‌هایی منجر به شهرت رسیدن و در معنایی فناپذیری شده است. حاکمان گذشته به صرف هزینه‌هایی هنگفت دست زده‌اند و حتی سیاق زندگی خود و جامعه را در سازه‌های انسان‌ساخت منعکس ساخته‌اند. به نظر می‌رسد معماران قرون و ادوار گذشته، همواره بناها را آن‌طور که از آن‌ها انتظار می‌رفت، به خوبی به مرحله ظهور رسانده‌اند و یا با توجه به آثار باقی مانده، این‌طور به نظر می‌رسد.

سوال این است که [آنچنانکه بعضی بر آن اصرار می‌ورزند] آیا به راستی گسستی تاریخی در معماری روند معماری ایران وجود دارد یا خیر؟ شاید بهتر باشد این سوال را اینگونه مطرح کرد: «آیا آنچه که می‌خواهیم معماری ملی معاصر ایران بنامیم، از طریق رویکرد افراطی و تقلیدی به گذشته حاصل خواهد شد؟ جایگاه حال و آینده در این هویت‌سازی کجاست؟». هر چند

«در کل یک مکان، دارای یک خصلت یا جو است و از این رو یک پدیدار کیفی و کلی است که نمی‌توانیم آن را به هیچ‌یک از خصوصیاتش فروبکاهیم. تجربه روزانه نشانگر آن است که کنش‌های متفاوت، نیازمند محیط‌های متفاوتی هستند تا به گونه‌ای اقناع‌کننده در آن واقع شوند... نوربرگ-شولتز

هدف هرگونه ارتباطی ایجاد «واکنش» نزد فهمنده پیغام است؛ حکم می‌تواند عقل فهمنده یا احساس او را آماج خویش قرار دهد و در نتیجه، تمایزهای عینی-ذهنی و شناختی-احساسی در مقابل هم قرار می‌گیرند. اگر معماری را رمزگانی بدانیم که نشانه‌های آن بر پایه این تمایزها شکل گرفته و فرم یافته است، هدف معماری سازمان‌بندی «کنش» به طور عام خواهد بود. در این مقام، هدف غایی رمزگان‌های اجتماعی و زیباشناختی جلب مشارکت فهمنده بوده، هنر و معماری پیام‌ها و یا موضوعاتی را می‌آفرینند که به مثابه موضوع و ورای نشانه‌های بی‌واسطه‌ای که متضمن آن موضوع هستند، دلالت‌های خاص خود را داشته، به دستگاه نشانه‌ای خاص خود متعلق: مانند سبک پردازی، نمادپردازی، دال‌گردانی و الخ. گرایش صرف به «فرم» فی‌نفسه، یکی از این پیام‌ها است که در دوران متأخر در آثار برخی از معماران به وضوح شاهد آن هستیم. هرچند در این میان برخی نیز معتقدند تاویل افراطی از «فرم» [که خود معیاری شده

پاسخ به این سوال بسیار پیچیده می‌نماید اما موضوع بدهی این است که نه نگاه معمارانه غیر اصیل و دست دوم در بازسازی سخیف گذشته و نه گرته برداری های ناشیانه و بعضاً کودکانه از روشهای جهانی [که هر چند در محل خود موفق بوده اند ولی نسخه پیچیده شده برای شرایط ما نیستند] و در کل تک بعدی نگری و عدم تسلط بر توابع فرهنگی، چاره راه حوزه ساخت و ساز در زاد بوم ایران نیست... هنر در جلوه‌های گوناگونش، در هر دوره، به شیوه‌ای خاص به «انسان» و «حضور او در جهان» نگریسته است. اما [به اعتقاد بسیاری] عمیق‌ترین و فراگیرترین نگاه به انسان را به «معماری» واگذار کرده است؛ در واقع، این ویژگی به معماری این امکان را داده است تا مناسب‌ترین عرصه برای درک موجودیت و هویت انسان باشد. از این جهت با در نظر گرفتن ظرفیتهای معماری، نه فقط به عنوان رویکردی ساخت و سازی، بلکه به عنوان پدیده‌ای فرهنگی [که در دیالکتیک مدام با عناصر متغیر فرهنگی است]، می‌تواند هویت

و پویایی و یا رخوت و بی‌معنایی را در اجتماع سبب شود. هویت در اصل واژه‌ای است عربی که از «هو» به معنای کیستی و «یت» به مفهوم اتحاد با ذات خویش و یا یکی بودن موصوف با صفات اصلی و جوهری مورد نظر تشکیل شده است. هویت مبتنی بر هستی و وجود، مجموعه‌ای از خصایل متمیز است. یعنی آنچه که فرد به واسطه آن‌ها خود را عضوی از جامعه شناخته و حس میکند. هنگامی که از این واژه به عنوان مقوله‌ای اجتماعی یاد میشود؛ به طور قطع شامل ویژگی‌های جمعی از قبیل احساس همبستگی، احساس تعلق به یک جامعه است. باید گفت همین احساس همبستگی است که موجب همراهی و همدلی و پیوستگی اعضای یک جامعه به یکدیگر میشود. تو گویی دانه‌های تسبیحی که به موجب رشته نازک مابینشان، در کنار یکدیگر ایستاده‌اند. که اگر آن رشته و نخ نبود تسبیحی نیز در میان نبود.

تاریخ معاصر ایران را می‌توان تاریخ چالش هویت دانست؛ زیرا از دوران قاجار به بعد، بالاخص در نهضت مشروطیت، هویت ملی ایرانیان تحت تأثیر ورود اندیشه‌های جدید غربی و رشد ملی‌گرایی با چالش‌ها و بحران‌های مهمی روبه‌رو شد. این مسأله در دوران معاصر [به خصوص در عصر پهلوی]، شکل خاص خود را داشته است که از آن به بحران هویت تعبیر می‌شود. در این مقام، معماری به عنوان رویکردی که نقش زیباپردازی کاربردی فضاها را برعهده دارد، دارای اهمیتی به غایت درجه مهم برای تبلور هویت و اندیشه‌های یک ملت به شمار میرود. از همین رهگذر است که نیازهای روانی جامعه [که برخاسته از باورها، اندیشه‌ها، سنت‌ها، تاریخ و جغرافیای آن جامعه و ملت است]، برطرف شده و مردم در کنار هم احساس همبستگی و یکدلی مینمایند.

پروفسور گلابچی، کرسی دار معماری اسلامی در یونسکو و استاد دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، پیرو منویات مقام معظم رهبری، در یادداشتی به اهمیت توجه به شهرسازی با هویت اسلامی و ایرانی پرداخته و مینویسد:

«تبلور باورها، فرهنگ، تاریخ و سنت‌های جامعه اسلامی-ایرانی در ابعاد مختلف، از جمله در «معماری» و «شهرسازی»، از نکاتی است که در شهری با ویژگی‌های معماری اسلامی-ایرانی باید مورد توجه قرار گیرد. در جهت تحقق این هدف لازم است ابتدا معماری گذشته خود را که در آن آثار قابل توجهی از نگاه به فرهنگ،

باورها و سنت‌های جامعه اسلامی-ایرانی وجود دارد، مورد بررسی دقیق قرار دهیم و براساس آن معماری و اجزای مختلف آن را با مصالح، فرم‌ها و ترکیبی که نشان از کشور، فرهنگ و ویژگی‌های اقلیمی داشته باشد، طراحی کرده و بسازیم.»

اریک اریکسون، روانشناس آمریکایی که از صاحب نظران معروف در زمینه بحران هویت است، هویت فرهنگی را پابندی به آداب و رسوم، سنت‌ها و ارزش‌های گذشته و همچنین رایج جامعه میدانند. به گونه‌ای که منجر به غرور ملی گردد. اگر امر

ساخت و ساز و بنا را نیز دارای سه ساحت: سرپناه، ساختمان سازی و معماری بدانیم ساحت سوم یعنی معماری عرصه‌ای است که در آن معنا و هویت مقدم بر هر نوع فرم و شکلی است. چرا که؛ یکی از بارزترین مظاهر تمدن هر قوم و ملت هنر معماری است آن چنان که ما شناسنامه فرهنگی، معنایی و هویتی خود را نیز در معماری جستجو می‌یابیم. باید گفت گرچه صنعت ساختمان سازی در سالهای اخیر از رشد چشمگیری در ابعاد

مختلف کمی و کیفی برخوردار شده و جلوه‌های بدیع و در عین حال منحصر به فردی را از صنعت ساختمان سازی داخلی به تصویر کشیده اما در بسیاری از موارد، طراحی و ساختمان سازی کنونی کشور را نه می‌توان تابعی از الگوهای غربی به شمار آورد و نه اثری از فرهنگ و هنر ایرانی و اسلامی را در آن جستجو نمود. هویت بنمایه ساخت فضای مصنوع است و پس از آن این فضای مصنوع است که در پردازش هویت و انتقال آن به آیندگان نقش ایفا میکند؛ با گذر زمان و توسعه و گسترش شهر این پیوستگی معنایی و هویتی اگر مختصاتی پیش اندیشیده به خود بگیرد خود موجب پیوند معنی دار و هویت مند متقابل میان مولفه‌های عیان [چیزی که میبینیم] و نهان معماری و مخاطب/کاربر آن خواهد شد. اصولاً رویکرد جستجوگر برای راه یابی به مفهومی هویت گرایانه و متأثر از معماری، هندسه و موتیف‌های ایرانی/اسلامی، هر چند [بعضاً] نمونه کامل یک کنش ایرانیزده شده در وادی پسامردن و در تقابل با نوع غیر ایرانی آن است، که به عقیده بسیاری، سابقه چند ده ساله این نوع برخورد با معماری، گویای سطحی بودن آن بوده، حائز نوعی دور باطل در تکرار خویشتن است. اگر بپذیریم معماری نظامی معنوی است که در بنا تجسم یافته، هر اثر معمارانه فی نفسه یک شاهد فرهنگی است [چه به مفهوم خوب چه به مفهوم بد آن] و تفکیک معماری، شهر و هویت از یکدیگر ساختار بیناکنشی و متقابل ما بین معمار، فهمنده [فهمنده برای پوشش همه تعبیرهای کاربر، بیننده، مصرف کننده، تماشاگر، تفسیرگر، ناقد و مانند آنها]، بافت تولید، فرهنگ و تمامی معماری‌های موجود و در کل شهر را [در معنای منفی کلمه] متأثر می‌سازد.

به نظر میرسد قالب معماری و شهرسازی ایران نیاز به یک بازنگری کلی دارد؛ چه بسا تعبیرات استاد شهید مرتضی مطهری زبان حال باشد: «...روح و زیربنای یک ملت را هویت آن ملت تشکیل میدهد و این روح و زیربنای نیازمند قالبی است که همان حدود و ثغور مادی و طبیعی و قراردادی یک ملت را می‌سازد...». در همین راستا شایسته است، بحث هویت ملی و اسلامی یک بار دیگر [این بار به صورت کاربردی و عملیاتی تری]، مورد بحث قرار گرفته و به نقش مسئولین و دستگاه‌های اجرایی در این زمینه توجه بیشتری نمود. باشد که یک بار دیگر هویت و معنای اندیشه ایرانی/اسلامی در شهرهای ما متبلور گردد و کالبد شهر حلقه عاشقان تعالی باشد... انشاءالله.

به نظر میرسد قالب معماری و شهرسازی ایران نیاز به یک بازنگری کلی دارد؛ چه بسا تعبیرات استاد شهید مرتضی مطهری زبان حال باشد: «...روح و زیربنای یک ملت را هویت آن ملت تشکیل میدهد حدود و ثغور مادی و طبیعی و قراردادی یک ملت را می‌سازد...». در همین راستا شایسته است، بحث هویت ملی و اسلامی یک بار دیگر [این بار به صورت کاربردی و عملیاتی تری]، مورد بحث قرار گرفته و به نقش مسئولین و دستگاه‌های اجرایی در این زمینه توجه بیشتری نمود.

فرهنگ گنجینه گردشگری



علی فخر آذر
رئیس شورای اسلامی شهرستان تبریز

توسعه گردشگری باشد. طرح های توسعه گردشگری و زیربنایی باید ابعاد هنری، اجتماعی - فرهنگی، چشم انداز های طبیعی و فرهنگی و ویژگی های تنوع زیستی و بافت های دیداری وسیع تر مکان های میراث را باید بیشتر مورد توجه قرار دهند. باید به استفاده از محصولات محلی از جمله صنایع دستی و سوغاتی های بومی، اولویت بیشتری داده شده و سبک های معماری محلی یا سنت های بومی و محلی بیشتر از آنی که هستند، مورد توجه قرار گیرند. مدیریت، حفظ، نگهداری و فعالیت های گردشگری باید منافع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی عادلانه ای را برای مردان و زنان جامعه میزبان یا محلی، در تمام سطوح، از طریق آموزشی، کارآموزی و ایجاد فرصت های شغلی تمام وقت فراهم کند.

گردشگری فرهنگی به معنای سفر به نقطه ای خاص به منظور آشنایی کامل با زبوربم آداب و رسوم، جنبه های فرهنگی و به طور کلی همه ویژگی های مقصد است. گردشگری فرهنگی به مقاصد مختلف و با برنامه ریزی های متنوع انجام می شود. میزان و عمق معلوماتی که در حین گردشگری فرهنگی کسب می کنیم، به نوع آن و میزان اشتیاق ما برای تن دادن به ماجراجویی های جدید بستگی دارد. گردشگری فرهنگی می تواند یک گشت و گذار معمولی عصرانه در نزدیکی محل زندگی باشد و یا تمام مدت یک سفر طولانی را به خود اختصاص بدهد. بعضی از توره های فرهنگی بر یک جنبه ای خاص از مقصد مثل غذاهای محلی، تفریحات سنتی یا تاریخ آن تمرکز دارند. گردشگری فرهنگی یکی از انواع گردشگری است که طیف وسیعی از گردشگران را در بر می گیرد و به دلیل نقش مهم آن در حفظ فرهنگ و تاریخ اجتماعات مختلف شاخه های مختلف گردشگری قرار دهیم. نتایجی که حاصل می شود بسیار گسترده و گوناگون خواهد بود. یکی از نظریه پردازان فرهنگی، واژه ی فرهنگ را دربرگیرنده هنر و یادگیری و شیوه کلی زندگی مردم می داند؛ یعنی، فرهنگ با گذشته و سنن (مثل تاریخ و میراث)، ترجمان های خلاق (مثل کارهای هنری و اجراها)، سبک زندگی و آداب و عادات مردمان مرتبط است. اما در اینجا این مسئله مطرح می شود که بسیاری از گردشگران، همان اندازه که به فرهنگ مردمان مختلف علاقه مند هستند به امکان تاریخی، یادبودها، موزه ها و نگارخانه ها هم علاقه نشان می دهند. در و نیز در تعریف گردشگری فرهنگی باید این مسئله در نظر گرفته شود که این نوع از گردشگری صرفاً مصرف محصولات فرهنگی گذشته نیست، بلکه مصرف فرهنگ معاصر یا شیوه زندگی یک اجتماع یا منطقه را هم در بر می گیرد. بنابراین، گردشگری فرهنگی هم گردشگری میراث (مرتبط با اشیاء بازمانده از گذشته) و هم گردشگری هنری (مرتبط با تولیدات فرهنگی معاصر) است. بنابراین به طور خلاصه می توان گفت که مقصود از گردشگری فرهنگی بحث درباره آن بخش از این صنعت است که بر جذابیت های فرهنگی توجه خاصی می کند. این جنبه های جذاب نیز در نوع خود متفاوت بوده و شامل کارهای انجام شده در جوامع، موزه ها، اماکن تاریخی و از این قبیل موارد در همه زمانها می شود.

گردشگری فرهنگی شامل زیر شاخه های زیر می شود:
۱. گردشگری میراث

سفر و مسافرت از دیرباز جایگاه ویژه ای نزد بشر داشته است. گرچه در گذشته هدف از سفرهای طولانی و پرخطر تنها به زیارت و تجارت محدود می شد، اما امروزه با گسترش سیستم حمل و نقل، افزایش درآمد مردم، پدید آمدن زمان استراحت و فراغت، این مهم به امری جدایی ناپذیر از زندگی بشری مبدل گشته است. به طوری که امروزه هدف از سفر کردن بسیار تخصصی تر شده است. همانگونه که اشاره کردید، سفر همواره جایگاه خاصی در بین فرهنگ، تمدن و ادیان کشورهای مختلف و بخصوص ایرانیان و مسلمانان داشته است. فولکلور کشورهایی مانند ایتالیا، یونان و چین و... پر است از افسانه ها، قهرمانان و آداب و رسومی که سفر نقشی کلیدی را در آن ایفا می کرده است. در فرهنگ ایرانی - اسلامی ما نیز به طور مستقیم به فواید سفر اشاره شده است. امروزه صنعت گردشگری یکی از بزرگترین منابع درآمدی بسیاری از کشورها به حساب می آید؛ اما گردشگری از نظر ماهوی قبل از آنکه به عنوان پدیده ای اقتصادی مطرح باشد، امری فرهنگی است و فرهنگ به عنوان جاذبه اصلی گردشگری محسوب می شود. با توجه به آسیب پذیری و شکنندگی خاص میراث فرهنگی، توسعه گردشگری در مواردی می تواند موجب صدمه دیدن الگوهای فرهنگی بومی گردد. گردشگری و سفر بر فرهنگ و نوع رفتار جامعه میزبان و گردشگر به طور متقابل تاثیر می گذارد. در حال حاضر گردشگری ابعاد گسترده تری یافته که گردشگری فرهنگی نیز یکی از زیر شاخه های مهم این صنعت محسوب می شود. گردشگری فرهنگی به جذابیت های فرهنگی خاص توجه می کند که شامل کارهای فرهنگی انجام شده، موزه ها، نمایشگاه ها و از این قبیل اتفاقات و رویدادهاست. در کشورهای توسعه یافته جذابیت های فرهنگی شامل حوزه های هنری، نمایش نامه ها، ارکسترها و سایر کارهای هنری و موسیقی می شود. مسافر به محل خاصی می رود تا از یک موزه مشهور، مثل لوور پاریس دیدن نماید. یا در سالنی بنشیند که ارکستر سمفونی وین برنامه اجرا می کند. گردشگری فرهنگی طبق اصول جهانی دو نوع می باشد: جاذبه های ملموس مانند موزه ها، سایت های تاریخی، معماری و یا آثار میراثی ناملموس مانند آداب و رسوم، فرهنگ، نوع معیشت و... که مدیریت شهر و مدیریت گردشگری نقش و تاثیر بسزایی در نگهداری و گسترش آن دارند و این امر مشارکت و حضور مردم محلی و گردشگران را می طلبد. همکاری های بین المللی و مشارکت مردم و کشورهای مختلف جهان به عنوان عوامل مؤثر در این سیخ همگانی مطرح می باشند. در این راستا «کنوانسیون میراث جهانی» از جمله سازمان های جهانی است که با هدف جلب همکاری های همه جانبه ملل جهت حفاظت از میراث گرانبهای فرهنگی و طبیعی جهان فعالیت دارد.

از سویی دیگر رابطه بین فرهنگ و گردشگری رابطه ای چند جانبه است که می تواند شامل ارزش های متفاوت از هم شود. این رابطه باید به طور سیستماتیک و معقول برای نسل های آینده جهت دهی شود. مکان های دارای اهمیت میراث ارزشی برای مردم و گردشگران، به عنوان یک پایه مهم در تنوع فرهنگی و توسعه اجتماعی، ارزش واقعی دارند. حفظ و نگهداری دراز مدت فرهنگ های زنده، مکان های تاریخی، مجموعه ها، یکپارچگی طبیعی و بومی و بافت آنها باید جزء اصلی سیاست های

۲. گردشگری هنری
۳. گردشگری خلاق
۴. گردشگری شهری
۵. گردشگری روستایی
۶. گردشگری قومی یا بومی
۷. گردشگری فرهنگی عامه پسند یا معاصر

پارنیلو جابه جایی های توریستی را فرایندی دایره ای می داند که نقطه عزیمت یا مبدأ آن فرهنگ توریست و مقصد آن فرهنگ میزبان است که نهایتاً به نقطه آغاز ختم می شود. اتفاقی که در این فرایند دایره ای دارای اهمیت است، مواجهه، تعامل و تبدیلی است که به داد و ستد دانش ها، رسوم و ارزش هایی بین این دو فرهنگ صورت می پذیرد و سرانجام به سطوحی از تغییرات فرهنگی در هر دو سو می انجامد. مسلماً این فرایند تغییر می تواند برای هر دو طرف نتایج مثبت یا منفی دربر داشته باشد. نقش فرهنگ در توسعه گردشگری، نقشی پیچیده است و رابطه بین گردشگری و فرهنگ، رابطه ای دو وجهی است. این رابطه اگرچه توان بالقوه

بالایی برای دست یافتن به ابعاد مثبتی از «تداوم فرهنگی» را داراست، چنانکه محققان بسیاری نیز به آن اشاره کرده اند، اما نتایج بسیاری از مطالعات نیز به پیامدهای منفی اثرگذار آن، که اغلب فرهنگ محلی یک جامعه را به ناکارآمدی و «گسست» دچار نموده، اشاره دارند.

یک جامعه می تواند جنبه هایی از فرهنگ جمعی محلی خود را به هر توریستی که حاضر است مبلغی را برای آن بپردازد، بفروشد و از این طریق هر دو سوی مبادله به منافع مطلوب خود، رضایت خاطر برای توریست و منفعت اقتصادی برای دیگری، دست یابند. به این ترتیب، فرهنگ به کالایی برای مبادلات پولی تبدیل می شود. این گونه مواجهه ی دو فرهنگ، بخشی از همان فرایند دایره ای است که شرایطی را برای تغییرات اجتماعی مهیا می سازد. نتایج این فرایند تغییر و تبدیل، همان گونه که ذکر گردید، نه تنها لزوماً مثبت نیست بلکه بیشتر در پیوستاری از رابطه ای دووجهی اتفاق می افتد و اگرچه به توریسم به عنوان گزینه ای برای دستیابی به پایداری اقتصادی توجه شده؛ اما توجه اندکی به مقوله مهم تر پایداری فرهنگی شده است. مسلم است که جنبه هایی از فرهنگ، میراث معماری، فولکلور، تاریخ و آداب و رسوم را می توان به شکل جاذبه هایی برای جلب گردشگر و کسب منافع اقتصادی آن عرضه نمود؛ اما وجوهی از فرهنگ هر جامعه ای، شامل هویت فرهنگی یا مکانی، از قبیل: یکپارچگی، ارزش ها، عقاید، تجربه های زندگی روزمره و آزادی های افراد محلی، از رازمندی و قداستی برخوردار است که نه تنها قابل عرضه و فروش نیستند، بلکه برای ماندگاری و تداوم حیات فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی جامعه، نیازمند محافظت و نگهداری هستند. با بهره برداری از فرهنگ برای مقاصد اقتصادی، بسیاری از اشکال و مقاصد آن، که در اصل سازه هایی اجتماعی برای سامان دادن زندگی در یک جامعه هستند، به نابودی می گرایند. در واقع، با گسترش توریسم به مناطقی که فرهنگ های محلی، مقاومت و محافظت بیشتری در مقابل گزندها و تأثیرات بیرونی داشته اند، تردیدهایی پیرامون پیامدهای بالقوه ای که ممکن است بر ابعاد فرهنگی جوامع محلی داشته باشد، به وجود می آید. به این ترتیب، ساکنان جوامع محلی نه تنها باید پیوسته به تمایلات گردشگران توجه نموده و برای آنها اهمیت قائل شوند، همچنین باید مراقب کالایی شدن فرهنگ شان نیز باشند.

ارتباط میان صنعت گردشگری و جامعه میزبان و فرهنگ آن ارتباطی دیالکتیک و دوسویه است و نباید به عنوان دو مفهوم مجزا و مستقل نگریسته شوند. زمانی که یک جامعه محلی اقدام به کالایی نمودن ابعادی از فرهنگ محلی خود برای توسعه گردشگری می نماید و در این مسیر پیش می رود، وجه کاربر های فرهنگی ساختارهای اجتماعی، تحت تأثیر و بلکه تحت تسلط وجه مبادله ای فرهنگ قرار خواهد گرفت. وقتی فرهنگ خودش جاذبه شود، نگرانی هایی در رابطه با اصالت های آن در گشودگی به روی گردشگران پدید می آید. با کالایی نمودن و ارائه فرهنگ های بومی از طریق نمایش های فرهنگی و سوغاتی به گردشگران، در طول زمان و برای همخوانی بیشتر با ذائقه های مخاطبان، ممکن است تغییر و تبدیل هایی در اصالت های آن پدید آید. این تغییر و تبدیل ها می تواند با افراط در ایجاد جاذبه های فرهنگی برای گردشگری و برخورد های بیش از حد سوداگرانه با نمودهای فرهنگی از قبیل مناسک مذهبی، عادات و سنن، جشن ها و نمایش ها، صنایع دستی،

گردشگری فرهنگی هم گردشگری میراث (مرتبط با اشیاء بازممانده از گذشته) و هم گردشگری هنری (مرتبط با تولیدات فرهنگی معاصر) است. بنابراین به طور خلاصه می توان گفت که مقصود از گردشگری فرهنگی بحث درباره آن بخش از این صنعت است که بر جذابیت های فرهنگی توجه خاصی می کند.

موسیقی و دیگر الگوهای فرهنگی و ارائه نامناسب و آنها صورت بگیرد. جوامع و افراد آنها همه مثل هم نیستند و همه از هم پیوندی با گردشگری حمایت نمی کنند. این امر می تواند مواجهه بین دو فرهنگ میزبان و میهمان را در مواردی به مقابله کشاند، دامنه اثرگذاری گردشگری بر جامعه میزبان و بویژه فرهنگ آن را گسترده تر نماید. تغییر و تحول در فعالیت های سنتی و هنری محلی به منظور متناسب ساختن آن برای مخاطبان گردشگر، شلوغی و ازدحام بیش از حد در مکان های سنتی، ایجاد تضاد و تنش بین اعضای جامعه محلی، افزایش نابرابری و شکاف اجتماعی بین بخش های مختلف این جوامع، خارج از دسترس قرار گرفتن مکان های تفریحی

برای خود افراد محلی و موارد دیگری از این قبیل، از جمله دیگر پیامدهای منفی توسعه گردشگری هستند که در صورت بروز می توانند فواید و مزایای حاصل از آن را تحت الشعاع قرار دهند. انسجام و همگنی فرهنگ جامعه میزبان و پای بندی مخاطبان آن فرهنگ به شعائر و اصول آن می تواند از بروز گسست در ساختارهای فرهنگی جامعه و کمرنگ شدن آن در مواجهه و اثرپذیری از فرهنگ های گردشگران جلوگیری نماید.

همچنین، از آنجایی که مواجهه بی واسطه و نزدیکی فضایی میان جوامع محلی و گردشگران در بروز و شدت تأثیرات فرهنگی- اجتماعی مؤثر است، جدایی گزینی دو سوی این رابطه بر اثر رشد و گسترش صنعت گردشگری نیز می تواند به کاهش این اثرها منجر گردد.

با توجه به آنچه پیرامون رابطه دووجهی بین توسعه گردشگری و فرهنگ جوامع محلی بیان شد، منظور از تداوم فرهنگی را به اختصار می توان هرگونه تأثیر مثبتی در نتیجه گردشگری دانست که موجب ماندگاری و پربنگ تر شدن پارامترهای فرهنگی در جامعه محلی می شود و گسست فرهنگی را نیز معرف مکانیزمی از اثرگذاری گردشگری بر ساختار و مؤلفه های فرهنگی جوامع محلی میزبان قلمداد نمود که در درازمدت به کمرنگ شدن، فراموشی و تخریب آنها منجر گردد. به این ترتیب، درک مسائل اجتماعی ناشی از تأثیرات فرهنگی گردشگری، بویژه در جوامع سنتی، امر بسیار مهم و درخورملاحظه ای است که به هیچ روی غفلت از آن در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های مرتبط با توسعه گردشگری موجه و پذیرفتنی نخواهد بود. شناسایی و ارزیابی این گونه تأثیرات، گرچه ممکن است در مقایسه با دیگر تأثیرات گردشگری دشوارتر باشد؛ اما مسلماً پیامدهای نامحسوس آنها نیز ماندگارتر و بلندمدت تر خواهند بود.

در نتیجه گیری از بحث فوق می توان چنین بیان کرد که؛ اهمیت صنعت گردشگری از نظر اقتصادی و اشتغال زایی به حدی است که می توان آن را به عنوان نیروی محرکه اقتصادی هر کشوری محسوب نمود. گردشگری مزیت های فراوانی دارد و می تواند منبع مهمی برای ایجاد فرصت های شغلی و درآمدی و در نتیجه عاملی در راستای توسعه باشد. از سوی دیگر، چنانچه این فعالیت و گسترش آن برای بسیاری از گردشگران بدون برنامه و مدیریت صحیح و اصولی صورت بگیرد، در بلندمدت آسیب ها و مخاطراتی را برای مقصد های گردشگری در ابعاد مختلف محیطی و اجتماعی در پی خواهد داشت و به این ترتیب، با هدف و فلسفه اولیه خود؛ یعنی کمک به توسعه مقصد گردشگری، در تقابل و تضاد قرار خواهد گرفت. اثرهای اجتماعی و فرهنگی گردشگری، شیوه ها و روبه هایی هستند که از طریق آنها، گردشگری تغییراتی را در نظام های ارزشی، الگوهای رفتاری افراد، روابط خانوادگی و اجتماعی جوامع هدف، سبک زندگی جمعی، مراسم و آداب و رسوم سنتی و کارکردهای نهادها و سازمان های اجتماعی سنتی، به مرور ایجاد می کند. شناسایی و آینده نگری در رابطه با انواع مختلف و جوانب مثبت و منفی این گونه تغییر و تبدیل ها، در راستای جلوگیری از بروز و پیامدهای آثار منفی و نیز تقویت آثار مثبت آن برای جوامع میزبان؛ بویژه در مناطق گردشگرپذیر، از اهمیت و ضرورتی غیر قابل انکار برخوردار بوده و هرگونه اهمال و کوتاهی در این زمینه، چه بسا غیرقابل جبران خواهد بود. به عبارت دیگر، همان گونه که استفاده یا بهره برداری از فرهنگ و داشته های فرهنگی جوامع مقصد، ممکن است در شرایطی و با رعایت جوانب لازم، برای پایداری اقتصادی این جوامع مفید واقع شود، توجه به پایداری فرهنگی و مصون و پایدار ماندن بنیان های فرهنگی این جوامع، از اولویت و تقدم بیشتری برخوردار است. این امر نیازمند پایش نحوه و میزان گسترش گردشگری و برنامه ریزی برای هدایت اصولی و منطقی آنها در آینده برای حمایت از میراث فرهنگی و دستیابی به شرایط لازم برای حفظ و نگهداشت جمعیت های محلی است

رویکرد استراتژیک در نظام گردشگری

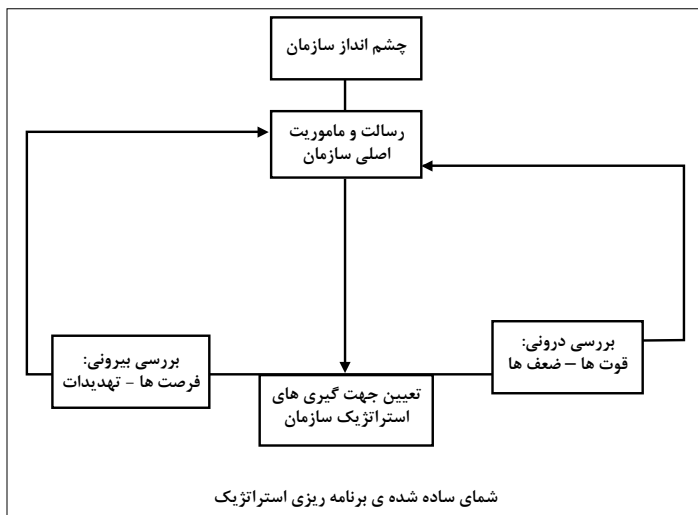
محمدحسین ذالی بیگلر
دانشجوی دکتری مدیریت
مدرس مراکز علمی کاربردی استان



شوند و زبانی را متوجه سازمان نسانند. در حالت چهارم که سازمان ضعف دارد و محیط نیز تهدیدآمیز است، سازمان باید از فعالیت فعلی صرف نظر کند و در پی آن باشد که با محصولی متفاوت، در بازاری دیگر به کار خود ادامه دهد.

برنامه ریزی استراتژیک یا به عبارت کلی تر مدیریت استراتژیک نگاهی کل گرا، سیستمی، و دور برد به برنامه ها دارد و می کوشد تا راهنمای عمل مدیران در افق های زمانی دورتر و حیطه های وسیع تر اجرایی باشد. به عنوان مثال امروزه سازمان های یاد گیرنده، که قادرند خود را با تحولات محیطی تطبیق دهند و از رخدادهای پیرامون خود تجربیات تازه ببینند، و در برنامه ریزی های استراتژیک نقشی موثر ایفا می کنند.

کل نگری برنامه ریزی استراتژیک ایجاب میکند که به محیط بیرونی سازمان نیز توجه شود. از این رو مدیریت پس از بررسی درونی به ارزیابی فرصت ها و تهدیدات محیط بیرونی می پردازد. بررسی بیرونی مواردی چون شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... و موقعیت رقبا را برای مدیریت مشخص می سازد. هنر مدیریت استراتژیک در آن است که بتواند بهترین ترکیب را، که حاصل این بررسی هاست، برای برنامه ریزی به دست آورد. در حالت اول، که سازمان از قوت های درونی برخوردار و محیط بیرونی نیز فرصت هایی را در اختیار سازمان قرار داده است، بهترین شرایط برای بهره برداری وجود دارد و سازمان می تواند از این موقعیت نهایت استفاده را به عمل آورد. در حالت دوم که سازمان دارای ضعف هایی، اما محیط مهیا و آماده بهره برداری است (در محیط فرصت هایی برای سازمان دارد)، مدیریت باید با تغییر در نوع خدمت یا کالای خود از محیط مساعد استفاده کند و بر ضعف های سازمان خود فائق آید. در حالت سوم، که سازمان از قوت های کافی برخوردار است، اما محیط مساعد نیست باید ترتیبی اتخاذ شود که تهدیدات محیط به فرصت بدل



شمای ساده شده ی برنامه ریزی استراتژیک

فرصت ها

عوامل یا وضعیتهای برون سازمانی که بر سازمان تأثیر مثبت و مطلوب دارند (می توانند داشته باشند) یا آن را در انجام وظایف یا مأموریتش کمک می کنند (می توانند کمک کنند).

تهدیدها

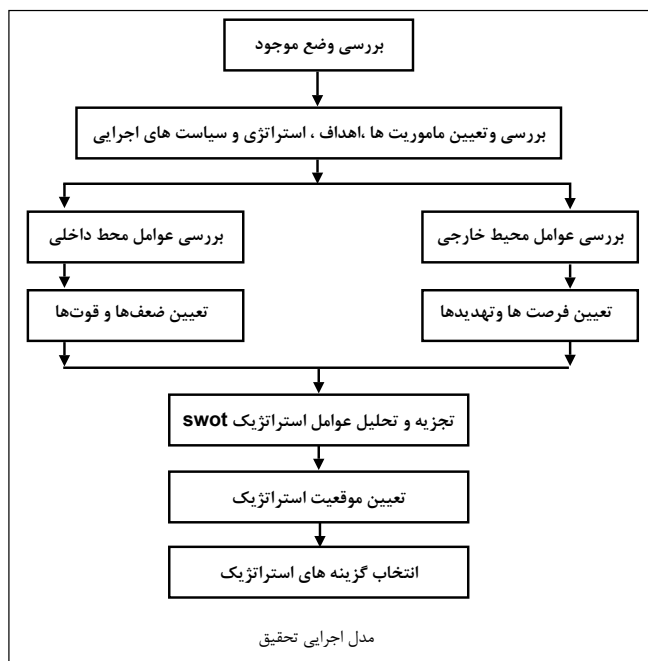
عوامل یا وضعیتهای برون سازمانی هستند که بر سازمان تأثیر منفی و نامطلوب دارند یا آن را از انجام وظایف یا مأموریتش باز می دارند (می توانند بازدارند).

نقاط قوت

قابلیت هایی که در سازمان وجود دارند و به آن در انجام وظایف یا مأموریتش کمک می کنند.

نقاط ضعف

کاستی هایی که در سازمان وجود دارند و توان آن را در انجام وظایف یا مأموریتش کاهش می دهند.



مدل اجرایی تحقیق

جدول آمارهای توصیفی مربوط به متغیر احساس امنیت، عملکرد پلیس و عملکرد رسانه‌ها			
عملکرد رسانه	عملکرد پلیس	احساس امنیت	
۱۷۸	۱۷۵	۱۸۰	تعداد
۱۰۰/۰۰	۶۶/۶۷	۷۲/۲۲	دامنه تغییرات
۰/۰۰	۳۳/۳۳	۲۷/۷۸	حداقل
۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	حداکثر
۳۹/۰۹	۷۰/۲۴	۸۰/۱۰	میانگین
عملکرد پلیس	۱۱/۹۲	۱۱/۱۶	انحراف معیار
۱۷۵	۱۴۲/۲۷	۱۲۴/۷۶	واریانس
۶۶/۶۷	-۰/۰۲۴	-۱/۱۸۹	کشیدگی
۳۳/۳۳	۵۴۹۰/	۲/۹۸	چولگی
۱۰۰/۰۰			
۷۰/۲۴			
۱۱/۹۲			

میتوان در نظام گردشگری با رویکرد استراتژیک انواع تغییرها را تفکیک نموده با استفاده از آمارهای توصیفی متغیرها ارزیابی دقیقی از عناصر مستقل و متغیر این نظام حاصل نمود و اقدامات عملی مبتنی بر امکانات و محدودیت‌ها را سامان بخشی نمود تا بدینوسیله در مسیر توسعه و بهبود ظرفی‌های گردش پذیر قرار گرفت.

آمارهای توصیفی متغیرها

احساس امنیت در این مقاله متغیر وابسته است که نتایج توصیفی این متغیر با میانگین ۸۰/۱۰ بر مبنای ۱۰۰ نشانگر این است که گردشگران در تبریز از احساس امنیت بیشتری برخوردار هستند.

عملکرد پلیس متغیر عامل در این بررسی است که نتایج توصیفی این متغیر با میانگین ۷۰/۲۴ بر مبنای ۱۰۰ نشانگر این است که گردشگران در تبریز از عملکرد پلیس بیش از حد متوسط رضایت دارند.

عملکرد رسانه‌ها متغیر عامل دیگری در این بررسی است که نتایج توصیفی این متغیر با میانگین ۳۹/۰۹ بر مبنای ۱۰۰ نشانگر این است که گردشگران در تبریز از عملکرد رسانه‌ها کمتر از حد متوسط رضایت دارند.

الویت بندی گردشگران از نقاط قوت گردشگری در شهر تبریز

در این زمینه بایستی اشاره داشت که؛ گردشگران سابقه تاریخی و فرهنگی و غنای گذشته تبریز را در اولویت‌های اول قرار داده‌اند. بطوری که می‌توان در جدول زیر این اولویت بندی را از نظر گردشگران مشاهده کرد.

میانگین	الویت	الویت بندی نقاط قوت گردشگری در تبریز
۵,۲۶۵۲	۱	تبریز شهری است برخوردار از پیشینه تاریخی کهن و باستانی.
۵,۱۰۵۶	۲	تبریز شهری است با بزرگتری بازار مسقف جهان.
۵,۰۶۱۱	۳	تبریز شهری است برخوردار از زمینه‌های فرهنگی غنی از نظر آداب و سنن
۴,۹۸۹	۴	تبریز شهری است برخوردار از ابنیه‌های مذهبی و با شکوه.
۴,۹۶۱۱	۵	به وجود صنایع دستی متنوع و با ارزش مانند فرش تبریز نمره دهید.
۴,۹۴۵۱	۶	شهر جزء شش شهر فرهنگی کشور است.
۴,۹	۷	حس مهمان نوازی در مردم شهر
۴,۸۵۱۶	۸	تبریز شهری است برخوردار از زمینه‌های فرهنگی غنی از نظر آداب و سنن
۴,۷۴۰۳	۹	وجود فضای آرام همراه با امنیت برای گردشگران در شهر
۴,۱۸۶۸	۱۰	وجود خط ویژه اتوبوس رانی سریع در سطح شهر
۴,۰۸۳۸	۱۱	وجود واحد‌های پذیرایی متعدد در محدوده‌ی بافت تاریخی شهر
۴,۰۷۷۳	۱۲	موقعیت جغرافیایی و استقرار در چهارراه مواصلاتی شمالغرب کشور
۳,۸۷۱۵	۱۳	وجود پتانسیل‌ها و امکانات ورزشی مناسب جهت برگزاری مسابقات ورزشی
۳,۵۵۸۷	۱۴	باور مسئولین نسبت به اهمیت نقش گردشگری در توسعه‌ی همه جانبه‌ی شهر تبریز
۳,۵۰۲۸	۱۵	وجود آژانس‌ها و دفاتر خدمات گردشگری متعدد در سطح شهر
۳,۱۲۷۱	۱۶	تغییر کاربری اماکن تاریخی، باستانی مخصوصا حمام‌های قدیمی به رستوران
۳,۰۷۹۱	۱۷	کوه عون بن علی جهت انجام تفریح و ورزش کوهنوردی در نزدیکی تبریز

رسانه های گروهی و عدم استفاده از ابزارهای جدید تبلیغاتی ، کمبود نیروی انسانی مجرب و کار آزموده در مکانهای گردشگری و ... س در اولویت های اول قرار داده اند . بطوری که می توان در جدول زیر این اولویت بندی را از نظر گردشگران مشاهده کرد .

الویت بندی گردشگران از نقاط ضعف گردشگری در شهر تبریز در این زمینه موارد زیر قابل بیان است: گردشگران کم توجهی به جایگاه گردشگری در طرح توسعه ی شهری ، نبود بازرسی و نظارت دقیق بر مدیریت و ارایه خدمات مهمان پذیرها در شهر تبریز ، کمبود برنامه های تبلیغاتی در

میانگین	الویت	الویت بندی نقاط ضعف گردشگری در تبریز
۴,۰۴۹۷	۱	کم توجهی به جایگاه گردشگری در طرح توسعه ی شهری
۳,۹۴۴۸	۲	نبود بازرسی و نظارت دقیق بر مدیریت و ارایه خدمات مهمان پذیرها در شهر تبریز
۳,۹۳۴۱	۳	کمبود برنامه های تبلیغاتی در رسانه های گروهی و عدم استفاده از ابزارهای جدید تبلیغاتی
۳,۷۰۸۸	۴	کمبود نیروی انسانی مجرب و کار آزموده در مکانهای گردشگری
۳,۶۶۴۸	۵	کم اهمیت بودن نقش گردشگری در توسعه شهری در بین مردم
۳,۶۵۳۸	۶	نسبت بالای مهمان پذیرها نسبت به هتل ها در شهر تبریز
۳,۶۲۷۸	۷	احداث ساخت و سازهای جدید و ایجاد دوگانگی در بافت سنتی و قدیمی
۳,۶۱۸۸	۸	پایین بودن کیفیت ارایه خدمات در مهمان پذیرهای شهر تبریز
۳,۵۲۴۹	۹	کم توجهی به تجهیز و ساماندهی میلمان شهری در محدوده ی بخش مرکزی و در اطراف بازار تاریخی شهر تبریز
۳,۴۷۲۵	۱۰	نبود فرهنگ سازی صحیح برای انجام رفتار مناسب با گردشگران در بین مردم
۳,۴۰۶۶	۱۱	نبود پارکینگ کافی و مجهز در اطراف آثار تاریخی و فرهنگی
۳,۳۹۷۸	۱۲	قرارگیری آثار با ارزش تاریخی در محدوده ی مرکزی و مشکلات رفت و آمد برای گردشگران
۳,۳۹۰۱	۱۳	روند کاهشی ضریب اشغال تخت و اتاق هتل های شهر تبریز در فصول پاییز و زمستان
۳,۳۴۰۸	۱۴	کم توجهی به تجهیز و زیباسازی فضاهای تاریخی مانند نورپردازی آنها
۳,۳۳۱۵	۱۵	ترافیک و شلوغی بافت تاریخی در فصل تابستان
۳,۳۱۴۹	۱۶	ضریب اشغال پایین هتل ها در شهر تبریز و به تبع آن در آمدزایی ناچیز فعالیت هتل داری در این شهر
۳,۲۸۰۹	۱۷	بی توجهی برخی از مسئولین به ارزشهای فرهنگی شهر تبریز و پرداختن به جنبه های گردشگری این شهر
۳,۲۶۵۵	۱۸	عدم رعایت حریم بافت های تاریخی در نتیجه نبود هماهنگی در مدیریت و برنامه ریزی شهر تبریز
۳,۲۲۵۳	۱۹	کمبود کادر مجرب هتلداری در هتل ها
۳,۱۴۴۴	۲۰	کمبود پارک و فضاهای سبز و توزیع ناموزون و نامناسب این مکان ها در سطح شهر تبریز
۳,۱۲۱۵	۲۱	ضعف نظام حمل و نقل در جابجائی مسافران و گردشگران درون شهری
۳,۰۱۶۵	۲۲	کمبود فضاهای تفریحی و تفرجگاهی در درون و پیرامون شهر تبریز
۲,۸۸۸۹	۲۳	عدم امنیت شغلی راهنمایان گردشگری
۲,۵۴۱۴	۲۴	عدم توجه مسئولین به تقویت و تجهیز امکانات فرهنگی و هنری مانند سینماها و سالن های نمایش
۲,۳۷۲۲	۲۵	وضعیت نامناسب سینماها از نظر کمی و همچنین نا مطلوب بودن آنها از نظر کیفیت
۲,۰۶۱۸	۲۶	اختلاف دیدگاه بین سازمان میراث فرهنگی و شهرداری در حفظ ، نگهداری و بهسازی بافت تاریخی شهر
۱,۲۴۸۶	۲۷	وجود کمترین فضای سبز در محدوده ی منطقه ۸ و در محور تاریخی و فرهنگی شهر تبریز



الویت بندی گردشگران از فرصت های گردشگری در شهر تبریز
 در این زمینه موارد زیر قابل بیان است: گردشگران داشتن آب و هوای مطبوع در فصل بهار و تابستان ، وجود جاذبه های تاریخی و باستانی ثبت شده در فهرست آثار جهانی مانند بازار ، وجود اشتراکات فرهنگی با کشور های همسایه و وجود زمینه و دگرگونی های فرهنگی و افزایش انگیزه برای مسافرت و گردشگری در بین مردم و ... در اولویت های اول تا پنجم قرار داده اند . بطوری که می توان در جدول زیر این اولویت بندی را از نظر گردشگران مشاهده کرد .

الویت	میلگین	الویت بندی فرصت های گردشگری در تبریز
۱	۵,۱۸۷۸	داشتن آب و هوای مطبوع در فصل بهار و تابستان
۲	۴,۶۴۴۴	وجود جاذبه های تاریخی و باستانی ثبت شده در فهرست آثار جهانی مانند بازار
۳	۴,۵۹۶۷	وجود اشتراکات فرهنگی با کشور های همسایه و وجود زمینه و بستر توسعه ی گردشگری در شهر تبریز
۴	۴,۴۰۶۶	دگرگونی های فرهنگی و افزایش انگیزه برای مسافرت و گردشگری در بین مردم
۵	۴,۳۴۰۷	وجود شبکه گسترده ارتباطات جاده ای در منطقه
۶	۴,۱۲۰۹	قرار گرفتن شهر تبریز در مسیر ارتباطی اروپا، آسیای شرقی (جاده ابریشم) و تهران
۷	۳,۹۳۲۶	وجود مقررات تسهیل کننده برای ورود گردشگران از کشورهای همسایه به شهر تبریز
۸	۳,۹۱۵۷	قرار گرفتن در مسیر ارتباطات ریلی کشور با کشورهای همسایه از جمله عبور خط آهن تهران، آنگارا از شهر تبریز
۹	۳,۸۷۳۶	مجاورت آثار باستانی و تاریخی شهر تبریز با یکدیگر و سهولت دسترسی گردشگران برای بازدید از این آثار در سطح شهر
۱۰	۳,۷۴۵۸	بر خور داری از ظرفیت های طبیعی بالقوه در سطح استان و شهر تبریز جهت توسعه ی ورزش های کوهنوردی و اسکی
۱۱	۳,۶۹۲۳	وجود امکانات ارتباطی بهتر بین بخش مرکزی ایران و تبریز از جمله افتتاح اتوبان تبریز، زنجان
۱۲	۳,۶۹۰۶	افزایش انگیزه ی بخش خصوصی در سرمایه گذاری در بخش گردشگری
۱۳	۳,۶۳۱۳	توسعه ی شرکت های ارایه دهنده ی خدمات گردشگری در سطح کشور
۱۴	۲,۸۵۳۱	بر پایی نمایشگاه های دائمی و موقت صنایع دستی در شهر تبریز
۱۵	۲,۸۱۲۲	ایجاد بانک گردشگری در کشور و افتتاح دومین شعبه آن بعد از تهران در شهر تبریز
۱۶	۲,۷۷۴۷	همکاری بین کشورها در زمینه توسعه ی گردشگری
۱۷	۲,۵۷۱۴	شروع عملیات اجرایی قطار شهری و تسهیل رفت و آمد گردشگران به مکان های تاریخی و باستانی

الویت بندی گردشگران از تهدید ها گردشگری در شهر تبریز
 در این زمینه موارد زیر قابل بیان است: گردشگران قرار گیری شهر تبریز در محدوده های پر خطر از نظر لرزه خیزی و احتمال وقوع زلزله ، خشکسالی های مستمر در حوضه ی آبریز دریاچه ارومیه و کاهش جاذبه های گردشگری این دریاچه ، وجود فضای نامساعد تبلیغاتی در عرصه ی بین المللی برای گردشگران خارجی ،

افزایش رقابت بین شهرهای موجود در منطقه با ایجاد امکانات و خدمات بیشتر با هدف افزایش گردشگر ، کم توجهی به احیاء و بازسازی جاذبه های تاریخی ، باستانی و روند به تخریب آثار با ارزش تاریخی ، تشدید آلودگی هوای شهر تبریز به دلیل فعالیت های متنوع و متعدد صنعتی و ... و ... در اولویت های اول قرار داده اند . بطوری که می توان در جدول زیر این اولویت بندی را از نظر گردشگران مشاهده کرد .

الویت	میلگین	الویت بندی تهدید های گردشگری در تبریز
۱	۴,۰۲۸۱	قرار گیری شهر تبریز در محدوده های پر خطر از نظر لرزه خیزی و احتمال وقوع زلزله
۲	۴,۰۱۶۹	خشکسالی های مستمر در حوضه ی آبریز دریاچه ارومیه و کاهش جاذبه های گردشگری این دریاچه
۳	۳,۹۸۳۲	وجود فضای نامساعد تبلیغاتی در عرصه ی بین المللی برای گردشگران خارجی
۴	۳,۹۰۵۶	افزایش رقابت بین شهرهای موجود در منطقه با ایجاد امکانات و خدمات بیشتر با هدف افزایش گردشگر
۵	۳,۸۷۹۱	کم توجهی به احیاء و بازسازی جاذبه های تاریخی ، باستانی و روند به تخریب آثار با ارزش تاریخی
۶	۳,۷۵۱۴	تشدید آلودگی هوای شهر تبریز به دلیل فعالیت های متنوع و متعدد صنعتی و ..
۷	۳,۶۶۲۹	ناکافی بودن تجهیزات حمل و نقل ریلی، عدم توسعه شبکه راه آهن موجود و پایین بودن سرعت و کیفیت قطارها
۸	۳,۴۶۱۵	مجاورت آثار باستانی و تاریخی شهر تبریز با یکدیگر و سهولت دسترسی گردشگران برای بازدید از این آثار در سطح شهر
۹	۳,۳۴۸۱	وجود آلودگی های زیست محیطی چون آلودگی هوا
۱۰	۳,۳۰۲۲	وجود حس ناامنی در بین گردشگران به دلیل کمبود یا نبود پارکینگ در محدوده های گردشگر پذیر شهر
۱۱	۳,۲۵۹۷	عدم رسیدگی و توجه به ساماندهی کمبود فضای سبز از سوی مدیران و برنامه ریزان شهر تبریز
۱۲	۳,۲۳۰۸	روند رو به کاهش سرانه کاربری فضای سبز در شهر تبریز به دلیل توسعه ی سایر کاربردی های شهر
۱۳	۳,۰۱۱	وجود تشریفات و مقررات دست و پاگیر در مبادی ورودی و خروجی
۱۴	۲,۹۵۰۵	روند رو به تعطیلی سالن های سینما و نمایش در شهر تبریز ویا تبدیل آنها به مجتمع های تجاری و پاساژ
۱۵	۲,۸۴۶۲	سردسیر بودن منطقه و دوره ی طولانی مدت سرما و افت شدید تعداد گردشگران در فصل تابستان
۱۶	۲,۱۱۶	عدم تکمیل راه آهن تبریز، میانه

پیشنهادات گردشگران برای توسعه توریسم کلان شهر تبریز

ردیف	عنوان پیشنهاد	درصد فراوانی
۱	نظارت بر تعرفه های پزشکی مسافران	۷درصد
۲	افزایش تسهیلات برای مسافران	۲۲/۵درصد
۳	نظارت بیشتر بر قیمت مراکز اقامتی	۱۲درصد
۴	افزایش خدمات حمل و نقل شهری	۳۵درصد
۵	ایجاد فضای سبز و استراحت گاه برای مسافران	۱۰درصد
۶	تبلیغات بیشتر برای معرفی هتل ها	۱۱درصد
۷	ایجاد تابلوهای بیشتر برای شناسایی مسیرها	۲/۵درصد
	جمع کل	۱۰۰





نوروز و محیط زیست



بهناز السادات واعظ مدنی
کارشناس ارشد محیط زیست

* با توجه به وضعیت کم آبی و خشکسالی، آب این مایه حیات که همه سرسبزی و شادابی بهار با وجود بی ماندنش گره خورده است؛ را هدر ندهیم.

در این میان وظیفه تک تک شهروندان در خانه تکانی‌های شب عید، رعایت الگوی مصرف بهینه آب می‌باشد چراکه هر فردی می‌تواند به سهم خود با مصرف کمتر روزانه چند لیتر آب، نیاز خود و نسلهای آتی را تأمین کند.

* استفاده بی رویه از محصولات شوینده و پاک کننده، یکی از عوامل مهم خطر ساز برای محیط زیست و به خصوص منابع آب در شهرهاست که به صورت مستقیم و غیرمستقیم سلامت افراد را در معرض خطر قرار می‌دهند.

یکی دیگر از پرکاربردترین مواد در روزهای خانه تکانی، مواد شوینده، سفیدکننده و ضد عفونی کننده هاست که همه برای شستشو و نظافت وسایل به آنها نیاز دارند، اما این مواد با توجه به ترکیباتی که دارند، اگر در مصرف آنها ملاحظات خاصی انجام نشود به همان اندازه که به ظاهر پاکیزگی به ارمغان می‌آورند می‌توانند برای فرد و محیط زیست مضر و مخرب باشند.

* یکی دیگر از عوامل آلاینده و مخرب محیط زیست که حقیقتاً نفس گرم زمین را به شماره انداخته است، افزایش پسماندهای خانگی، صنعتی، کشاورزی و بیمارستانی است.

متأسفانه در روزهای پایانی سال و ایام تعطیلات نوروز شاهد افزایش پسماندهای خانگی با تنوع گوناگون هستیم، در حالی که برخی کالاها که به عنوان نو کردن وسایل خانه دور ریخته می‌شوند، قابلیت بازگشت به چرخه مصرف داشته و بخوبی می‌تواند

با فرارسیدن نوروز، زمستان با همه سوز و سرمایش جای خود را به فصل نو و روزهای نو می‌دهد؛ با تابش اشعه طلایی رنگ خورشید بهاری، سبزه‌ها از زیر خاک بر روی زمین جوانه زده؛ رویش دوباره را از سر می‌گیرند و طبیعت جامه سبز بر تن می‌نماید، طبیعتی که خانه زیبایی‌ها بوده و با شکوفه‌ها و تعظیم درختان به عظمت خداوند موج می‌زند، پستی و بلندی‌های زمین صندلی اکران سیمای طبیعت برای انسان است. نظم زندگی زنبور و برنامه حرکت پرندگان، حیوانات، جانداران و حتی تنوع آب و هوای فصلی، نوید و آهنگ نظم خداوندی برای انسان‌ها می‌باشد. تجمع درختان و استواری کوه‌ها در واقع تلنگری به انسان هاست که زندگی انسان بدون آب، طبیعت، جنگل، سایه درخت و نسیم صبحگاهی و سحری امکانپذیر نمی‌باشد.

اما در میان این همه جوش و خروش وصف ناپذیر برای دامه حیات، رفتار ما با طبیعت و محیط زیست پیرامونمان چگونه است؟ آیا ما حرمت درخت، رود و دریا که نعمت‌ها و نشانه‌های الهی است، نگه می‌داریم؟ آیا به خود آموخته ایم که به خاک، درخت و پرنده سلام کنیم و فقط به فکر لذت بدون حفظ حقوقشان نباشیم و اصلاً آیا رواست به موجوداتی که زندگی را برایمان شیرین می‌کنند، بی‌اعتنا باشیم؟

در ایام نوروز که طبق سنت دیرینه خانواده‌های ایرانی به خانه تکانی مشغولیم و با زدودن خاک و غبار از خانه و کاشانه خود به استقبال بهار رفته و در تعطیلات نوروزی به دامان طبیعت پناه می‌بریم، بر ماست که در راستای حفظ و حراست از محیط زیست و طبیعت کوشا باشیم تا برای تفریح و آرامش و یا رفع آلودگی از محیط زندگیمان، محیط زیست را آلوده و تخریب نکنیم.

در مبدأ تفکیک و بازیافت گردند.

«تفکیک از مبدأ پسماندها» مقوله بسیار مهم و حیاتی به ویژه در اقتصاد مقاومتی است که قطعاً نیازمند برنامه‌ریزی جامع و گسترده، فرهنگسازی، مشارکت مردم و تأمین زیرساخت‌های مدیریتی است که می‌تواند نقش بسزایی در استفاده مجدد و بازیافت زباله‌ها و نیز کاهش و ساماندهی پسماندها داشته باشد که کاهش مصرف منابع، حفظ و حراست از محیط زیست را نیز به دنبال دارد.

* مدیریت در مصرف انرژی و بهینه‌سازی آن گامی است مؤثر در جهت بقای انرژی و حرکت به سوی فردایی روشن از دیگر نکاتی که همواره در خانه‌تکانی‌ها و در ایام نوروز و بازار گرم دید و بازدیدها باید به آن توجه کرد، مصرف صحیح و بهینه انرژی و پیروی کردن از الگوهای صحیح مصرف برق و گاز است. چراکه استفاده درست و به جا از انرژی، نه تنها متضمن استمرار حیات و توسعه پایدار جامعه است بلکه منجر به بقای انرژی برای همگان و نسل‌های آتی و مانعی برای تولید و گسترش آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از مصرف نادرست انرژی خواهد بود.

* حفظ و حراست از محیط زیست؛ طراوت زندگی امروز و بقای فردا

نوروز و جشن نوروز، ایرانیان را با جلوه‌های آفرینش خداوند در طبیعت پیوند زده است این آئین تجلی اندیشه‌های ایرانیان در پاسداری و حفاظت از محیط زیست می‌باشد. همه باید تلاش کنیم برای تقویت حس همدردی با طبیعت تارهای وجود خود را به طبیعت گره بزنیم و چاره‌ای برای دردهای آشکار و نهان طبیعت بیاندیشیم و همواره در جهت حفظ و حراست از محیط زیست، الگوی مناسبی برای نسل‌های آینده باشیم. اهمیت این موضوع ما را بر آن می‌دارد که در جهت اعتلای فرهنگ حفاظت از محیط زیست به نکات زیر توجه ویژه داشته باشیم.

- سفرهای نوروزی نقطه عطفی در رویارویی انسان با مظاهر طبیعی است و در این میان ضرورت دارد که هنگام مسافرت، با همت و تلاش خود ضمن بهره‌مندی از این موهبت‌های الهی و ارزش‌های خدادادی با رعایت اخلاق طبیعت‌گردی و با بهره‌مندی از آموزه‌های دینی و اخلاق زیست محیطی، صیانت از جلوه‌های الهی را سرلوحه رفتار و منش خود قرار دهیم و در حفظ طبیعت و محیط زیست کوشا باشیم.

- هنگامی که در کنار رودها و دشت‌ها زیرانداز و سفره پهن می‌کنیم، مراقب رُستنی‌های زیر پای خود باشیم، چراکه گیاهان جان دارند و مهر و کین ما را حس می‌کنند؛ به کودکان خود بیاموزیم که گیاهان را نوازش کنند و هرگز به شاخه‌ها و تن

آن‌ها آسیب نرسانند.

- به کودکان خود یادآوری کنیم؛ جانوران اگر کوچک و ناتوان هستند، باید در پناه ما باشند و اگر نیرومند هستند باید از نزدیکی به آن‌ها پرهیز کرد. سنگ پرانی به پرندگان، لگدکوب کردن حشره‌هایی که روی زمین بار خود می‌برند، آسیب رساندن به آشیانه‌های طبیعی جانوران همگی جانور آزاری است که به باید از آن پرهیز شود.

- جلوگیری از شکار و صید حیات وحش و عدم حمل هرگونه سلاح، تبر، اره و تور صیادی از دیگر توصیه‌های زیست محیطی بوده که همواره باید مدنظر قرار دهیم. سزاوار است به جای شکار حیوانات و چیدن گل‌ها و گیاهان، از آنها عکس بگیریم و سالها از دیدن آن عکس لذت ببریم.

- در زمان حضور در طبیعت، تا حد امکان غذاهای آماده که نیازمند پخت مجدد ندارند؛ مصرف گردد و در صورت نیاز به آتش، از گاز پیک نیک همراه یا اجاق‌های تعبیه شده در طبیعت استفاده شود. از روشن کردن آتش در طبیعت و شکستن و سرشاخه درختان برای این امر خودداری گردد؛ چرا که علاوه بر تخریب محیط زیست، آلودگی هوا را نیز به دنبال دارد.

- کیسه مخصوص جمع‌آوری زباله را همراه خود داشته باشیم و در پایان روز زباله‌های تولیدی را به ایستگاه‌های مستقر در محل تحویل دهیم و زباله‌های خود را تحت هیچ شرایطی در جنگل، ساحل دریا، کنار چشمه‌های آب، دره‌ها و مناطق کوهستانی رها نکنیم.

- از بلند کردن صدای بلندگوهای پخش‌کننده‌هایی که سبب آلودگی صوتی می‌شوند، پرهیزیم. این کار ممکن است آرامش مردم بومی یا مسافران دیگران را به هم بریزد و کودکان خردسال ما را آشفته سازد.

در پایان باید بدانیم که ایام پرخیز و برکت نوروز، فرصت مغتنمی برای مهربانی و آشتی با طبیعت و محیط زیست است و مسافران نوروزی به منظور بهره‌مند شدن از محیط زیستی زیبا، سالم و با نشاط، پاسداشت طبیعت را مد نظر قرار دهند و با رعایت توصیه‌های زیست محیطی و بهداشتی با مأموران و کارشناسان حفاظت محیط زیست همکاری کنند.

نباید فراموش کرد که محیط زیست سالم جزو سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌شود و همه وظیفه داریم در حفاظت و نگهداری از این موهب طبیعی کوشا باشیم. پس بر آنیم؛ دیده بان طبیعت سرزمین خود باشیم و برای حفظ محیط زیست سرزمین پهناور ایران، احساس مسوولیت کنیم و به متخلفان تذکر دهیم.



سازمان تأمین اجتماعی؛ سازمانی پیشرو

دولت تأمین شده و متکی به بودجه عمومی دولتی نیست. به همین دلیل دارایی‌ها و سرمایه‌های آن متعلق به افراد تحت پوشش در نسلهای متوالی بوده و صیانت از منابع آن و ایجاد ارزش افزوده، همواره ضروری است. سازمان تأمین اجتماعی، به عنوان بزرگترین نهاد بیمه ای، اولین خریدار درمان و دومین تولیدکننده درمان کشور، بیش از ۴۲ میلیون نفر، یعنی بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور را تحت پوشش قرار داده و خدمات خود را از طریق دو بخش بیمه ای و درمانی ارائه می‌نماید. در حال حاضر در استان آذربایجان شرقی نیز اداره کل تأمین اجتماعی استان با تحت پوشش قرار دادن بیش از دو میلیون نفر بیمه شده اصلی و تبعی، یعنی ۵۳ درصد جمعیت استان، خدمات خود را از طریق ۲۸ شعبه اصلی، شش شعبه اقماری و شش کارگزاری رسمی به ۶۸۰ هزار نفر بیمه شده اصلی، ۱۴۸ هزار بازنشسته و مستمری بگیر اصلی و ۶۴ هزار کارگاه ارائه می‌نماید. اهم فعالیت‌های سازمان تأمین اجتماعی به شرح زیر می‌باشد:

مهربان و تسوج نموده و از این طریق توانسته است خدمات خود را در سطح وسیعتری به مردم شریف استان آذربایجان شرقی ارائه نماید.

ارائه خدمات الکترونیک

سازمان تأمین اجتماعی، متناسب با فعالیت و نیاز خود، همواره در حوزه IT پیشرو بوده است و لیکن طی دهه اخیر با شکافی مواجه بوده و در مقطعی، شاهد آن بوده ایم که همگام با نیاز مخاطبین حرکت ننمود و لیکن از سال ۱۳۹۳، توجه به گسترش خدمات غیرحضوری و توسعه فناوری نوین در سازمان تأمین اجتماعی به جد مورد توجه قرار گرفته و اکنون بسیاری از خدمات مرتبط با مخاطبین به صورت غیرحضوری و الکترونیک به مخاطبین عرضه می‌گردد.

ارسال لیست حق بیمه، دریافت برگ پرداخت حق بیمه، بیمه شدگان خاص، ابلاغ الکترونیکی احکام مطالباتی، مشاهده سوابق بیمه شدگان، صدور فیش حقوقی بازنشستگان و مستمری بگیران و صدور دفترچه درمانی متمرکز از جمله اهم اقدامات سازمان تأمین اجتماعی در حوزه گسترش خدمات الکترونیک طی سالهای اخیر بوده که با اقبال عمومی نیز مواجه شده و در مدت زمان کم، شاهد آن هستیم که اکثریت قریب به اتفاق مخاطبین از این خدمات بهره مند می‌گردند.

اجرای طرح ساختار نوین خدمات در شعب تأمین اجتماعی استان

سرمایه‌های انسانی به عنوان مهم‌ترین مزیت راهبردی هر سازمان خدماتی محسوب می‌شوند و لذا ارتقای کارایی و اثربخشی کارکنان با توجه به تنوع خدمات و افزایش افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی، ضرورتی است که بایستی مورد توجه قرار گرفته و با آینده‌نگری و بهبود مستمر و کارآمد فرآیندها، ساختاری تدوین شود تا همبستگی سازمانی را ارتقا بخشیده و اهداف سند چشم‌انداز سازمان، مبنی بر دستیابی به سازمانی پایدار، پویا، چابک و سرآمد در پاسخگویی با فرآیندهای هوشمند ارائه خدمات کیفی و بهنگام را با تغییر در روش و تفکر محقق نماید.

الزامات چشم‌انداز و برنامه راهبردی سازمان، حجم بالای مراجعات، خدمات، تراکنش‌ها، فعالیتها و فرآیندها، انتظارات خدمت گیرندگان و خدمت دهندگان، پیشگیری از اضمحلال سیستم، عدم استفاده متوازن از منابع موجب ایجاد تفکری در جهت پایه ریزی طرح ساختار نوین ارائه خدمات در سازمان تأمین اجتماعی گردید و بر اساس همین تفکر شعبه شش تبریز به عنوان مجری طرح پایلوت در کشور در شهریور ماه سال ۹۳ ایجاد و افتتاح شد، تا از این رهگذر ضمن بازنگری در ساختار ارائه خدمات، بستر مناسب جهت استفاده بهینه از فناوری اطلاعات و ارتباطات، کاهش قیمت تمام شده، توانمندسازی کارکنان و جانشین پروری و غنی‌سازی شغلی همکاران فراهم آید. در حال حاضر طرح ساختار نوین ارائه خدمات به پنج شعبه اسکو، میانه، اهر، جلفا و شبستر نیز تعمیم یافته و همزمان با دهه فجر سال ۹۵ نیز سیستم نوبت دهی در شعبه اسکو به عنوان اولین شعبه مجهز به سیستم نوبت دهی در سطح استان راه اندازی گردید.

پرداخت ماهانه بیش از ۱۴۰ میلیارد تومان از بابت تعهدات سازمان

در استان آذربایجان شرقی بالغ بر ۱۴۸ بازنشسته و مستمری بگیر اصلی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی بوده و ماهانه بالغ بر ۱۴۰ میلیارد تومان از بابت تعهدات بلند مدت به این عزیزان پرداخت می‌شود. بازنشستگی‌های پیش از موعد و نیز عدم اجرای جامع قانون مشاغل سخت و زیان آور مبنی بر کاهش و حذف عوامل سخت و زیان

تأمین اجتماعی به استناد یافته‌های اجتماعی و تاریخی در ایران سابقه چند هزار ساله دارد و حتی در دوره‌های به جای مانده از ایران قبل از اسلام، وجود نوعی از حمایت‌های اجتماعی از قبیل غرامت دستمزد ایام بیماری و حوادث یافت شده است و همچنین بررسی آیات و روایات، نشان می‌دهد که در دین اسلام نیز مفاهیم و کارکردهای نظام تأمین اجتماعی مورد توجه جدی بوده است. تأمین اجتماعی به عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار، حقیقتی انکارناپذیر است که تمامی اقتصادهای پویای دنیا بر آن اذعان دارند، چرا که تأمین اجتماعی به مثابه ابزار توزیع مجدد درآمدها، مظهر استقرار و تضمین امنیت و عدالت اجتماعی و موجب آرامش خاطر و عزت نفس در افراد، می‌تواند نقش به‌سزایی در حمایت از مردم در برابر مخاطرات ناشی از بحرانهای اقتصادی و اجتماعی ایفا نماید. براساس قانون، سازمان تأمین اجتماعی یک نهاد عمومی غیر دولتی است که بخش عمده منابع مالی آن از محل حق بیمه با مشارکت بیمه شده، کارفرما

پالایش بیمه شدگان، گامی در جهت احقاق حقوق مشمولین واقعی

سازمان تأمین اجتماعی طی سنوات گذشته به علت تصویب و اجرای برخی قوانین و مقررات، بدون تأمین و پرداخت منابع مالی، شاهد تغییر روند بیمه پردازی از بیمه‌ای اجباری به بیمه شدگان خاص بوده و این امر موجب افزایش مطالبات عمومی و نیز عدم تخصیص هدفمند و مطلوب منابع دولتی می‌گردید. لذا از سال ۱۳۹۳، طرح پالایش بیمه شدگان خاص از جمله بیمه شدگان قالی باف و کارگران ساختمانی در دستور کار اداره کل استان قرار گرفته و از این طریق ضمن احقاق حقوق مشمولین واقعی قانون، موجبات تخصیص بهینه و منطقی بالغ بر ۱۴۵ میلیارد تومان از منابع هدفمندی یارانه‌ها فراهم آمده است.

ایجاد هشت شعبه اصلی و اقماری طی سه سال

اداره کل تأمین اجتماعی استان آذربایجان شرقی در راستای توسعه جغرافیایی و افزایش سطوح دسترسی مخاطبین به خدمات سازمان، با توجه به افزایش تعداد بیمه شدگان و گسترش پتر بیمه‌ای، طی سه سال اخیر اقدام به ایجاد چهار شعبه اصلی شش تبریز، ایلخچی، ورزقان و هادی شهر و نیز ایجاد چهار شعبه اقماری خسروشاه، خدآفرین،



بهره برداری از طرح نوین ارائه خدمات و سیستم نوبت دهی در شعبه اسکو با حضور معاون اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی



▲ حضور مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در جلسه اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با تشکلهای کارفرمایی استان

نه تنها نقش به سزایی در شکل دهی اقتصاد مقاومتی ایفا می نماید بلکه با توجه به فعالیت خود در حوزه بیمه ای، درمانی و سرمایه گذاری، بدون تکیه به منابع دولتی به عنوان نمود عینی از اقتصاد مقاومتی محسوب می شود که توانسته است با سازوکارهای خود، در مقابل تمامی تکانه و چالشها، مقاومت نموده و تعهدات خود را به هنگام به انجام رساند.

حمایت از تولید داخلی

در شرایط دشوار اقتصادی کشور، بهترین راه حل خروج از رکود و کمک به اقتصاد، حمایت از تولید داخلی و کارفرمایان تولیدی و صنعتی با تکیه بر سیاستهای اقتصاد مقاومتی می باشد. تولیدی که به دلایل گوناگون دچار نقصان و رکود گردیده و با مشکلات عدیده ای چون عدم دسترسی به بازارهای جهانی، تحریم ظالمانه در خصوص واردات کالای سرمایه و واسطه ای، بحران های سیاسی و اقتصادی منطقه ای و ... دسته و پنجه نرم می کند نیازمند حمایت و پشتیبانی سازمانها و نهادهای مرتبط می باشد. در همین راستا سازمان تامین اجتماعی بخشودگی جراثم را طی سه سال اخیر، سه بار اجرایی نموده و اخیراً نیز قانون بخشودگی جراثم کارفرمایان خوش حساب با شرایط سهل تر جهت بهره مندی کارفرمایان واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی و خدماتی فراهم آمده و تا ۱۳۹۶/۱/۲۶ قابل اجرا خواهد بود و امیدوار هستیم ۱۵۰ میلیارد تومان جراثم حق بیمه موجود در استان با بهره مندی از این قانون بخشودگی، در تولید و اشتغال هزینه شوند.

سازمان تامین اجتماعی با حاکمیت تدبیر و با تکیه بر توان و ظرفیتهای کارشناسی سازمان، ضمن ایجاد تغییرات اساسی و اصلاح آیین نامه، بخشنامه و فرآیندهای کاری، گامهای بلندی در جهت ارائه خدمات غیرحضور و تسهیل امورمخاطبین برداشته و امید است با عقلانیت حاکم بر سازمان، شاهد سازمانی توانمند، دانش مدار و پاسخگو در خور شأن مردم عزیز میهن اسلامی ایران باشیم.



▲ برگزاری کارگاههای گفتن سازی مباحث بیمه و تامین اجتماعی، مبتنی بر اقتصاد مقاومتی

آور، موجب تحمیل هزینه های گزافی بر سازمان شده و موجب شده است که تعهدات سازمان از رقم ۸۴۲ میلیارد تومان در سال ۹۱ به رقم ۱۷۴۳ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۴ افزایش یابد.

ضریب پشتیبانی یا حمایت (تعداد بیمه شدگان به مستمری بگیران) به عنوان یکی از شاخصهای پایداری سازمان، طی سالهای اخیر روند کاهشی شدیدی داشته و در حال حاضر رقم ۶۰۳ می باشد که این رقم به عنوان زنگ خطری برای سازمانها و صندوق های بازنشستگی تلقی می شود و ضرورت دارد تا علاوه بر تامین منابع پایدار، در جهت مدیریت مصارف و نیز بازنگری در قوانین بازنشستگی های پیش از موعد، اقدام عاجل صورت پذیرد.

فرهنگ سازی و تعامل سازنده با شرکای اجتماعی، مورد تأکید سازمان است

یکی از نخستین اقدامات سازمان تامین اجتماعی در دولت تدبیر و امید، احیای معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان است که نشان از توجه ویژه تیم مدیریتی سازمان به مقوله فرهنگ سازی و ارتقای تعامل با شرکای اجتماعی سازمان دارد.

سازماندهی نظام تعامل و ارتباط با شرکای اجتماعی و برگزاری جلسات و نشستهای مختلف با مسئولان تشکلهای صنعتی، کارگری، کارفرمایی و بازنشستگان، از جمله مهم ترین راهبردهای مورد توجه در سازمان بوده و در سطح استانی نیز این مهم به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته و تداوم دارد.

در همین راستا جلسات آموزشی آشنایی با قوانین و مقررات به دفعات و به صورت مدون با همکاری تشکلهای کارفرمایی و کارگری استان برگزار گردیده و در سال ۱۳۹۵ نیز با درک صحیح از شرایط آتی، سازمان تامین اجتماعی اقدام به برگزاری بازدیدهای دانش آموزی از شعب تامین اجتماعی نموده و تا کنون بالغ بر هزار نفر از دانش آموزان مقطع اول و دوم دبیرستان که در آینده ای نزدیک وارد بازار کار خواهند شد، با حضور در شعب تامین اجتماعی با خدمات سازمان آشنا شده اند.

سازمان تامین اجتماعی، نمود عینی اقتصاد مقاومتی

انعطاف پذیری اقتصاد و امنیت شغلی دو بال بازار کار برای توسعه اقتصادی کشور است، و در صورت ایجاد تعادل بین مطالبات کارفرمایان و کارگران و انعطاف پذیری اقتصاد، شاهد تحقق عدالت اجتماعی که همانا رویکرد اصلی سازمان تامین اجتماعی است خواهیم بود.

سازمان تامین اجتماعی برای تمامی بندهای سیاستهای اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) دارای برنامه است و در راستای تحقق این سیاستها و شکل دهی اقتصاد مقاومتی، کارگاههای گفتن سازی مباحث بیمه و تامین اجتماعی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی با همکاری دانشگاههای استان در فضای علمی و پژوهشی طی سه سال اخیر برگزار گردید.

سازمان تامین اجتماعی به عنوان سازمانی تأثیرگذار در مناسبات اجتماعی و اقتصادی کشور، با بهره گیری از منابع پیش بینی شده در قانون، بالغ بر هفت درصد بازار سرمایه کشور را در اختیار دارد و با سرمایه گذاری در صنایع پیشرو و دانش بنیان



سازمان خصوصی سازی

● مقدمه

دولت تدبیر و امید در دستور کار سازمان خصوصی سازی قرار گرفته است که اجرای آنها گام مؤثری جهت رفع چالشهای یاد شده بوده است. به طوریکه با استفاده از برنامه ریزی های صورت گرفته، ۲۸ درصد ارزش کل واگذاریهای صورت گرفته طی سالهای ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۵/۱۱/۰۸، در زمان فعالیت دولت یازدهم صورت گرفته است.

بر اساس اقدامات صورت گرفته، این سازمان برنامه های گسترده ای در دست اجرا دارد که مهم ترین برنامه های پیش روی این سازمان عبارتند از: «انجام فرآیند واگذاری و همچنین پیشنهاد به هیات واگذاری جهت تعیین تکلیف حدود ۲۰۰ شرکت که به همراه بنگاهها و داراییهای زیرمجموعه در برگیرنده تقریباً ۳۰۰ بنگاه می باشند»، «افزایش سهم بخش خصوصی واقعی از واگذاریها با هدف افزایش کارایی بنگاهها»، «ارزیابی عملکرد و آسیب شناسی شرکتهای واگذار شده»، «اجرای طرح توزیع سهام عدالت و اتمام طرح یاد شده» و «عرضه سهام در بازارهای مالی منطقه ای و بین المللی». امید است برنامه های یاد شده در پیشبرد هرچه بهتر اهداف مترتب بر برنامه خصوصی سازی کشور موثر واقع شوند. در ادامه به صورت خلاصه به مقایسه واگذاریها در دولت یازدهم (تدبیر و امید) با قبل از آن و برنامه ها و چالش های پیش روی سازمان خصوصی سازی می پردازیم.

سازمان خصوصی سازی به عنوان تنها نهاد مجری سیاستهای اقتصادی دولت در زمینه اجرای برنامه خصوصی سازی، در راستای ابلاغیه مقام معظم رهبری پیرامون سیاستهای کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون اجرای سیاستهای یاد شده؛ و با اهداف «کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی»، «گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی» و «ارتقای کارایی بنگاه های اقتصادی»، برنامه هایی را ترسیم و به منصه اجرا گذارده است. در واقع ابلاغیه و قانون مذکور موجب شد تا موضوع خصوصی سازی که قبل از آن به صورت پراکنده در برخی قوانین بدان پرداخته می شد، به صورت فرآیندی منسجم و یکپارچه با چارچوب و اهداف تعیین شده در دستور کار دولت قرار گیرد. بنابراین خصوصی سازی در سالهای پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل (۴۴) قانون اساسی با سرعتی فزاینده و عملکردی درخور توجه، به پیش رفته است.

لیکن طی سالهای اخیر، شرایط اقتصادی و همچنین شرایط سیاسی از قبیل تحریمها، چارچوب قوانین بودجه سنواتی و سیاستهای دولتهای گذشته، بر عملکرد واگذاریها اثر گذار بوده است؛ به طوریکه اجرای برنامه خصوصی سازی کشور را با چالشهایی همراه نموده است. با این وجود برنامه های عملیاتی و اجرایی متعددی در

نماید. آمار مقایسه ای ارزش کل واگذاریها در دولت یازدهم (۱۳۹۲/۰۷/۰۱ لغایت ۱۳۹۵/۱۱/۰۸) نسبت به دوره ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۲/۰۶/۳۱ (دولتهای پیشین)، به شرح جدول ذیل، نشان می دهد طی دولت یازدهم ارزشی معادل ۴۰۸،۸۱۶ میلیارد ریال از سهام و دارایی های متعلق به دولت و شرکتهای دولتی واگذار شده است که این میزان واگذاری معادل ۴۰٪ ارزش کل واگذاریهای انجام یافته در دولتهای قبل و از ابتدای تاسیس سازمان خصوصی سازی در سال ۱۳۸۰ می باشد.

۱- عملکرد مقایسه ای سازمان خصوصی سازی در دولت یازدهم نسبت به دولت های گذشته براساس نوع واگذاری

سازمان خصوصی سازی در راستای انجام وظایف قانونی موفق شده است از ابتدای سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۵/۱۱/۰۸، ارزشی معادل ۱،۴۳۵،۲۶۴ میلیارد ریال از سهام و دارایی های متعلق به دولت و شرکت های دولتی را به بخش غیر دولتی واگذار

جدول شماره (۱): عملکرد مقایسه ای سازمان خصوصی سازی در دولت یازدهم نسبت به دولت های گذشته براساس نوع واگذاری (ارقام به میلیارد ریال)				
نوع واگذاری	قبل از دولت یازدهم لغایت ۱۳۸۰ (۱۳۹۲/۰۶/۳۱)	دولت یازدهم لغایت ۱۳۹۲/۰۷/۰۱ (۱۳۹۵/۱۱/۰۸)	جمع کل	نسبت عملکرد دولت یازدهم به دوره قبل از آن
عرضه و فروش سهام یا دارائی به عموم متقاضیان	۵۸۲،۸۰۸	۲۴۹،۲۰۱	۸۳۲،۰۰۹	٪۴۲
واگذاری سهام یا دارائی به شیوه انتقال مستقیم به اشخاص حقیقی و حقوقی طلبکار از دولت	۱۵۶،۸۶۰	۱۴۵،۵۹۲	۳۰۲،۴۵۱	٪۸۸
انتقال مستقیم سهام یا دارائی بابت سهام عدالت	۲۸۶،۷۸۰	۱۴،۰۲۳	۳۰۰،۸۰۴	٪۵
جمع کل	۱،۰۲۶،۴۴۸	۴۰۸،۸۱۶	۱،۴۳۵،۲۶۴	٪۴۰

سال قبل از استقرار دولت یازدهم حداکثر ۱۸ درصد بوده است. این موضوع در ابتدای استقرار دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ مورد آسیب شناسی جدی قرار گرفت و اقدامات اصلاحی در نیمه دوم سال ۱۳۹۲ توسط هیات محترم وزیران جهت رفع این آسیب صورت پذیرفت. مطابق آمار موجود، طی فعالیت دولت یازدهم سهم بخش خصوصی واقعی در حال افزایش بوده و این سهم به نحو چشمگیری بهبود یافته است (به شرح جدول شماره (۲)).

۲- عملکرد مقایسه ای سازمان خصوصی سازی در دولت یازدهم نسبت به دولت های گذشته، براساس ماهیت خریداران

از جمله ایرادات بر عملکرد خصوصی سازی در سال های گذشته، ماهیت حقوقی خریداران و سهم پایین بخش خصوصی واقعی بوده است به نحوی که سهم بخش خصوصی واقعی از کل واگذاری ها در خوش بینانه ترین حالت طی دوازده و نیم

جدول شماره (۲): مقایسه ماهیت خریداران بنگاه ها در دولت یازدهم، نسبت به دولت های قبل (ارقام به درصد)

دوره واگذاری	بخش خصوصی واقعی	سهام عدالت	سایرین (شامل رددیون دولت و نهادهای عمومی و شبه دولتی)	جمع کل
قبل از دولت یازدهم (۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۲/۰۶/۳۱)	٪۱۸	٪۲۸	٪۵۴	٪۱۰۰
دولت یازدهم - سال ۱۳۹۳	٪۸۹	٪۵	٪۶	٪۱۰۰
دولت یازدهم - سال ۱۳۹۴	٪۵۴	۰	٪۴۶	٪۱۰۰
دولت یازدهم - ۱۳۹۵/۱۱/۰۸ لغایت ۱۳۹۵/۱۱/۰۸	٪۶۰	۰	٪۴۰	٪۱۰۰

۳- عملکرد مقایسه ای سازمان خصوصی سازی در دولت یازدهم نسبت به دولت های گذشته بر اساس بازار عرضه

واگذاریها به روش برگزاری مزایده های غیربورسی، ۱۲ درصد از روش فرابورس و ۰،۲ درصد از طریق مذاکره صورت گرفته است (جدول شماره (۳)). در این میان ۵۰ درصد واگذاریها در دولت یازدهم از طریق بورس و فرابورس بوده است و ۵۰ درصد واگذاریها از طریق مزایده بوده و در این دوره هیچگونه واگذاری از طریق مذاکره با خریداران صورت نگرفته است.

از ۱،۴۳۵،۲۶۴ میلیارد ریال سهام و دارایی واگذار شده طی بازه زمانی ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۵/۱۱/۰۸، ۴۸ درصد واگذاریها از طریق بورس، ۳۹ درصد از

جدول شماره (۳): عملکرد مقایسه ای سازمان خصوصی سازی در دولت یازدهم نسبت به دولت های گذشته بر اساس بازار عرضه (ارقام به میلیارد ریال)

بازار عرضه	قبل از دولت یازدهم (۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۲/۰۶/۳۱)		دولت یازدهم (۱۳۹۵/۱۱/۰۸ لغایت ۱۳۹۲/۰۷/۱)		نسبت به کل
	ارزش	نسبت به کل	ارزش	نسبت به کل	
بورس	۵۳۱،۹۵۷	٪۵۱،۸۰	۱۵۷،۲۹۱	٪۳۸	٪۴۸
فرابورس	۱۳۲،۹۵۶	٪۱۳،۰۰	۴۸،۱۸۵	٪۱۲	٪۱۳
مذاکره	۳،۰۳۸	٪۰،۳۰	۰	٪۰	٪۰
مزایده	۳۵۸،۴۹۶	٪۳۴،۹۰	۲۰۳،۳۴۲	٪۵۰	٪۳۹
جمع	۱،۰۲۶،۴۴۸	٪۱۰۰	۴۰۸،۸۱۶	٪۱۰۰	٪۱۰۰

۴- عملکرد سازمان خصوصی سازی در دولت یازدهم در راستای طرح توزیع سهام عدالت

ارزش سهام واگذار شده
 * تصمیم گیری در خصوص افراد جامانده از طرح یا متقاضیان جدید مبنی بر لزوم اخذ تصمیم از سوی مرجع قانون گذاری در آینده
 * راه اندازی و رونمایی پایگاه اطلاع رسانی سهام عدالت به آدرس الکترونیکی www.samanese.ir و فراهم کردن بستر لازم جهت راه اندازی سامانه الکترونیکی تعامل با مشمولین سهام عدالت قبل از پایان سال جاری، به منظور انجام موارد زیر:
 * اعلام آخرین وضعیت سهامداری افراد و مشمول بودن آنها در طرح
 * مشاهده صورتحساب توسط مشمولین تا پایان سال جاری مبنی بر اعلام اقساط تسویه شده، مانده تسویه نشده و سهام تعلق گرفته
 * فراهم کردن امکان پرداخت الکترونیکی مانده اقساط تسویه نشده به حساب خزانه داری کل کشور برای هر مشمول سهام عدالت
 * زمینه سازی اجرای عملیات آزاد سازی سهام عدالت در سال آتی

مهم ترین اقدامات سازمان خصوصی سازی در ارتباط با طرح توزیع سهام عدالت در دولت یازدهم عبارتند از:
 * اخذ مصوبه شورای عالی اجرای سیاستهای کلی اصل (۴۴) قانون اساسی پیرامون ساماندهی مشمولین
 * پالایش و به روز رسانی اطلاعات مشمولین سهام عدالت و تعیین تکلیف موارد مهمی از جمله:
 * وضعیت سهامداری افراد فوت شده بدین ترتیب که فوت شدگان کماکان مشمول سهام عدالت محسوب می شوند و وراث قانونی آنها از مزایای طرح برخوردار خواهند شد
 * تعیین مشمولین واجد شرایط جهت بهره مندی از تخفیف ۵۰ درصدی در

۵- برنامه ها و اقدامات پیش روی سازمان خصوصی سازی

اقساط تسویه نشده توسط مشمولینی که مایل به دریافت سهامی معادل ارزش کامل سهام تخصیص یافته در ابتدای طرح، می باشند.
 - گام دوم: تعیین تکلیف سود سهام دریافتی از شرکتهای سرمایه پذیر بابت عملکرد دوره مالی ۱۳۹۵ و پس از آن (باتوجه به پایان دوره ده ساله اجرای طرح)
 - گام سوم: واگذاری سهام به مشمولین و امکان معاملاتی شدن سهام
 * استمرار برنامه نظارت بر خریداران شرکتهای واگذار شده و عملکرد آنان در خصوص اجرای تعهدات قراردادی خود و همچنین ارزیابی عملکرد شرکتهای واگذار شده و تعیین شرکتهای برتر در زمینه خصوصی سازی

مهم ترین برنامه های پیش روی این سازمان عبارتند از:
 * تکمیل فرآیند واگذاری و تعیین تکلیف سهام یا بنگاههای دولتی باقیمانده و مشمول واگذاری که به همراه بنگاهها و داراییهای زیرمجموعه آنها در برگزیده تقریباً ۳۰۰ بنگاه می باشند.
 * ساماندهی طرح توزیع سهام عدالت:
 - گام اول: ارائه صورتحساب به کلیه مشمولین و فراهم آوردن امکان پرداخت

آرم و لوگوی ۵۰۰ شرکت برتر حاضر در چهارمین دوره طرح ایران تک
(برترین شرکت های منطقه شمالغرب) - مهر ماه ۱۳۹۵



- | | | | | | |
|---|---|---|--|---|---|
| 
خروف یکبار مصرف گلد | 
طراوت | 
DONORAMA | 
FNT | 
آرد بهاران | 
Hefaz |
| 
پال آذرن | 
حاج عبداله | 
صوت نایب | 
فولاد مهرنهاد | 
بزم نیا | 
MANGAR TOWER |
| 
SILWAN | 
Delara | 
دوس | 
فولاد لندران | 
شیرین آرد | 
REZVAN |
| 
تارا صنعت ایرانیان | 
کوشک | 
پیرکار ایرانیان | 
فولاد کاران فولاد غرب | 
شرکت صنایع پارس | 
SJT |
| 
ARJ PLASTIC | 
کهرز صنعت شرق | 
شرکت پارس پلاستیک | 
PETRO PIRAMOON CO | 
شرکت صنایع پارس | 
SBT |
| 
Atlas Iran Sahan Paint Co.L | 
NAF | 
NVID MOTOR | 
شرکت صنایع پارس | 
آریاک آذ | 
آرد ماز |
| 
آریان | 
لکین کام پارس | 
ایشلی | 
آز پلاست راضی | 
کارون ساختمانی | 
آسانت |
| 
سهند بافت آذشهر | 
مازان پلاست تبریز | 
پارس آریا | 
خدمات نوبری | 
سید گدازی استان آذربایجان شرقی | 
سوتچی لر |
| 
سوزان | 
صنعت غذایی سالم میترند | 
کارون انصار تبریز | 
تین میشرود | 
مجتمع نور دما آب آذربایجان | 
ماهوت YACHT |
| 
سهند توان تبریز | 
شرکت پارس پلاستیک | 
WEEK | 
آرد ماز | 
شرکت طرح صنایع پارس | 
پدلا تجارت این |
| 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
پارس کوحراسان | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس |
| 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
گروه آرد چهارم | 
کین دلا غرب | 
SAZERAHE SABA | 
شرکت صنایع پارس |
| 
PARLAR | 
آری بی بهداشتی کامل طلا | 
شرکت صنایع پارس | 
تجارت کولان تبریز | 
آذ اتانق | 
PlasticKar |
| 
SAVACO | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس |
| 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس | 
شرکت صنایع پارس |

Job_Azərbaycan_Coşma_Bu... Job_Azərbaycan_Coşma_Bu... Job_Azərbaycan_Coşma_Bu... Job_Azərbaycan_Coşma_Bu... Job_Azərbaycan_Coşma_Bu...

آرم و لوگوی ۵۰۰ شرکت برتر حاضر در چهارمین دوره طرح ایران تک (برترین شرکت های منطقه شمالغرب) - مهر ماه ۱۳۹۵



	SEPIDAZARAN		latrin
	ایران پتروشیمی		توندی پتروشیمی
	میان همایا		وحدت تلاش کارارس
	Tansu		یازده قنات کهرکس
	شیرین عمل		آراس
	ساری گول و یوغ		SUN AHMAD
	TALIA		Naron
	پاک اندیشان		پارا پلاستیک
	بنی شایان		کوشک خات آرد
	فوله فرزون کهراب		TST
	کوشک خات مکیان		تکخانه
	زوم کاکون		Polyworld
	کونی بانی انزاب توسج		FAC
	مارال تریلر		نوشه طهایه شروود
	رشکار نوهی (قد آوین نوهی)		توندی پتروشیمی
	AZAR BATTERY		آدوین
	Sun Sun Shahd		Sun Sun Shahd
	قداروویه		آداک بتون
	فردای آزادگان		آداک بتون

همارا سیستم

اینترنت بی‌سیم SKY

ویژه واحدهای تجاری و صنعتی

شرکت برتر حوزه خدمات شبکه و IT در طرح ایران تک



برترین شرکت‌های
منطقه آذربایجان
Top Azerbaijan Companies



100%

پوشش کامل بافت شهری تبریز
مجتمع‌های اداری-تجاری و
شهرک‌های صنعتی حومه تبریز



100 Mbps

سرعت ثابت و متقارن
حداکثر نرخ انتقال
کمترین زمان پینگ



ارتباط مستقیم بدون نیاز به خط تلفن
اتصال دائمی بدون قطعی و نویز
اتصال شبکه دفتر و شعب سازمان‌ها و کارخانه‌ها



از ابتدا همراه شما بوده‌ایم... این پیامی است که ما را همواره در کنار مخاطبان و کاربرانمان قرار داده است.

هماراسیستم فعالیت‌های خود را از سال ۱۳۷۴ در زمینه ارائه راهکارهای فناوری اطلاعات و طراحی، پیاده‌سازی و پشتیبانی از شبکه‌های کامپیوتری آغاز کرده است و ایجاد و مدیریت گسترده‌ترین شبکه اینترنت با مرکزیت بومی را در کارنامه خود دارد.

در حال حاضر هماراسیستم گستره خدمات اینترنت خود را علاوه بر آذربایجان شرقی به ۵ استان همجوار توسعه داده است.

تمرکز ما بر ارائه خدمات با استانداردهای بالا با بهره‌گیری از تلاش نیروهای متخصص و توانمند در جهت جلب رضایت مشتری است.

WWW.HAMARA.IR

041-3139

دارای پروانه ISDP به شماره ۱۰۲-۱۰۰۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی



ارائه دهنده اینترنت لایزر
در شمال غرب کشور

دارای پروانه FCP به شماره ۴۵-۹۴-۱۰۰۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

لایزر

شرکت برتر در طرح ایران تک



شرکت نمونه کیفی سازمان ملی استاندارد



تولید کننده
قیر و عایق‌های رطوبتی



AzarBam

شرکت آذر بام عایق کار

☎ ۰۴۱-۳۴۲۴۹۲۲۱-۷

www.azarbam.com

بیان

آژانس تبلیغات



سخنی از مدیر عامل – پیام شاملی

کانون تبلیغاتی بیان ، از زیرمجموعه های تخصصی شرکت تبلیغاتی سخن میباشد که بطور خاص، در زمینه نوآوری و ارتقاء سطح کیفی و بصری تبلیغات محیطی و مبلمان شهری فعالیت مینماید.

کانون تبلیغات سخن نیز در سال ۱۳۸۲ پا به حوزه خدمات تبلیغی و تبلیغات محیطی گذاشته است ، از سال ۱۳۸۴ به بعد با حضور قدرتمند در مزایده بهره برداری از فضاهای تبلیغاتی و با مدیریت موفق این فضاها به عنوان مشاوره و مجری پیشرو تبلیغات محیطی عرض اندام نموده ، با تکیه بر کاردانی کادر جوان و فعال و بهره گیری از سایتهای مجهز طراحی و چاپ عریض موفق به جلب اعتماد سریع سایر فعالین صنف و نیز خوشنام ترین برندهای ملی و کشوری برای مشاوره و اجرای کمپین های تبلیغاتی در کشور گردیده است همچنین به پشتوانه تجربه موفق در کارشناسی ، مدیریت و بهره ور کردن فضاهای تبلیغاتی با ورود به عرصه سرمایه گذاری در حوزه طراحی و اجرای توسعه و سازماندهی فضاهای تبلیغاتی شهر ، افق جدیدی در پهنه فعالیت های تخصصی خود باز نموده ، و امیدوار به سهم گیری در بالندگی و رشد فعالیت های این صنف می باشد .

لازم به ذکر است شرکت تبلیغاتی سخن در سطح ملی و منطقه ای با بهره گیری از مجموعه ها و شرکتهای همکار (بعنوان شریک تجاری)، در استانهای مختلف و دفتر متمرکز در پایتخت ، در عرصه کارشناسی ، مشاوره ، طراحی ، ساخت و تعریف انواع مدیای تبلیغاتی به طور گسترده در حال اجرا ، رایزنی و فعالیت می باشد .

اهم فعالیت های بخش سرمایه گذاری این مجموعه در سطح کشوری ، در یک نگاه کلی، به شرح ذیل بوده است :

اجرای بیش از ۱۷۵۰ متر مربع فضای تبلیغات محیطی بیلبورد در سطح شهر تبریز ، اجراء ، فضا سازی و سازماندهی انواع فضاهای تبلیغات محیطی اعم از اجرای پروژه : لمپست بنر (بعنوان نماینده انحصاری اجرای پروژه لمپوست بنر در شهرستانها) ، استند و بیلبوردهای مختلف در شهرهای : بیرجند - بندر عباس - همدان - ارومیه - اردبیل - کرمانشاه و

تعریف فضاهای جدید و مدرن و کاربردی برای اولین بار در ایران بنام استند لایت باکس و اجرای آن در سطح شهرهای : تبریز ، همدان ، بیرجند ، بندر عباس ، و استقبال قابل قبول عموم آگهی دهندگان بجهت ارزانی و در دسترس بودن این فضاها در کلیه مناطق شهر و کشور ، و نیز مسئولین به دلیل تاثیرگذاری فراوان در پاکسازی سطح شهر بعنوان جایگزینی مناسب برای پوستر وسایر آلاینده های بصری که بر در و

مشاوره تبلیغات محیطی ارائه و اجرای کمپین های تبلیغات کشوری برندینگ و مارکتینگ اجرای طرح های جدید تبلیغاتی

اجرای پل مکانیزه عابر پیاده در محوریت رفاه حال شهروندان عزیز معوض عودت سرمایه گذاری و تعمیر نگهداری آن با استفاده تبلیغاتی از پیشانی پل .

طراحی و بومی سازی ایستگاه های اتوبوس که تاثیر فراوانی در زیبایی و نظم شهری داشته و عاملی اساسی در رفاه حال عموم مردم با بهره برداری از فضای تبلیغاتی استاندارد تعبیه شده می باشد .

طراحی و امکان سنجی های اولیه برای اجراء و بهره برداری سازه های پانل شهری (استرabort) جدید.

اجرای طرح های ویژه تبلیغاتی نظیر بالن های تبلیغاتی ، و

ارائه طرح های مطالعاتی و امکان سنجی های تخصصی در راستای همکاری با ارگانها و سازمانهای دولتی پیرامون ارتقا،

کمی و کیفی بصری در سطح کلانشهر ها و همسان سازی مبلمان شهری با اصول و ایده آل های نوین جهانی .

این مجموعه با مشارکت شرکت ایما نقشینه تهران، مشترکاً اقدام به ساخت، اجراء و نهایتاً بهره برداری فضاهای

تبلیغاتی مدرن در کلانشهرهای تهران، رشت ، کرمانشاه ، بندر عباس ، ارومیه ، اردبیل ، بیرجند ، و همدان نمود و

با سرمایه گذاری های کارشناسانه ، طیف گسترده ای در تبلیغات محیطی شهرهای مذکور را تعریف نمود.

کنون سخن ، به عنوان یکی از اولین بنیانگذاران صنعت تبلیغات محیطی در شمالغرب کشور و استان

آذربایجانشرقی با همکاری و بکارگیری گروهی از متخصصین و طراحان زبده تا کنون از دیگر زیر شاخه های تخصصی

شرکت سخن، میتوان به کانون تله تبلیغ اشاره نمود . این کانون در سال ۱۳۸۹ در زمینه تبلیغات محیطی شروع

به فعالیت نمود. پس از به انجام رساندن پروژه های مختلف تبلیغاتی در سطح ملی و همکاری با شرکتهای متعدد

بزرگ خارجی ، با در اختیار داشتن بیش از ۹۰ دستگاه بیلبورد و عرشه پل ، بیلبوردهای جاده ای (جاده ترانزیت

تبریز به ترکیه) ، ۱۲ دستگاه بالون در عرض خیابان (طاقی) ، و نیز تعداد نامحدودی بالون های ایستاده (قابل

اجراء در محل های مورد درخواست مشتری بصورت موقت یا طولانی مدت) ، در فضای تبلیغاتی پاسخگوی مشتریان

می باشد مهمترین فعالیتها و خدمات قابل ارائه عبارتند از : بیلبوردهای تبلیغاتی، استند های محیطی ، المانهای

مختلف در مبلمان و زیباسازی شهری ، فناوری LED در محیط های شهری ، طراحی و ساخت تابلوهای فروشگاه ها و

هایپر مارکت ها (برای برندهای مطرحی همچون صحت و ...) ، طراحی و چاپ عریض حرفه ای ،

برگزاری همایشها و کنفرانسها ، مشاوره و برنامه ریزی تخصصی ، تحقیقات و مطالعات بازاریابی

و فروش ، ایده پردازی موفقیت فروش ، برندسازی و نهادینه کردن برند ، مدیریت و

اجرای کمپین های اطلاع رسانی و تبلیغاتی و

دفتر مرکزی:
تبریز، چهارراه منصور
شهید بهشتی، برج ابریشم،
طبقه پنجم، واحد سوم
۰۴۱-۳۵۵۹۵۲۷۸-۸۰



شرکت بنیاد بتن آذرآبادگان

شرکت بنیاد بتن آذرآبادگان

وابسته به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی



تولیدکننده: بتن آماده، جدول، کفپوش، خرپا و تیرچه صنعتی
بلوک چهار جداره و انواع قطعات بتنی - شن و ماسه مخصوص بتن

دارنده علامت استاندارد ملی ایران برای کلیه محصولات

تلفن دفتر فروش: ۰۴۱-۳۶۵۸۰۳۱۱-۱۲



سیستم مدیریت کیفیت



سیستم مدیریت کیفیت



سیستم مدیریت محیط زیست



سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت

www.bonyadbeton-az.ir

info@bonyadbeton-az.ir



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده‌گی‌های شمالغرب



دوره مدیریت حرفه ای کسب و کار

(Doctorate of Business Administration)

مخاطبین دوره

مدیران ارشد و میانی بنگاه‌های اقتصادی - مشاوران ارشد کسب و کار - کارشناسان ارشد بنگاه‌های تولیدی و خدماتی

هدف دوره

هدف اصلی این دوره تربیت مدیران حرفه ای و آینده نگر است تا با دانش و مهارت‌های مدیریت کسب و کار آشنا شوند و بتوانند در تدوین جهت‌گیرهای راهبردی و همچنین حل مسائل واقعی محیط کار موثر باشند. این دوره همچنین برای پاسخ‌دهی به نیاز تصمیم‌گیرندگان در صنایع مختلف طراحی شده است، تا ضمن آشناکردن آن‌ها با دانش نوین در زمینه مدیریت کسب و کار در عرصه‌های رقابتی، آنان را برای ایفای موثر و کارآمد نقش معمار سازمانی تجهیز نماید.

✓ مدارک دوره های **MBA** و **DBA** سازمان مدیریت صنعتی توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت، به منظور جذب و بکارگیری در بنگاه های صنعتی، معدنی و تجاری کشور ارزیابی می گردد.

✓ مطابق آیین نامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، هر سال دوره آموزشی بلند مدت سازمان مدیریت صنعتی در طرح طبقه بندی مشاغل معادل یک و نیم سال تجربه محسوب می شود.

ارومیه ۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

خیابان عمار-خیابان حج- سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان غربی

تبریز ۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۰۰

کوی ولیعصر- انتهای خیابان شهریار شمالی-۲۰ متری صفای-سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

زنجان ۰۲۴-۳۳۴۴۰۹۸۷

شهرک کارمندان- فاز ۳- خیابان اول- سازمان مدیریت صنعتی زنجان

اردبیل ۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

کارشناسان-بالانتر از میدان وصال- سازمان مدیریت صنعتی اردبیل



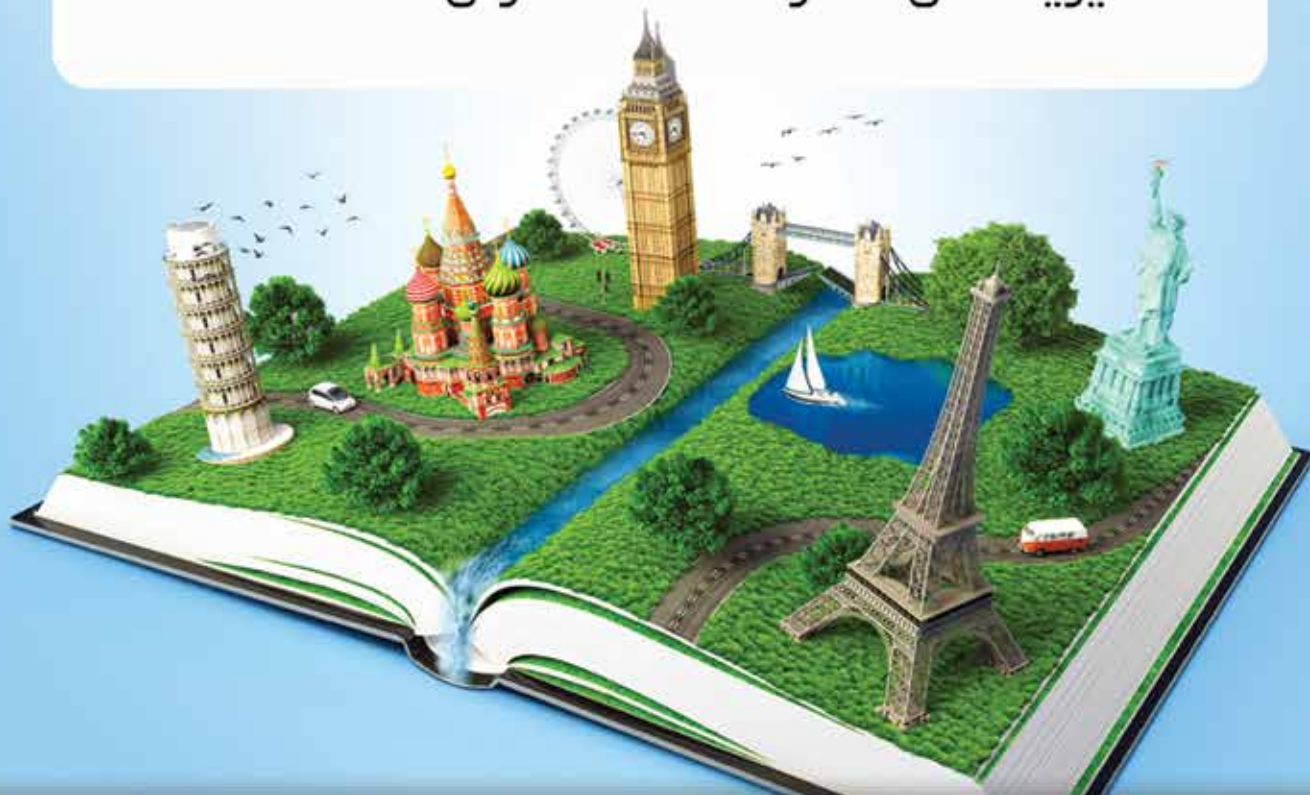
سازمان مدیریت صنعتی

نماینده‌گی آذربایجان شرقی

دوره های کوتاه مدت گردشگری

با ارائه گواهینامه معتبر از اداره کل میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری

- راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی
- مدیریت فنی دفاتر خدمات مسافرتی



زنجان

۰۲۴-۳۳۴۴۰۹۸۷

اردبیل

۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

ارومیه

۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

تبریز

۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۵-۸



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده‌گی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

آمادگی آزمون تاسیس شرکتهای حمل و نقل بین المللی کالا

Test preparation companies established international transport of goods

محتوای دوره

- حمل و نقل چند وجهی و ترانزیت
- سازمان ها و کنوانسیونهای حمل و نقل جاده ای
- ضوابط و مقررات حمل بار، ایمنی حمل، معاینه فنی و بسته بندی
- اسناد، مدارک و قراردادهای حمل و نقل بین المللی

زنجان

۰۲۴-۳۳۴۴۰۹۸۷

اردبیل

۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

ارومیه

۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

تبریز

۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۵-۸



مخابرات

www.mci.ir



مخابرات منطقه آذربایجان شرقی

www.eatc.ir



این همراهی میلیارد ها می ارزه!

هر ماه ۵ جایزه ۲۰۰ میلیون تومانی

استعلام امتیاز با شماره گیری #۴۳۱*۱*